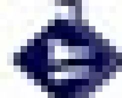
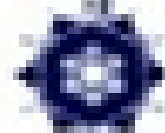




امام هادی علیه السلام



تحقیق: مرکز مطالعات
و پژوهش های فرهنگی
حوزه ی علمیه



رسول رضوی

امام مهدی (عج)

مشخصات کتاب

سرشناسه:رضوی، رسول

عنوان و نام پدیدآور:امام مهدی (عج) / رسول رضوی؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه.

مشخصات نشر:قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، 1384.

مشخصات ظاهری:دوازده، 198 ص.

فروست:سیر مطالعاتی کلام و عقاید اسلامی؛ 12.

شابک:13000 ریال : 964-6918-59-8

یادداشت:پشت جلد لاتینی شده:.Imam Mahdi

یادداشت:عنوان روی جلد: پرسش ها و پاسخ هایی درباره ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

یادداشت:کتابنامه: ص. [191] - 198؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد:پرسش ها و پاسخ هایی درباره ی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع:مهدویت-- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده:حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت

شناسه افزوده:حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی

رده بندی کنگره:BP224/4/ر6الف8 1384

رده بندی دیویی:297/462

شماره کتابشناسی ملی:2164672

اشاره

مصلح موعود درادیان

آیا در آیین زرتشت، مصلح موعود وجود دارد؟

«موعود» به کسی گویند که در یک یا چند دین آمدنش بشارت داده شده است. این شخص برای اصلاح امور انسان ها، مبارزه با کژی ها و ناراستی ها، ریشه کن کردن ظلم و ستم و برقراری صلح، دوستی و عدالت در جهان می آید; لذا او را «مصلح» می نامند.

در آیین زرتشت نیز به ظهور مصلح و منجی آخرالزمان تأکید شده است. بشارت های مختلفی در این آیین از آمدن مردی الهی و درستکار خبر می دهند که با ظهورش، صلح و راستی را بر عالم، حاکم خواهد ساخت.

در آیین زرتشت سه موعود وجود دارد که آنها را «سُوشیانت» می نامند و به ترتیب عبارت اند از: «هوشیدر» پرورانندهء ی قانون، «هوشیدر ماه» پرورانندهء ی نماز و نیایش و «استوت ارت» آخرین منجی که با آمدنش جهان نو می شود.

طبق تعالیم آیین مذکور، مهم ترین سُوشیانت، همان کسی است که در آخرالزمان ظهور می کند، چنان که گفته اند: سوشیانت مَزدیسنان به منزله ی کریشنای بَرَهمنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.(1)

سوشیانس، یا سوشیانت به معنای خاص کسی است که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و آن که سوشیانت پیروزگر نام خواهد داشت، استوت ارت نیز نامیده خواهد شد.(2)

در اوستا کلمه ی سوشیانت حداقل هشت بار و اَستوت اِرِتَ حداقل دو بار ذکر شده است.(3) در آن جا برای این مصلح موعود، صفات گوناگونی ذکر شده است; از جمله:

1. «در آن هنگام که مردان دیگربار برخیزند و بی مرگی به زندگان روی آورند «سوشیانت» پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند».(4)

2. «بدان هنگام که «اَسْتْوَت اِرِتَ» پیک مزدا اهوره - پسر «ویسْپَ تَوْروَیری» از آب کیا نسیه برآید، گرزی پیروزی بخش برآورد که فریدون دلیر، هنگام کشتن «آژی دَهاک» داشت».(5)

1- . ر.ک: محمدرضا حکیم، خورشید مغرب، ص 53، و حسین توفیقی، آشنایی به ادیان بزرگ، ص 66.
2- . اوستا، دفتر سوم، فروردین پشت، بند 11، (ج 1، ص 405 - 430).
3- . ر.ک: اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه.
4- . اوستا، زامیاد پشت، بند 11، (ج 1، ص 487).
5- . اوستا، زامیاد پشت، بند 93، (ج 1، ص 502).

3. «یاران «اَسْتْوَت اِرِتَ» پیروزمند بدرآیند; آنان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند.»(1)

از موارد یاد شده استفاده می شود که در اوستا، علاوه بر بشارت ظهور مصلح در آخرالزمان، به صفاتی چون پیروزگر بودن موعود، قیام با شمشیر و دارای یارانی با خصال نیک اشاره دارد. برای آگاهی بیش تر، باید به دیگر کتاب های زرتشتیان، که در تفسیر اوستا و تبیین این آیین نوشته شده اند، رجوع کرد; از جمله:

1. در کتاب معروف «زند»(2) پس از ذکر مبارزه ی همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» آمده است:

... آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان]خداپرستان [می شود و اهریمنان را منقرض می سازند... پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصل خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.(3)

در این متن، همانند اوستا به ظهور مصلح آخرالزمان و به ذکر کلی مسئله ی ظهور مصلح موعود اشاره نموده است.

2. جاماسب(4) در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند:

از زمین تا زیان (عرب) از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق بیرون آید و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.(5)

این سخن به صراحت اوصاف مصلح موعود را ذکر می کند که اولا، از سرزمین عرب ظهور خواهد کرد; ثانیاً، از اولاد هاشم است; ثالثاً، بر آیین جدّ خویش بوده و در نهایت، با قدرت و به نیروی

1- . اوستا، زامیاد پشت، بند 95.
2- . زند; شرح، بیان، گزارش و تفسیر اوستا است که در عهد ساسانیان به زبان پهلوی نوشته شده است. محمد معین، فرهنگ معین، ج 5، ص 656.

3- . محمد صادقی، بشارات عهدین، ص 238. این کتاب که در اواخر حیات آیه الله العظمی بروجردی تألیف شد به شدت از سوی آن بزرگوار مورد استقبال و مؤلفش بارها مورد تشویق قرار گرفت. در چاپ های بعدی، برخی علما تقریظ هایی بر این کتاب نوشتند; مثلا مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه این کتاب می نویسد: «آری خداوند عزّ اسمه این افتخار را نصیب عالم فاضل، محقق بارع، خطیب شهیر اقای محمد صادقی - لسان المحققین لازال مویداً فی لسانه و بیانه - نمود که کتاب شریف بشارات عهدین را تألیف و بشارات نبوت را با تحقیقی انیق و بحثی عمیق از مصادر اصلیه با مدارک کافیه استخراج نموده و... این بنده، به نوبه خود، در برابر این شاهکار گرانبها از معظم له شکرگزاری نموده و...»
4- . در سنت زردشتیان، جاماسب از خاندان هوگوه و بردار فر شوشتر بود که هر دو برادر، وزیر گشتاسب بودند. جاماسب با دختر زردشت به نام پورچیست ازدواج کرد. وی در ادبیات ایران و عرب به لقب فرزانه و حکیم خوانده شده است و پیش گویی هایی بدو نسبت داده اند که در رساله پهلوی «یادگار زریران» و «گشتاسب نامه دقیقی» و «جاماسب نامه» آمده است. فرهنگ معین، ج 5، ص 419.
5- . بشارات عهدین، ص 243 - 244. مؤلف کتاب مذکور در پاورقی نوشته است که آن چه از جاماسب نامه در این کتاب نقل می شود از نسخه خطی است که در کتابخانه ملی ملک دیده ام که در ده قرن گذشته نوشته شده است.»

قهر، نهضت خود را آغاز خواهد کرد. این اوصاف، همان اوصافی است که در احادیث برای امام مهدی (عج) ذکر شده و منطبق بر آن حضرت است; لذا اگر چه مطالب اوستاو زند تنها به ظهور منجی آخرالزمان اشاره دارند، ولی با توجه به متن جاماسب نامه می توان ادعا نمود که موعود آیین زرتشت، همان موعود دین اسلام است.

مصلح موعود در ادیان هند

س: آیا در کتاب های هندیان و برهماییان، به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

ج: بیش تر ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و همانند احجار به سوی پایین حرکت می کند، نمی تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد; پس به ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلندپایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر دینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر، توافق و هماهنگی کامل دارد.(1)

آیین ها و ادیان هندی نیز همانند سایر ادیان، درباره ی ظهور مصلح موعود مطالب متنوع و متعددی دارند که در کلیات، با وعده ها و بشارت های سایر ادیان مطابقت دارد; البته نباید انتظار داشت که همه ی این آیین ها در جزئیات مسئله نیز با هم توافق داشته باشند. چون منظور آگاهی از بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در این آیین هاست. که به چند مورد اشاره می شود:

1. در کتاب «وشن جوک» آمده است:

سرانجام دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او "فرخنده" و "خجسته" باشد.(2)

2. در کتاب «دید» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است:

پس از خرابی دنیا، در آخر زمان پادشاهی پیدا شود که نامش منصور است و پیشوای خلایق تمام عالم را می گیرد و به دین خود آورد و همه کس را، از مؤمن و کافر، بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.(3)

3. در کتاب «دداتک» نوشته شده است:

1- . محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص 54.
2- . ناصر مکارم شیرازی، انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص 54.

3- . محمد صادقی، بشارات عهدین، ص 245.

... دست حق در آید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد. همه جا و خلایق را هدایت کند.(1)

4. در کتاب زبده المعارف و ذخیره الالباب «پاتیکل» - که از بزرگان هندوست - نقل شده که

چون مدت روز تمام شد، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان، یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر، یعنی وصی بزرگ تر که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» باشد به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»(2) باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد...(3)

5. در کتاب «باسک» نیز چنین آمده است:

دو دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و راستی حق با او باشد و آن چه در دریا و زمین و کوه ها پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین آن چه باشد خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید.(4)

در آیین بودا نیز دوره های متعددی وجود دارد; ولی «مسئله ی انتظار در این آیین مطرح است و شخص مورد انتظار آنها، بودای پنجم است.»(5)

پس آیین های مختلف هندی به ظهور مصلح و منجی در آخرالزمان اعتقاد دارند و هواداران خود را به آن بشارت داده اند که می توان اوصاف ذکر شده برای این مصلح را در موارد زیر خلاصه کرد:

1. در کتاب های آیین های هندی، مصلح موعود بعد از آن که عالم پر از ظلم و فساد شد، آن را پر از عدل و داد خواهد کرد.

2. خداوند از او پشتیبانی و خواسته هایش را اجابت می کند.

3. حکومت او عالم گیر است و همه ی مردم را هدایت خواهد کرد.

4. تمام نعمت های زمین و آسمان را به دست خواهد آورد و در دوران او، همه از نعمت های فراوان الهی برخوردار خواهند بود.

5. از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان است که اولی ناموس آخرالزمان و دومی صدیق اکبر و وصی بزرگ تر ناموس آخرالزمان است.

6. معجزه های بسیار می آورد.

ص: 5

1- . انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص 55.
2- . رام در لغت سانسکریتی، نام خداوند است.
3- . بشارات عهدین، ص 246 - 247.
4- . همان، ص 246.
5- . خورشید مغرب، ص 54.

7. نام او «فرخنده»، «خجسته»، «منصور» و... است.

بنابراین، با دقت در اوصاف مصلح موعود در آیین های هندی و بررسی احادیث شیعه و اهل سنت درباره ی امام مهدی (عج) متوجه خواهیم شد که موعود این دو، شباهت های بسیاری به هم دیگر دارند و حتی می توان ادعا کرد که مصلح مورد نظر آیین های هندی، همان مصلح موعود اسلام است; زیرا از دیدگاه اسلام نیز امام مهدی (عج) عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

آن حضرت(عج) به قدرت خداوند، همه ی مردم را هدایت می نماید و حکومت عدل خویش را بر عالم می گستراند. وی از فرزندان پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امام علی(علیه السلام) است که به هنگام ظهورش زمین و آسمان، خوان نعمت خود را خواهند گسترانید و هر چه از خداوند بخواهد به او داده خواهد شد... .

س: آیا در کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

ج: کتاب های مقدس یهود، بارها به ظهور مسیح اشاره کرده اند و در برخی از انجیل ها به بازگشت حضرت عیسی(علیه السلام) تأکید شده است; لکن این اشارات و نصوص با مطالبی که در مورد مصلح آخرالزمان ذکر شده، تفاوت دارد و باید این دو نوع بشارت، یعنی بشارت بازگشت حضرت عیسی(علیه السلام) و بشارت ظهور مصلح آخرالزمان را از همدیگر تفکیک کرد. به همین دلیل برای پرهیز از طولانی شدن بحث به ذکر برخی از بشارت هایی که در مورد ظهور مصلح آخرالزمان وارد شده، اکتفا می کنیم:

الف) بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در «عهد قدیم»

در بخش «عهد قدیم» کتاب مقدس به بشارت های مختلفی در مورد بعثت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)و نیز به تعداد ائمه ی معصومین که از اولاد حضرت اسماعیل اند، اشاره شده است; به طور مثال در کتاب «پیدایش» نقل شده است که خداوند به حضرت ابراهیم فرمود: «... امّا در مورد اسماعیل نیز تقاضای تو را اجابت نمودم و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید. دوازده امیر]امام[از میان فرزندان او برخواهند خواست...»(1)

در بخش های دیگر کتاب مقدس نیز مطالبی در این مورد آمده است، لکن این قسمت را ذکر کردیم تا روشن شود که بین بشارت های موجود در مورد ظهور مسیح و مصلح آخرالزمان فرق وجود دارد; زیرا اوّلی از اولاد اسحاق و دوّمی از فرزندان اسماعیل خواهد بود.

ص: 6

1- . کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب پیدایش، فصل 17، ش 20 - 21.

در کتاب «مزامیر داود» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است که «... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود، امّا حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد...; زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد; امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد.»(1)

خداوند نیز در قرآن به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

(وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الارْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ)(2);

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در کتاب «حبقوق» بنی نوشته شده:

... و اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش بد که جمیع امت ها را نزد خویش جمع می کند و تمامی را برای خویشتن فراهم می کند.(3)

هم چنین در کتاب «اشعیا» - در بحثی که سراسر تشبیه است - می خوانیم:

و نهالی از تنه ی یسی بر آمده، شاخه ای از شاخه هایش قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمینی به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمربند کمرش عدالت و وفانطاق میانش خواهد بود.

گرگ با بره سکونت داشته... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد; زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب هایی که دریا را فرو می گیرند پر خواهد شد.(4)

ب) بشارت ظهور مصلح موعود در «عهد جدید»

در آثار دینی مسیحیت که به عهد جدید معروف است، در مورد مصلح موعود بشارت ها و اشارت هایی آمده است که می توان از انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا(5) و... نام برد که به دو نمونه اشاره می کنیم:

1. در انجیل متی چنین آمده است:

چون که برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم، و فرشته های خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود.(6)

1- . کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، ش 37.
2- . انبیاء: 105.
3- . کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب حبقوق، فصل 2، ش 5.
4- . کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیا، فصل 11، ش 1 - 10.
5- . محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص 58.
6- . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، فصل 24، ش 30 - 32.

2. در انجیل لوقا نیز آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته دارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشد تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی درنگ آن را برای او باز کنید.(1)

آنچه از کتاب مقدس (چه عهد عتیق و چه عهد جدید) ذکر شد، همگی دلالت بر ظهور منجی و مصلح آخرالزمان دارند. او با قدرت و عظمت خاصی خواهد آمد و عدالت را بر زمین جاری خواهد ساخت. این دو خصوصیت نشان می دهد که مصلح موعود، انبیای گذشته نبودند; زیرا هیچ کدام از فرستادگان قبلی نتوانستند حکومت الهی را بر سرتاسر زمین گسترش دهند و همه ی آنها - که خاتم آنها حضرت محمد(صلی الله علیه وآله)بود - تحقق فراگیر شدن عدالت الهی را به دوره ی ظهور مصلح آخرالزمان (امام مهدی(عج)) موکول کردند.

مصلح موعود در دین اسلام

آیاتی که به ظهور قائم (عج) تأویل شده اند.

س: آیا در قرآن کریم به حضرت قائم (عج) اشاره شده است؟

ج: پیامبر(صلی الله علیه وآله) قبل از وفات خویش فرمود:

انّی تارک فیکم الثقلین ما إنْ تمسکْتُم بهما لن تضلّوا: کتاب الله و عترتی أهل بیتی و إنّهما لنْ یَفترِقا حَتّی یَرِدا علیّ الحوضَ;(2)

من، در میان شما، دو چیز گران بها باقی می گذارم; تا زمانی که به این دو تمسّک کنید، گمراه نمی شوید: کتاب خداوند (قرآن) و عترت و خاندان من، این دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت بر من در حوض وارد شوند.

بنابراین، قرآن یا اهل بیت(علیهم السلام) به تنهایی، مایه ی رستگاری نخواهند شد. ما زمانی می توانیم به رستگاری برسیم که این دو را در کنار هم قرار دهیم; زیرا قرآن، به تنهایی و بدون اهل بیت(علیهم السلام) برای هدایت انسان کافی نیست. در مسئله ی مهدویّت نیز اگر بخواهیم آیات مربوط به امام مهدی (عج) و قیام آن حضرت را بفهمیم، باید به بیانی که از سوی اهل بیت(علیهم السلام) در مورد آیات

1- . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، فصل 12، ش 35 - 37.
2- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 27، ص 33.

مربوط به قیام آن حضرت، وارد شده است، مراجعه کنیم; زیرا قرآن، یعنی ثقل اکبر و مهم ترین منبع اسلامی، در زمینه ی ظهور حضرت قائم (عج) مانند بسیاری زمینه های دیگر، یک بحث کلّی و اصولی دارد و وارد جزئیات مسئله نمی شود.

به تعبیر دیگر، آیات قرآن، خبر از یک حکومت عدل جهانی در سایه ی ایمان می دهد که به دستِ «خلیفه الله» صورت خواهد گرفت. تعیین مصداق این آیات، منوط به رجوع به دریای بی کران علم اهل بیت(علیهم السلام) است.

برخی از علما و محققان، تعداد آیاتی را که درباره ی امام زمان (عج) تفسیر و تأویل شده است، حدود دویست آیه دانسته اند.(1) مرحوم علامه ی مجلسی، بیش تر آن ها را در بحارالأنوار گرد آورده است.(2) و ما در این جا، به ذکر چند آیه و تفسیر و تأویل آن ها از ائمه ی معصوم(علیهم السلام)اکتفا می کنیم:

1. (وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الارْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ * إِنَّ فِي هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدِينَ);(3) همانا، بعد از «ذکر (تورات)» در «زبور» نوشتیم: «یقیناً، بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در این، ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت کنندگان».

این آیه دلالت می کند که روزی خواهد رسید که صلح و راستی، بر سراسر جهان سایه خواهد افکند و ظلم و بیداد از روی زمین برچیده خواهد شد. چون در زمان هیچ یک از انبیا و امامان قبلی، چنین اتفاقی نیفتاده، بنابراین باید این امر در آینده اتفاق بیفتد. برای این که بدانیم این وعده که در ثقل اکبر داده شده چه وقت و توسّط چه کسی تحقّق خواهد یافت، باید به ثقل اصغر مراجعه کنیم.

مرحوم طبرسی، در تفسیر مجمع البیان می نویسد:

امام باقر(علیه السلام)فرمود: «اینان، اصحاب مهدی در آخرالزمان اند.» مؤیّد آن، روایتی است که خاصّ و عام، از پیامبر خدا روایت کرده اند که: لولم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتّی یبعثَ رجلا صالحاً من أهل بیتی یملأ الارض قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً و جوراً; اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا، آن روز را طولانی می کند تا مردی

صالح از اهل بیت مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد کند.(4)

بنابراین، طبق روایت امام باقر(علیه السلام) و روایت های متعدد دیگر(5)، این وعده ی الهی با ظهور امام مهدی (عج) تحقّق خواهد یافت.

1- . میرزا مهدی صادقی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص 74.
2- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 44 - 64.
3- . انبیا: 105 - 106.
4- . ترجمه ی تفسیر مجمع البیان، ج 16، ص 172.
5- . بحارالأنوار، ج 9، ص 223 و ج 14، ص 37 و...

2. (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)؛(1) او، کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه ی آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

قدر مسلّم، وعده ی غالب شدن دین اسلام بر همه ی آیین ها، تاکنون تحقّق نیافته و آیین های دیگری با پیروان فراوان وجود دارند که هنوز نه تنها مغلوب دین حق پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)نشده اند، بلکه سعی می کنند تا اسلام را از بین ببرند، ولی چون وعده ی الهی حق است، پس باید روزی تحقّق پیدا کند. به همین دلیل، امام باقر(علیه السلام) می فرماید: «این پیروزی، به هنگام قیام مهدی از آل محمد(صلی الله علیه وآله) خواهد بود که احدی در روی زمین باقی نماند، جز آن که به نبوّت محمد(صلی الله علیه وآله)اعتراف کند».ژ(2)

هم چنین طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می نویسد:

در تفسیر برهان از صدوق (ره) نقل کرده که وی، به سند خود از ابی بصیر روایت کرده که گفت: امام صادق(علیه السلام) در تفسیر آیه ی (هو الذی ارسل رسوله...)فرمود: به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آن که قائم(علیه السلام) خروج کند.

هم چنین در ادامه می نویسد:

معنای این که این آیه درباره ی حضرت مهدی (عج) نازل شده، این است که خروج آن حضرت، تأویل این آیه است... .(3)

3. (الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الاَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلّهِ عاقِبَةُ الاُمُورِ)؛(4) همان کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه ی کارها از آن خداست.

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «این آیه، برای آل محمد(علیهم السلام) است و مهدی و اصحابش را فرمانروای مشارق و مغارب زمین می گرداند و به دست او و یارانش، دین را غالب کرده و بدعت ها و باطل ها را می میراند».(5)

4. (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ)؛(6) کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری او را برطرف می سازد.

از امام صادق(علیه السلام) روایت شده که فرمود:

1- . توبه: 33.
2- . حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج 11، ص 75.
3- . ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 9، ص 240.
4- . حج: 41.
5- . علی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج 3، ص 506؛ بحارالأنوار، ج 24، ص 165.
6- . نمل: 62.

این آیه، درباره ی قائم آل محمد(علیه السلام) نازل شده است. سوگند به خدا، او، مضطّر است زمانی که در مقام، دو رکعت نماز بگذارد و خدا را بخواند، خدا دعای او را استجابت می کند و رنج او را برطرف می سازد و او را در زمین خلیفه قرار می دهد.(1)

5. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «آیه ی (وَ لا یَکُونُوا کَالَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَیْهِمُ الامَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ)؛ (2) درباره ی حضرت قائم(عج) نازل شده است».(3)

6. (وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الارْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ)؛(4) اراده می کنیم که بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار می دهیم.

مؤلف تفسیر گازر در ذیل این آیه می نویسد:

اصحاب ما، روایت کرده اند که این آیه، در شأن امام مهدی (عج) است که خدای تعالی وی و اصحابش را پس از آن که تضعیف کرده باشند ایشان را، بر ایشان منّت نهد. و مراد از زمین، جمله ی روی زمین است. و ایشان را امامان و وارثان گرداند.(5)

در تفسیر جامع نیز گفته شده:

شیبانی، از حضرت باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرموده اند: آیه ی (و نرید اَن نَمُنّ...)مخصوص حضرت حجت(علیه السلام)است که در آخر زمان ظاهر شده و کفّار و ستمکاران را که مانند فرعون و هامان هستند، هلاک و به قتل رسانیده و از بین می برند و مالک شرق و غرب جهان شده و پس از آن که جور و ظلم عالم را پر کرده باشد، عدالت مطلقه را اجرا می فرماید.(6)

نتیجه و جمع بندی

از بررسی این آیات، چنین به دست می آید که خداوند، پیروزی مطلق حق بر باطل را وعده داده است و این پیروزی - که تاکنون تحقّق نیافته - در آینده، به دست کسانی تحقّق خواهد یافت که اقامه کننده ی نمازهستند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. اینان، با اقامه ی شعائر الهی، وارث زمین خواهند شد.

چنان که در ابتدای بحث ذکر شد، تعیین مصداق این آیات و تفسیر آن ها، تنها، در صورت رجوع به ائمه معصوم(علیهم السلام) میسور است و همان گونه که در ذیل آیات اشاره شد، امامان معصوم(علیهم

1- . تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص 79; المیزان، ج 15، ص 319; بحارالأنوار، ج 51، ص 48.
2- . مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد، و بسیاری از آنان گناهکارند. حدید: 16.
3- . بحارالأنوار، ج 51، ص 54.
4- . قصص: 5.
5- . جرجانی، تفسیر گازر، ج 7، ص 152.
6- . سیدابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج 5، ص 154، (به نقل از نرم افزار ترجمه و تفسیر قرآنی جامع).

السلام) امام مهدی (عج) و یاران آن حضرت را مصادیق این آیات و تحقق دهندگان وعده ی الهی، معرّفی می کنند.

س: آیا اهل سنّت، به ظهور امام مهدی(عج) در آخرالزمان اعتقاد دارند؟

ج: اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان که نامش «مهدی» و از اولاد پیامبر اسلام است، مورد اتّفاق همه ی فرقه های اسلامی است. صاحب کتاب عون المعبود (شرح کتاب سنن ابی داوود) می نویسد:

بدان که در طول اعصار، مشهور بین همه ی اهل اسلام، این است که حتماً، در آخرالزمان، مردی از اهل بیت(علیهم السلام) ظهور می کند که دین را یاری، و عدل را آشکار می کند... نامش، مهدی است و عیسی، بعد از مهدی یا هم زمان با مهدی، نزول، و او را در کشتن دجال یاری، و در نماز به او اقتدا می کند.

احادیث مربوط به مهدی (عج) را عدّه ای از بزرگان آورده اند، از آن جمله است، ابوداوود، ترمذی، ابن ماجه، بزار، حاکم، طبرانی، ابویعلی. سند این احادیث، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن و یا ضعیف است.(1)

یکی دیگر از علمای اهل سنّت می نویسد:

روایات فراوانی درباره ی مهدی (عج) وارد شده به حدّی که به حدّ تواتر می رسد. این امر، در میان علمای اهل سنّت شیوع دارد، به گونه ای که از جمله معتقدات آنان به شمار می آید. این احادیث به طرق گوناگون و متعدّد، از صحابه و بعد از آنان، از تابعان، نقل شده است، به گونه ای که مجموع آن ها، مفید علم قطعی است. به همین دلیل، ایمان به ظهور مهدی، واجب است، همان گونه ای که این وجوب، در نزد اهل علم ثابت بوده و در عقائد اهل سنت و جماعت، مدوّن شده است.(2)

ابن کثیر نیز در البدایه و النهایه می گوید:

مهدی، در آخرالزمان می آید و زمین را پر از عدل و قسط می کند، همان گونه که پر از جور و ظلم شده است. ما، احادیث مربوط به مهدی را در جلد جداگانه ای گرد آوردیم، همان گونه که ابوداوود در سنن خود، کتاب جداگانه ای را به آن اختصاص داده است.(3)

1- . عون المعبود (شرح سنن ابی داود)، ج 11، ص 362 (به نقل از سعید ایوب، الطریق الی المهدی المنتظر، ص 1).

2- . نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص 226. (به نقل از الطریق الی المهدی المنتظر، ص 91).

3- . اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی، البدایه و النهایه، ج 6، ص 281.

از این مطالب که از بزرگان اهل سنّت نقل شد، معلوم می شود که مسئله ی مهدویّت و اعتقاد به ظهور مهدی (عج) جزء عقاید ثابت اهل سنّت و جماعت است و احادیث مربوط به ظهور آن حضرت، در میان آنان، به حدّ تواتر رسیده است.

کتاب های متعدّد و متنوعی درباره ی ظهور آن حضرت از سوی علمای اهل سنّت تألیف شده است به گونه ای که شیخ محمّد ایروانی در کتاب الإمام المهدی می نویسد:

اهل سنّت، کتاب های متعدّدی در گردآوری روایات مربوط به امام مهدی (عج) و این که در آخرالزمان شخصی به اسم مهدی ظهور خواهد کرد، نوشته اند. تا حدّی که من اطلاع دارم، اهل سنّت، بیش از سی کتاب در این باره تألیف کرده اند.(1)

هر چند این مسئله، مورد اتّفاق اهل سنّت و شیعه است، امّا تعداد انگشت شماری از اهل سنّت، احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را ضعیف می انگارند. مثلاً، ابن خلدون در تاریخ خود، این احادیث را ضعیف می شمارد(2) و یا رشید رضا (مؤلف تفسیر المنار) در ذیل آیه ی سی و دوم سوره ی توبه، به ضعیف بودن احادیث مربوط به مهدویت اشاره می کند.(3)البتّه، این دو، دلیلی بر ادعای خود نیاورده اند و تنها به مطالبی واهی استناد کرده اند. سخنان آن دو، از سوی دیگر علمای اهل سنّت، به شدت ردّ شده و در تألیفات علمای شیعه نیز به آن دو پاسخ داده شده است.

خود ابن خلدون، در بیان عقیده ی مسلمانان در مورد امام مهدی(علیه السلام)می نویسد:

مشهور بین همه ی اهل اسلام، این است که حتماً، در آخرالزمان، مردی از اهل بیت(علیهم السلام) ظهور می کند که دین را حمایت، و عدل را آشکار می کند و مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می یابد. آن شخص، مهدی نامیده می شود(4).

بنابراین، ضعیف شمردن احادیث از سوی وی خدشه ای بر اتّفاق نظر اهل سنّت در مورد ظهور مهدی (عج) وارد نمی کند; زیرا، این اعتقاد، ناشی از کثرت احادیثی است که از طرق عامه نقل شده است. ما، در زیر، به ذکر نام برخی از کسانی که این گونه احادیث را در کتاب های خود آورده اند، می پردازیم، هر چند، تقریباً، می توان ادعا کرد که تمام کتاب های معتبر

حدیثی اهل سنّت، حدّاقل، چند مورد از احادیث امام مهدی (عج) را ذکر کرده اند:

1. ابن سعد (متوفی 230 ه-);

2. ابن ابی شیبه (متوفی 235 ه-);

3. احمد بن حنبل (متوفی 241 ه-);

ص: 13

1- . شیخ محمد باقر ایروانی، الإمام المهدی(علیه السلام)، ص 11.
2- . تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 199.
3- . تفسیر المنار، ج 10، ص 393، ج 9، ص 499 - 507.
4- . تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 555، فصل 52.

4. بخاری (متوفی 273 ه-)؛

5. مسلم (متوفی 261 ه-)؛

6. ابن ماجه (متوفی 273)؛

7. ابوبکر اسکافی (متوفی 273 ه-)؛

8. ترمذی (متوفی 279 ه-)؛

9. طبری (متوفی 380)؛

10. ابن قتیبه دینوری (متوفی 276)؛

11. بربهاری (متوفی 329)؛

12. حاکم نیشابوری (متوفی 405)؛

13. بیهقی (متوفی 458)؛

14. خطیب بغدادی (متوفی 463)؛

15. ابن اثیر جزری (متوفی 606).(1).

س: از دیدگاه اهل سنّت امام مهدی (عج) چه اوصافی دارد؟

ج: اوصافی که در کتاب های اهل سنّت برای امام مهدی(علیه السلام) ذکر شده، بر گرفته از احادیثی است که آنان از پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) نقل می کنند و در کلیات، با اوصاف ذکر شده در کتاب های علمای شیعه، فرقی ندارد.

برخی از روایت هایی که در کتاب های حدیثی اهل سنت، آمده عبارت اند از:

1. عن النبی(صلی الله علیه وآله) أَنّه قال: «لا تذهب الدنیا حتّی یملک العرب رجلٌ من أهل بیتی یواطیء اسمه اسمی;(2) دنیا به پایان نمی رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من است، مالک عرب شود».

2. عن النبی(صلی الله علیه وآله): «لا تقوم الساعهُ حتّی تملا الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم یخرج من أهل بیتی مَن یملاها قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً و جوراً;(3)قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور و دشمنی شود و سپس از اهل بیت من، شخصی ظهور می کند که زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

1- . در مورد کسانی که به ذکر احادیث مربوط به امام مهدی(علیه السلام)پرداخته اند، ر.ک; المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی، ص 26 - 29.
2- . مسند احمد، ج 1، ص 377، ح 3563; ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقه، ص 249.
3- . مسند احمد، ج 3، ص 36، ح 10920; المتقی الهندی، کنزالعمال، ج 14، ص 271، ح 38691.

3. عبدالله بن مسعود از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«لو لم یبق من الدنیا یوم لطولٍ الله ذلک الیوم حتّی یبعثَ فیهٍ رجلا منّی أوْ من أهل بیتی یملا الارض قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً و جوراً;(1)

اگر از دنیا، فقط یک روز باقی بماند، خداوند، آن روز را طولانی می کند تا در آن روز، مردی از من یا از اهل بیت من، مبعوث شود و زمین را پر از قسط و عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

س: مهدویّت از دیدگاه اهل سنّت با مهدویّت از دیدگاه شیعه، چه فرقی دارد؟

ج: همان گونه که گفته شد، اهل سنّت، بالاتفاق، به مهدویّت معتقد هستند و به دلیل وجود روایت های متواتر، ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان را جزء اعتقادات قطعی خود می دانند، برخلاف شیعه ی امامیه که معتقدند، امام مهدی (عج)، فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) است و هم اکنون نیز زنده و غائب است. در این زمینه، اهل سنت به چند گروه تقسیم می شوند:

عدّه ای از اهل سنّت، مدعی هستند که مهدی، همان عیسی بن مریم است و در این مورد، به خبری واحد که از انس بن مالک نقل شده است، استناد می کنند.(2)

تعداد اندکی نیز مدعی هستند که مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است. آنان به خبر واحدی استناد می کنند که در کنزالعمال ذکر شده است.(3)

عده ای نیز معتقدند، مهدی از اولاد امام حسن مجتبی(علیه السلام) است، نه امام حسین(علیه السلام).(4)

گروهی می گویند، پدر امام مهدی، هم نام پدر پیامبر اسلام است و چون نام پدر حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) عبدالله بود، پس مهدی بن حسن عسکری(علیه السلام)نمی تواند مهدی موعود باشد. مستند این احتمال هم خبری است که در کنزالعمال ذکر شده است.(5)

جمعی از آنان، همانند امامیه، معتقدند که امام مهدی (عج) از اولاد پیامبر(صلی الله علیه وآله) و فاطمه(س) است و حضرت عیسی نیز به هنگام ظهور امام مهدی (عج) به یاری او خواهد شتافت و در نماز به آن حضرت اقتدا خواهد کرد، چنان که در روایت های متعدد از ام سلمه نقل شده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمه;(6) مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است».

1- . سنن ابی داود، ج 4، ص 106 - 107، ح 4282.
2- . سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، ح 4029.

3- . کنزالعمال، ج 14، ص 264، ح 38663.
4- . ابن قیم جوزی، اطنار المنیف، ص 151 (به نقل از میلانی، الامام مهدی، ص 21).
5- . کنزالعمال، ج 14، ص 268، ح 38678.
6- . عثمان بن سعید المقری، السنن الوارده فی الفتن و غوائلها و الساعه و أشراطها، ج 5، ص 1057.

جابر بن عبدالله از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که حضرت عیسی(علیه السلام) به هنگام ظهور مهدی (عج) نزول خواهد کرد.(1) عبدالله بن عمر می گوید: «المهدی الذی ینزل علیه عیسی بن مریم و یصلی خلفه عیسی(علیه السلام)؛(2) مهدی، کسی است که عیسی بن مریم بر او نزول می کند و پشت سر او نماز می خواند».

این گروه، حدیث «مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است» را قبول ندارد. ذهبی می گوید:

تفرد به محمّد بن الولید مولی بنی هاشم و کان یضع الحدیث؛(3)این حدیث را تنها محمّد بن ولید، آزاد کرده ی بنی هاشم گفته است، و او جاعل حدیث بود.

البته این گروه نیز تولّد حضرت مهدی (عج) و غیبت او را قبول ندارند. ابن حجر ادعا می کند: «همه ی مسلمانان غیر از امامیه، معتقدند که مهدی غیر از حجت (عج) است; چون، غیبت یک شخص، آن هم با این مدّت طولانی، از خوارق عادات است...».(4)

در پاسخ گروه اخیر باید گفت:

اوّلا، روایات نبوی متعدّدی وجود دارد که امامان دوازده گانه را با نام های آنان به طور روشن معرفی کرده اند، پس سخن او، باطل است.

از ابن عباس روایت شده که شخصی یهودی به نام نعثل، نزد رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آمد و سؤال های بسیاری را مطرح کرد. او، از اوصیا نیز پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «نخستین وصیّ من علی(علیه السلام) و پس از او، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و امامان نه گانه از فرزندان اویند». نعثل پرسید: «نام آنان چیست؟». حضرت، نام تک تک امامان را تا امام دوازدهم(عج) شمردند.(5)

هم چنین رسول خدا، در پاسخ جابربن عبدالله انصاری که در مورد ائمه ی بعد از علی(علیه السلام) سوال کرده بود، فرمود: «بعد از علی(علیه السلام)، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام)سروران اهل بهشت، امام هستند، سپس سید العابدین در زمان خودش، علی بن حسین(علیه السلام)، سپس محمّد بن علی باقر(علیه السلام). تو، او را خواهی دید. وقتی او را دیدی، سلام مرا برسان. سپس جعفر بن محمّد صادق(علیه

السلام)، سپس موسی بن جعفر کاظم(علیه السلام)، سپس علی بن موسی رضا(علیه السلام)، سپس محمّد بن علی جواد(علیه السلام)، سپس علی بن محمّد نقی(علیه السلام)، سپس حسن بن علیّ زکیّ(علیه السلام)،

1- . همان، ج 6، ص 1237.
2- . نعیم بن حماد المروزی، الفتن، ج 1، ص 373.
3- . ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقه، ج 2، ص 478.
4- . همان، ج 2، ص 482.
5- . ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه ی سید جواد مصطفوی، ج 1.

و پس از او، قائم بالحق مهدی امت من، م ح م د بن حسن صاحب زمان(علیه السلام)امام است. او، زمین را پر از قسط و عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است».(1)

ثانیاً، شواهد تاریخی و گزارش های بسیاری وجود دارد که ولادت آن حضرت و ایام کودکی او را نقل کرده اند. برای نمونه، چند مورد از اقوال اهل سنّت نقل می شود:

1. حافظ سلیمان حنفی می گوید:

خبر معلوم نزد محقّقان و موثقان، این است که ولادت قائم (عج) در شب پانزدهم شعبان (255. ق) در شهر سامرا واقع شده است.(2)

2. خواجه محمّد پارسا، در کتاب فصل الخطاب گفته است:

یکی از اهل بیت ابو محمد بن عسکری است که فرزندی جز ابوالقاسم که قائم و حجت و مهدی و صاحب الزمان نامیده می شود، باقی نگذاشت. او، در نیمه ی شعبان سال 255 هجری متولّد شد. مادرش، نرجس نام دارد. او هنگام شهادت پدرش، پنج سال داشت.(3)

3. ابن خلکان در وفیات الأعیان می نویسد:

ابوالقاسم محمّد فرزند حسن عسکری فرزند علی هادی فرزند محمّد جواد.... دوازدهمین امام از ائمه ی دوازده گانه ی شیعه است که به «حجت» معروف است ... ولادت او، روز جمعه، نیمه ی شعبان سال 255 ه-.ق است.(4)

4. ذهبی نیز در سه کتاب از کتاب هایش، به ولادت امام مهدی (عج) اشاره کرده و در کتاب العبر و در حوادث سال 256 ه-. ق می نویسد:

در این سال، محمّدبن حسن بن علی الهادی فرزند محمّدجواد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، به دنیا آمد. کنیه اش، ابوالقاسم است و رافضیان، او را الخلف الحجه، مهدی، منتظر و صاحب الزمان می نامند. و او، آخرین امام از ائمه ی دوازده گانه است.(5)

5. خیر الدین زرکلی (متوفی 1396 ه-. ق) از علمای معاصر اهل سنّت نیز در کتاب أعلام می نویسد:

او، در سامرا به دنیا آمد و هنگام وفات پدرش، پنج سال داشت و گفته شده که در شب نیمه شعبان سال 255 به دنیا آمده و در سال 265 ه-. ق غایب شده است.(6)

1- . احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، ج 1، ص 168.
2- . شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص 179.
3- . همان.
4- . ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج 4، ص 562.
5- . قایماز ذهبی، العبر فی خبر من غبر، ج 3، ص 31.
6- . خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج 6، ص 80.

آیه الله العظمی صافی (دام عزه) در کتاب مهدویت، بیش از هفتاد و هفت نفر از علمای اهل سنّت را نام می برد که هر یک، به نحوی، ولادت آن حضرت را بیان کرده اند.(1)

بنابراین، اگر برخی از اهل سنّت می گویند: «حضرت مهدی (عج) به دنیا نیامده است.»، ادعایی بی اساس است که حتّی با گفته ها و نوشته های بزرگان خودشان نیز سازگار نیست.

شاید برخی از اهل سنّت همانند ابن حجر هیثمی، طولانی بودن عمر را دلیل بر عدم ولادت امام مهدی (عج) بدانند، ولی باید گفت، خدایی که قادر است عیسی بن مریم را زنده نگه دارد تا به مهدی (عج) اقتدا کند و یونس را در شکم ماهی محافظت کند و یا به نوح پیامبر، نهصد و پنجاه سال عمر بدهد، آیا قدرت ندارد به مهدی (عج) عمر طولانی عنایت کند؟(2) خود اهل سنت نیز به زنده بودن عیسی، خضر، صالح، و... معتقدند.

نتیجه این که ولادت حضرت مهدی، امری است مسلّم و قطعی و خود اهل سنّت هم به آن واقفند و عوامل و انگیزه های دیگری وجود دارد که نمی گذارد حق را بازگو کنند و حقانیت شیعه و وجود امام زمان (عج) را ثابت کنند.

س: امام مهدی (عج) از دیدگاه روایات اهل بیت(علیه السلام) چه خصوصیّات و اوصافی دارد؟

ج: احادیث و روایاتی که از اهل بیت(علیهم السلام) به دست ما رسیده، از حیث سند و دلالت، مختلف هستند. برخی از آن ها، متواتر و برخی، مستفیض یا خبر واحد هستند و از جهتی، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن به شمار می آیند و برخی نیز به دلیل مجهول بودن روای حدیث یا غیر موثق بودن راوی، ضعیف شمرده می شوند.

احادیث مربوط به امام مهدی (عج) نیز از این قاعده مستثنا نیستند و از دیدگاه علم حدیث، هر یک از جایگاه جداگانه ای برخوردار هستند، ولی با این همه، برخی از مطالب، در بیش تر این احادیث، مشترک هستند و در اکثر احادیث به این مطالب اشاره شده، به همین دلیل می توان ادعا کرد که این مطالب مشترک اگر چه متواتر لفظی نباشند، متواتر معنوی هستند. بنابراین، بدون کم ترین شبهه ای، می توان به این مطالب استناد کرد.

چون در فصل های آینده به تفصیل، به اوصاف و خصوصیّات امام مهدی(علیه السلام) اشاره خواهد شد، در این قسمت، تنها، به همین مطالب مشترک اشاره می شود و برای هر یک از این مطالب، یک حدیث به عنوان شاهد آورده می شود:

1- . لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج 2، ص 56 - 241.
2- . ر.ک: بحارالأنوار، ج 51، ص 99 - 102.

1. امام مهدی (عج) هم نام رسول خدا(صلی الله علیه وآله) است:

قال النبی(صلی الله علیه وآله): اسمه کاسمی و اسم أبیه کاسم ابنی و هومن ولد بنتی یظهر الله الحق بهم و یخمد الباطل باسیافهم...; (1) اسم او، مانند اسم من است و اسم پدرش، مانند اسم فرزندم است. او، از فرزندان دخترم است. خداوند، به دست آنان، حق را آشکار می کند و با شمشیرهای آنان، باطل را فرسوده می کند....

2. او از اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و از فرزندان امام حسین(علیه السلام) است:

قال النبی(صلی الله علیه وآله): لاتذهب الدنیا حتّی یقومَ بأمر أُمّتی رجل من ولدالحسین یملأها عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً;(2) دنیا به پایان نمی رسد، مگر این که مردی از فرزندان حسین(علیه السلام) برای اصلاح امر امّت من، قیام کند و جهان را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

3. امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) است:

امام حسن عسکری (عج) به نرجس خاتون فرمود:

ستحملین ذکراً و اسمه م ح م د و هو القائم من بعدی; به زودی پسری به دنیا خواهی آورد که اسمش م ح م د است و او بعد از من قائم و امام است.(3)

4. آن حضرت قبل از ظهور به غیبت طولانی می روند:

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: المهدی من ولدی. اسمه اسمی و کنیته کنیتی أشبه الناس بی خَلْقاً و خُلْقاً. تکون له غیبه و...;(4) مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه اش، کنیه ی من است. از حیث خلق و خوی و شکل و صورت، شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبتی است....

5. به هنگام ظهور، زمین را پر از عدل و داد می کند و حضرت عیسی(علیه السلام)پشت آن حضرت نماز می گذارد:

ابن عباس، از رسول خدا نقل می کند که آن حضرت فرمود: «جانشینان و اوصیای من و حجّت های خداوند بر خلق، بعد از من، دوازده نفرند. اولشان برادرم و آخرشان فرزندم است.»

گفته شد: «یا رسول الله! برادر تو کیست؟». فرمود: «علی بن ابی طالب.» گفته شده: «فرزندت کیست؟». فرمود: «مهدی است که جهان را پر از قسط و عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شود. قسم به آن که مرا مبعوث کرد! اگر از دنیا، فقط یک روز بماند، خداوند آن روز را طولانی کند تا این که در آن روز، فرزندم مهدی ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم نزول کند

ص: 19

1- . همان، ص 67.
2- . همان، ص 66.
3- . همان، ص 161.
4- . همان، ص 72.

و پشت سر او نماز بگزارد، و زمین به نور پروردگار او روشن شود و حکومتش شرق و غرب را فراگیرد.(1)

البته موارد و مطالب مشترک احادیث مربوط به امام مهدی (عج) بیش تر از موارد مذکور است، ولی به دلیل طولانی نشدن این بخش و عدم تکرار، به همین اندازه اکتفا می شود.

س: چه مقدار روایت از اهل بیت(علیهم السلام) در مورد امام مهدی(علیه السلام)به دست ما رسیده است؟

ج: اوّلا، همان گونه که گذشت، اخبار مربوط به ظهور امام مهدی (عج) از دید اهل سنّت، به حدّ تواتر رسیده و اصل مسلّمی به شمار می آید و نزد شیعه نیز این احادیث فراتر از حدّ تواتر است، به گونه ای که آیه الله العظمی صافی در کتاب منتخب الاثر می نویسد:

بر هر کسی که توجّه به تاریخ و احادیث داشته باشد، معلوم است که بشارت های نقل شده از پیامبر(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت(علیهم السلام)و اصحاب آن حضرت در مورد ظهور مهدی (عج) به تواتر رسیده است.(2)

ثانیاً، باید گفت، تاکنون استقرای کاملی در مورد تمام احادیث مربوط به امام مهدی (عج) صورت نگرفته است، ولی در این مورد می توان به کتاب هایی اشاره کرد که سعی کرده اند بخشی از احادیث مربوط به آن حضرت را گردآورند:

1. مرحوم شیخ الطائفه، محمّد طوسی در کتاب الغیبه بخش مهمّی از احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآورده است.

2. مرحوم نعمانی نیز در کتاب الغیبه بخشی از این احادیث را نقل کرده است.

3. علامه ی مجلسی، جلدهای پنجاه و یکم و پنجاه و دوم و پنجاه و سوم کتاب بحارالأنوار را به تاریخ امام مهدی (عج) اختصاص داده است.

4. از علمای معاصر نیز آیه الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآورده است. ایشان، مجموع احادیث مربوط به آن حضرت را که در کتاب های مختلف و معتبر اهل سنّت و شیعه ذکر شده، حدود شش هزار و سیصد و سی و هشت روایت می دانند و در کتاب مذکور، با حذف احادیث مکرر، نهصد و بیست و نه حدیث را نقل کرده اند.

1- . همان، ص 71.
2- . لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، مقدمه، ص 2.

س: چرا خداوند اجرای عدالت موعود در زمان حضرت مهدی (عج) را بر عهده ی پیامبران یا امامان قبلی نگذاشت؟

ج: باید توجّه داشت که خداوند برای هر امّتی متناسب با شرایط همان امّت، پیامبرانی فرستاده است، ولی هیچ پیامبری در اجرای برنامه هایش، به طور کامل، موفّق نبود و نتوانست حکومت عدل فراگیر را - که یکی از اهداف اصلی آنان بوده - تشکیل دهد; زیرا که مردم عصرشان، استعداد پذیرش حکومت عدل فراگیر را نداشته اند.

هنگامی که پیامبران الهی مبعوث می شدند و مردم را به پرستش خدای یگانه و اطاعت از دستورهای او و بیزاری از بت ها دعوت می کردند، عموماً، با انکار و مخالفت مردم مواجه می شدند. خداوند می فرماید:

(ثُمَّ أَرْسَلْنا رُسُلَنا تَتْراكُلَّ ما جاءَ أُمَّةً رَسُولُها كَذَّبُوهُ...)(1); سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم. هر زمان، رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند....

فرمانروایان و ثروت مندان جامعه که سرمست عیش و به مال و مکنت یا علم و دانش خود مغرور بودند، سرسختانه، کمر مبارزه با پیامبران را می بستند و بسیاری از دیگر قشرهای جامعه را به دنبال خود می کشاندند و از پیروی راه حق باز می داشتند. خداوند از آنان نقل می کند که روز قیامت می گویند:

(وَ قالُوا رَبَّنا إِنّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ كُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلاَ)(2); و می گویند: پروردگارا! ما، از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم پس ما را گمراه ساختند.

در این میان، تنها، گروهی اندک که غالباً از محرومان جامعه بودند، به انبیای الهی ایمان می آوردند و کم تر اتفاق می افتاد که جامعه ای بر پایه عقاید صحیح و موازین عدل و قسط و مطیع فرمان خدا و پیامبران، تشکیل گردد. البته، بخش هایی از تعالیم انبیا، تدریجاً، در فرهنگ جوامع، نفوذ می کرد و مورد اقتباس قرار می گرفت.(3)

هدف اوّل بعثت انبیا، ایجاد شرایط رشد و تکامل انسان و کمک به رشد عقلانی و تربیّت روحی و معنوی افراد مستعد بوده است. همه ی انبیای الهی، درصدد تشکیل جامعه ی ایده آل براساس خداپرستی و گسترش عدل در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حدّ توان، قدمی در این راه

برداشته اند و بعضی توانستند در محدوده ی جغرافیایی و زمانی خاص، حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ کدام از ایشان، شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم نشد.

1- . مومنون: 44.
2- . احزاب: 67.
3- . محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص 379.

فراهم نشدن چنین شرایطی، به معنای نارسایی تعالیم الهی نیست; زیرا هدف الهی، فراهم شدن زمینه و شرایط برای حرکت اختیاری انسان و انتخاب اختیاری حق یا باطل از سوی انسان است، نه الزام و اجبار مردم به پذیرفتن دین حق و پیروی از رهبران الهی، آن هم به شیوه ی جبر که هر گونه اختیار را از انسان می گیرد.

به همین دلیل، حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) و امامان بعد از آن حضرت که وظیفه ی تاباندن شعاع عدالت بر همه ی جهان و دعوت مردم به اسلام را داشتند، به خاطر فراهم نبودن شرایط و اوضاع روحی و فکری مردم، نتوانستند حکومت عدل فراگیر را در تمام گیتی ایجاد کنند.

براساس روایات و احادیث اسلامی، شرایط پذیرش حکومت عدل جهانی و تحوّل فکری مردم که بستگی به تکامل عقول، صنایع، اخلاق، معنویت، شکوفایی علم و دانش دارد، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می شود.

در این قسمت، برای تبیین بیش تر بحث، برخی از روایات را که به بازگویی اوضاع و احوال مردم و جوامع انسانی در عصر ظهور امام مهدی (عج) می پردازند، ذکر می کنیم:

الف) امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

إذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به;(1) هنگام ظهور امام زمان (عج) خداوند دست رحمت خود را بر سر تمام بندگانش قرار می دهد و از این طریق، عقل های مردم متمرکز می شود و تکامل پیدا می کند.

یعنی، «امام زمان چون دستورهای اسلامی را به طور کامل اجرا می کند، باعث رشد فکری مردم می شود و هدف پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) - که به کمال رساندن اخلاق مردم بود - تحقّق می یابد».(2)

مرحوم کلینی در کتاب کافی همین حدیث را نقل کرده، ولی در آنجا به جای کلمه ی «اخلاقهم» کلمه ی «احلامهم» آورده، یعنی عقل های آنها کامل می شود. بدیهی است هر دو معنا می تواند مورد نظر باشد و هیچ تعارضی با همدیگر ندارند.(3)

ب) تحقّق انقلاب جهانی، وسائل و ابزارهایی لازم دارد که بدون تکامل صنایع، امکان پذیر نیست. احادیث، نوید می دهد که در عصر ظهور امام(علیه السلام)صنایع به حدّی تکامل پیدا می کند که جهان، حکم یک شهر را پیدا می کند و افرادی که در خاور زندگی می کنند، کسانی را که در باختر زندگی می کنند، می بینند و سخنان آنان را می شنوند.

امام صادق(علیه السلام) در این مورد می فرماید:

1- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 328 و 336.
2- . نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، ص 207.
3- . شیخ کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 25.

إنَّ المؤمِن فی زمن القائم و هو بالمشرق لیری أخاه بالمغرب و کذا الذی فی المغرب یری أخاه الذی بالمشرق;(1) در زمان قائم (عج) فرد با ایمان که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می کند، می بیند.

در حدیث دیگر، مطلب به طور روشن تر بیان شده است:

إنّ قائمنا اذا قام مدّ الله لشیعتنا فی أسماعهم و ابصارهم حتّی لایکونَ بینهم و بین القائم بریدٌ، یکلّمهم فیسمعون و ینظرون إلیه و هو فی مکانه; (2) آن گاه که قائم ما قیام می کند، خداوند، به دیدگان و گوش های پیروان ما، قدرت می بخشد تا آن جا که میان آنان و رهبرشان، فاصله ای باقی نمی ماند. او، با آنان سخن می گوید و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند، در حالی که او در جای خود قرار دارد.

شاید وجود رسانه های ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، اینترنت، ماهواره، ... که باعث شده اند تا عصر حاضر را عصر رسانه ها و ارتباطات جمعی بنامند، در فهم این حدیث و دیگر احادیث مربوط به این موضوع، ما را یاری کند و ما بتوانیم همین ها را یکی از شرایط ظهور امام مهدی (عج) به شمار آوریم.

ج) انسان ها، در صورت تجربه کردن حکومت های مختلف و روش های گوناگون اجتماعی به نکات ضعف و قوت هر حکومت و نظام سیاسی و اجتماعی پی می برند. برای همین، خداوند، این فرصت را به آنان می دهد تا با انتخاب و اختیار خود، نظام های سیاسی و اجتماعی مختلف را بیازمایند تا با شناخت کامل از ضعف و نارسایی آن نظام ها، حجت الهی بر آنان تمام شود و آمادگی لازم را برای پذیرش نظام سیاسی و اجتماعی الهی که امام زمان (عج) آن را برپا خواهد کرد، داشته باشند.

امام باقر(علیه السلام) در روایتی می فرماید:

دولتنا آخر الدُّول ولن یبقی أهل بیت لهم دوله إلاّ ملکوا قبلنا لئلاّ یقولوا إذا رأوا سیرتنا: «إذا ملکنا سرنا مثل سیرةَ هولاء.»: و هو قول الله عزّوجل: (و العاقبه للمتقین);(3) حکومت ما، آخرین حکومت است و هیچ خاندانی که قدرت حکومت دارند، نمی ماند، مگر این که قبل از ما به حکومت می رسند. این، از آن رو است که بعداً، هنگامی که روش و سیره ی ما را

دیدند، نگویند: «اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، مانند آنان رفتار می کردیم.» ! و این، قول خداوند است که می فرماید: (و العاقبه للمتقین).(4)

1- . بحارالأنوار، ج 52، ص 391.
2- . همان، ص 336.
3- . همان، ص 332.
4- . اعراف : 127; قصص: 83.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که خداوند، با آن که قادر مطلق است، حکیم نیز هست، به همین دلیل کارها را با اسبابش انجام می دهد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

أبی الله أن یجریَ الأشیاء إلاّ بالاسباب فَجَعل لکل سبب شرحاً و جعل لکلّ شرح علماً و جعل لکل علمِ باباً ناطقاً عرفه من عرفه و جهله من جهله. ذلک رسول الله(صلی الله علیه وآله)و نحن;(1) خداوند از این که کارها را بدون اسباب انجام دهد، ابا دارد; به همین خاطر برای هر سببی شرحی قرار داده و برای هر شرحی علمی قرار داده و برای هر علمی باب ناطقی قرار داده که هر کس بخواهد می شناسد و هر کس خود را به نادانی بزند، نمی شناسد و آن باب ناطق رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و ما هستیم.

نتیجه این که چون برپا شدن حکومت عدل و فراگیر گشتن حکومت الهی، مستلزم آمادگی انسان است، خداوند، فراهم شدن این بستر را به صورت طبیعی انجام می دهد و اگر یک باره بخواهد چنین شرایطی را آماده کند، مستلزم جبر و الزام انسان خواهد شد و مجبور کردن انسان، با عدل الهی سازگار نیست. و این آمادگی در زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم قبلی، تحقّق نیافت و طبق روایات، این شرایط تحول، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می شود و همه ی مردم، انقلاب بزرگ مهدی (عج) را می پذیرند و از حکومت عدلش بهره می گیرند.

ولادت

س: امام مهدی(عج) فرزند کیست؟

ج: امام مهدی(عج) دوازدهمین پیشوای معصوم ما، فرزند پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) است. امام رضا(علیه السلام)فرموده اند:

الخلف الصالح من ولد إبی محمد الحسن بن علی و هو صاحب الزمان و هو المهدی؛ (2) خلف صالح، از فرزندان ابومحمد حسن بن علی(علیه السلام)است. او، صاحب زمان و مهدی است.

از ابی غانم خادم نقل شده است که گفت:

ولد لابی محمد ولدٌ فسّماه محمّداً فعرضه علی أصحابه یوم الثالث و قال: «هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی علیکم و هو القائم الذی تمتّد إلیه الاعناق بالانتظار. فإذا امتلأت الارض جوراً و ظلماً،

1- . بحارالأنوار، ج 2، ص 90.
2- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 43، ح 31.

خرج، فملاها قسطاً وعدلا;(1) برای ابو محمد فرزندی به دنیا آمد که نامش را محمد گذاشت. او را روز سوم، به یاران خویش نشان داد و فرمود: «بعد از من، او، صاحب شما است. او، جانشین من است. او، همان قائم است که همه انتظارش را می کشند. پس هر گاه زمین پر از جور و ظلم شد، ظهور می کند و زمین را پر از قسط و عدل می کند.

س: امام مهدی (عج) در چه زمانی و در کجا به دنیا آمده است؟

ج: در مورد تاریخ تولّد امام مهدی (عج) چهار قول وجود دارد:

قول اوّل - این قول که معروف ترین و مستندترین قول است - تاریخ تولّد آن حضرت را نیمه ی شعبان سال 255 ه-. ق می داند. ثقه الإسلام کلینی می نویسد:

وُلد(علیه السلام) للنصف من شعبان سنهَ خمس و خمسین و مئتین; (2) امام مهدی(علیه السلام)در نیمه ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری متولد شده است.

علامه ی مجلسی در بحارالأنوار نیز همین تاریخ را ذکر می کند.(3)

از شهید اوّل (ره) نیز نقل شده است که:

ولد(علیه السلام) بسّر مَنْ رأی یومَ الجمعه لیلا خامس عشر شعبان سنه خمس و خمسین و مأتین; (4) امام مهدی(علیه السلام) در سامرا، جمعه شب، در پانزدهم شعبان 255 ه-. ق به دنیا آمد.

ابن خلکان، یکی از علمای اهل سنّت نیز همین تاریخ را تاریخ ولادت امام مهدی(علیه السلام)می داند.(5)

قول دوم; در برخی از مآخذ، تاریخ تولّد حضرت مهدی (عج) سال 256 هجری ضبط شده است. کتاب کمال الدین(6) شیخ صدوق و الغیبه(7) شیخ طوسی، از جمله ی این منابع است.

قول سوم; ابو جعفر محمّد بن جریر بن رستم طبری، تاریخ ولادت امام مهدی(علیه السلام) را سال 257 ه- ق دانسته است.(8)

1- . همان، ص 5.
2- . شیخ کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 449.
3- . بحارالأنوار، ج 51، ص 2.
4- . همان، ص 28.

5- . همان، ص 24.
6- . شیخ صدوق، کمال الدین، ص 432.
7- . شیخ طوسی، الغیبه، ص 139 و 147.
8- . محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص 271 - 272.

قول چهارم; برخی، مانند علی بن عیسی اربلی(1) و ابن اَبی الثلج بغدادی(2)، تاریخ ولادت امام مهدی (عج) را سال 258 ه- ق ذکر کرده اند.

همان گونه که از شهید اوّل نقل شد، مکان ولادت آن حضرت، شهر سامراء است(3) که در نزدیکی شهر بغداد قرار دارد. این شهر، بعد از شهادت امام رضا(علیه السلام) در دوره ی حکومت معتصم عباسی بنا گردید.

نام ها و القاب و معجزات

س: امام مهدی (عج) در احادیث، به چه القابی نامیده شده است؟

ج: در احادیث رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی معصومین(علیهم السلام) القاب متعددی برای امام مهدی (عج) ذکر شده است; در این میان، می توان به القابی مانند القائم، المنتظر، المهدی، الحجه، المنصور، الخلف الصالح، صاحب الزمان، بقیه الله، ... اشاره کرد.

در برخی از روایات، ضمن ذکر برخی از القاب، به وجه تسمیه ی آن ها نیز اشاره شده است:

1. از امام جواد(علیه السلام) پرسیده شد که چرا به امام مهدی (عج) «منتظر» گفته می شود؟ امام(علیه السلام)فرمود:

لأنّ له غیبه تکثر أیّامها و یطول أمدها، فینتظر خروجه المخلصون و ینکره المرتابون...;(4) چون برای مهدی(علیه السلام) غیبتی است که روزهای آن بسیار و مدّت آن، طولانی است. مخلصان، منتظر ظهور او می مانند و اهل ریب او را انکار می کنند.

2. ابو سعید خراسانی می گوید:

به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: «آیا مهدی و قائم یکی هستند؟» فرمود: «آری». گفتم: «به چه علت او را مهدی می نامند؟». فرمود: چون به هر امر مخفی هدایت می کند. و قائم نامیده می شود، چون بعد از آن که از یادها رفت که او به کار عظیمی قیام می کند. و قیام خواهد کرد.(5)

س: چرا حضرت مهدی (عج) را در دعای ندبه، «ابن طه» می نامند؟

ص: 26

1- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغّمه، ج 3، ص 227.
2- . ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الائمه، ص 15.
3- . بحارالأنوار، ج 51، ص 28.
4- . همان، ص 30.
5- . همان.

ج: در دعای ندبه به آن حضرت «یا ابن طه و المحکمات» خطاب می کنیم.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

و امّا طه فاسمٌ من اسماء النبی(صلی الله علیه وآله)و معناه: یا طالب الحق الهادی إلیه؛(1) و امّا طه، پس اسمی است از اسم های پیامبر(صلی الله علیه وآله) و معنی آن، این است: ای طالب حق که راهنمای به آن هستی.

مرحوم فیض کاشانی، در تفسیر آیه ی (هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ)،(2) نقل می کند که امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «انّ المحکمات أمیرالمؤمنین و الائمه(علیهم السلام)؛(3) محکمات، امیرمومنان و ائمه(علیهم السلام) هستند.». البته، منظور، مصداقی از مصادیق آیات محکمات است. به همین دلیل، در دعای ندبه، به حضرت مهدی(علیه السلام) «یا ابن طه و المحکمات» خطاب می شود.

در نهایت، باید توجّه داشت که هر یک از کلماتی که در دعای ندبه مطرح شده است، یقیناً، ارتباطی با مقام امام زمان(علیه السلام) داشته و ریشه در عقاید و معارف اسلامی دارد.

س: علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) چیست؟

ج: روایاتی که درباره ی امام مهدی (عج) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی طاهر(علیهم السلام) نقل شده است، به دو دسته ی کلّی قابل تقسیم است:

1. دسته ی نخست، روایاتی هستند که از طریق اهل سنّت و یا از طریق اصحاب ائمه(علیهم السلام) نقل شده اند.

این روایات، دو گونه اند:

الف) بعضی از این روایات، با کنایه، به اسم خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مانند روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)نقل می کند که آن حضرت فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی» (4)؛ مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه اش، کُنیه ی من است...».

ب) برخی دیگر از روایات نیز به صورت صریح، به نام خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مفضل بن عمر از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که فرمود:«الإمام من بعدی ابنی موسی و الخلف المأمون المنتظر م ح م د بن الحسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی (5)؛ امام بعد از من، پسرم موسی

1- . فیضی کاشانی، تفسیر صافی، ج 2، ص 59.
2- . آل عمران: 7.
3- . تفسیر صافی، ج 1، ص 247.
4- . بحارالأنوار، ج 51، ص 71.
5- . همان، ج 48، ص 15.

است و جانشینی که مورد امید و انتظار است، م ح م د بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است».

2. دسته ی دوم، روایاتی هستند که نه تنها نام خاص امام مهدی (عج) را به صورت صریح ذکر نکرده اند، بلکه از ذکر نام خاص آن حضرت، به شدّت نهی کرده اند:

عن موسی به جعفر(علیه السلام) أنّه قال عند ذکر القائم(علیه السلام): «یخفی علی الناس وِلادته ولایحل لهم تسمیتهُ حتّی یظهره الله عزّوجل فیملاَ به الارض قسطاً وعدلا کما ملئت جوراً و ظلماً؛(1) ولادت او، از مردم پوشیده خواهد بود و بر آنان جایز نیست که نام او را ذکر کنند تا این که خداوند او را ظاهر کند و زمین را پر از قسط و عدل کند، آن گونه که پر از جور و ظلم شده بود».

هم چنین در یکی از توقیع های امام زمان (عج) آمده است: «هر کس در بین مردم، اسم خاص مرا ذکر کند، بر او لعنت خدا باد».(2)

در برخی از این احادیث، علت این نهی نیز ذکر شده است:

1. نام امام مهدی (عج) ودیعه ای الهی است و پیامبر(صلی الله علیه وآله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند.(3)

2. شما را از تصریح به اسم آن حضرت نهی کرده ایم تا اسمش بر دشمنان ما مخفی بماند و آنان او را نشناسند.(4)

علمای شیعه نیز با توجّه به احادیث نهی، از ذکر اسم خاص آن حضرت، پرهیز کرده اند، ولی در مورد زمان و مدّت این نهی، اختلاف دارند و به دو گروه تقسیم می شوند:

بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه ی مجلسی، و... فتوا به منع ذکر نام امام مهدی (عج) تا زمان ظهور آن حضرت داده اند و از تخصیص این احادیث به دوره ی غیبت صغرا، پرهیز کرده اند. علامه ی مجلسی در بحارالأنوار بعد از ذکر برخی از احادیث نهی، می نویسد: «این احادیث، تصریح دارد در ردّ سخن کسانی که نهی از ذکر نام خاص را مختص زمان غیبت صغرا می دانند».(5)

عدّه ای دیگر از علما، از احادیث نهی، چنین استنباط کرده اند که علّت این نهی، تقیه و خوف از دشمن بود. پس اگر تقیه یا خوف نباشد، ذکر نام خاصّ امام مهدی (عج) هیچ منعی ندارد. مؤلف کشف الغّمه می نویسد:

1- . همان، ج 51، ص 32.
2- . همان، ص 33.
3- . همان.
4- . شیخ حرّ عاملی، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 285.
5- . بحارالأنوار، ج 5، ص 32.

عجیب است که شیخ طبرسی و شیخ مفید می گویند: «ذکر اسم و کنیه آن حضرت (عج) جایز نیست» و بعد می گویند: «اسمش، اسم پیامبر(صلی الله علیه وآله) و کنیه اش، کنیه ی پیامبر(صلی الله علیه وآله) است» و گمان می کنند که اسم و کنیه ی آن حضرت را ذکر نکرده اند! آن چه به نظر می آید، این است که منع، به خاطر تقیه و در زمان خوف بر آن حضرت و... بود و الان، چنین نیست...(1)

با توجّه به مطالب یاد شده و در جمع بندی آنها می توان گفت:

اوّلا، در همه ی احادیث، تقیه و ترس از دشمن، علّت نهی از ذکر نبوده و حضرت علی(علیه السلام)اسم خاص امام مهدی(علیه السلام) را ودیعه ای الهی می دانند و می فرمایند: «پیامبر(صلی الله علیه وآله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند».

ثانیاً، حمل تمام احادیث منع بر زمان تقیّه و ترس از دشمن، با توجه به تعداد زیاد آن احادیث، و نیز تصریح امام کاظم(علیه السلام) به عدم ذکر نام خاص امام مهدی (عج) تا زمان ظهور، کمی مشکل می نماید. اگر این احادیث، حرمت ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) را تا زمان ظهور ثابت نکنند، حدّاقل، کراهت شدید آن را اثبات می کنند.

مرحوم آیه الله محسن امین، در جمع میان اخبار نهی و تسمیه می نویسد: تصریح به اسم خاص، مطلقاً مکروه است، ولی ذکر نام خاص آن حضرت، صراحتاً یا با کنایه، در زمان خوف، حرام است.(2)

بنابراین، شایسته است که با توجّه به تصریح احادیث نهی، ما نیز از ذکر اسم خاص امام زمان (عج) پرهیز کنیم و از القاب آن حضرت، برای ذکر یاد و نام وی استفاده کنیم.

س: آیا امام مهدی (عج) معجزه ای دارد؟

ج: قبل از پاسخ به این سؤال، لازم است که اشاره ای هر چند مختصر، به معنا و تعریف معجزه داشته باشیم.

محقّق خویی، در تعریف معجزه می نویسد:

معجزه، در اصطلاح، این است که مدعی منصبی از مناصب الهی، برای اثبات صحت ادعایش، کاری را انجام دهد که خارق قوانین طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عاجزند.(3)

چون خداوند، بعد از خاتم انبیا حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) امامان معصوم(علیهم السلام)را مجریان شریعت و جانشینان طریقت آن حضرت و حجّت خویش در روی زمین قرار داده تا راه هدایت را بر

1- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 326.
2- . شیخ حرّ عاملی، المجالس السنیه، ج 5، ص 678.
3- . آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ص 3، (به نقل از: إیضاح المراد فی شرح کشف المراد، ربانّی گلپایگانی، ص 345).

مردم هموار کنند و از آن جا که همواره در طول تاریخ، مدعیان دروغین نبوّت و امامت، واقعیّت را بر مردم مشتبه می کردند و مردم را به گمراهی و ضلالت می کشاندند، لازم است که راهی برای شناخت امام و حجّت، قرار داده شود. این راه و علامت، همان است که در اصطلاح متکلمان، «معجزه» و در اصطلاح قرآن، «بیّنه» و «آیه» نامیده می شود. خداوند می فرماید:

(لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ...)؛(1) ما، رسولان خود را با دلائل روشن (معجزه) فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) درباره ی علت اعطای معجزه از سوی خداوند، سوال شد. حضرت، در جواب فرمودند:

معجزه، علامتی است از طرف خداوند که آن را فقط به انبیا و رسل و امامان اعطا می کند تا صدق آنان از دورغ دروغگو شناخته شود.(2)

حال، با توجّه به این که جمیع مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا عقیده دارند - چنان که تفتازانی می گوید: «جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند(3)» - پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم(علیهم السلام) - و از جمله امام زمان (عج) - که حجت های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. با مراجعه به کتاب های تاریخی و روایی و ورق زدن صفحات آن، مشاهده می کنیم که معجزات و کرامات فراوانی از سوی آنان به وقوع پیوسته است.

بعد از این مقدمه باید گفت، معجزات آن حضرت، دو دسته است:

الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولّد و کودکی و غیبت،انجام داده اند.

1. تولّد بدون ظاهر شدن آثار حمل

از امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل شده که به حکیمه (دختر امام جواد(علیه السلام)) فرمود: «امشب، به خانه ی ما بیا; زیرا، امر مهمّی رخ خواهد داد». حکیمه پرسید: «چه اتفاقی؟». امام(علیه السلام)فرمود: «قائم آل محمد امشب به دنیا خواهد آمد». حکیمه پرسید: «از چه کسی؟». امام(علیه السلام)فرمود: «از نرجس».

حکیمه می گوید: «به نزد نرجس رفتم و به او، فرزند بزرگواری را بشارت دادم، در حالی که هیچ اثر حملی در او مشاهده نکردم».(4)

1- . الحدید: 25.
2- . بحارالأنوار، ج 11، ص 71.
3- . الإلهیات من شرح المواقف، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، ص 132.
4- . سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج 8، ص 10 و 26.

چنین معجزه ای، در مورد حضرت موسی(علیه السلام) هم بیان شده است. در مادر او، یوکابد، هیچ آثار حملی ظاهر نبود(1) و تا روزی که موسی(علیه السلام) به دنیا آمد، کسی نفهمید که او حامله است.

2. قرآن خواندن در بدو تولّد

هنگامی که امام مهدی (عج) از مادر متولّد شد، ایشان را به امام حسن عسکری(علیه السلام) دادند. آن حضرت، وی را در آغوش گرفت و فرمود: «قرآن بخوان». امام مهدی (عج) شروع به قرآن خواندن کرد.(2)

3. شفای مریض لاعلاج

محمّد بن یوسف نقل می کند، به مرضی دچار شدم که پزشکان از علاج آن ناامید شدند. نامه ای به حضرت امام مهدی (عج) نوشتم و از آن حضرت، طلب شفا کردم. ایشان در جواب نوشتند: «ألبسک الله العافیه; خداوند، بر تو لباس عافیّت بپوشاند.». مدّتی نگذشت که شفا پیدا کردم و وقتی پزشکان از این ماجرا مطلع شدند، گفتند: «این شفا و عافیت، به یقین، از جانب خداوند بوده است». (3)

4. طلا شدن سنگریزه

یکی از اهالی مدائن می گوید: به همراه رفیقم، به حج می رفتیم. در نزدیکی موقف، فقیری به سوی ما آمد. ما به او جواب ردّ دادیم. سپس به سوی جوانی خوش سیما که ردایی پوشیده بود رفت. او، سنگی از روی زمین برداشت و به فقیر داد. شخص فقیر، مدّت زیادی در حق او دعا می کرد. در این هنگام، آن جوان غائب شد. ما به نزد مرد فقیر رفتیم و گفتیم: «وای بر تو! آیا برای گرفتن یک سنگ، این قدر دعا می کنی؟» که ناگهان در دست او سنگی از طلا دیدیم که در حدود بیست مثقال می شد. وقتی در مورد آن جوان از اهل مکّه و مدینه سوال کردیم، گفتند: «چنین شخصی از علویان است و هر سال با پای پیاده به حج می آید».(4)

5. خبر دادن از غیب

از پسر مهزیار نقل شده که در سفری با کشتی همراه پدرم بودم و مال زیادی به همراه او بود. پدرم، دچار بیماری سختی شد و گفت: «من، در حال مردن هستم.». و در مورد آن اموال، وصیت کرد که آن ها را به امام زمان (عج) بدهم. از این وصیّت تعجّب کردم، ولی مطمئن بودم که پدرم بیهوده سخن نمی گوید. با خود گفتم: «اگر امر برایم روشن شد، مانند دوران امام حسن عسکری(علیه السلام) به وصیّت عمل می کنم والاّ آن را صدقه می دهم».

ص: 31

1- . هاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ج 2، ص 46.
2- . سیدهاشم بحرانی، تبصره الولی، ج 18.
3- . بحارالأنوار، ج 51، ص 297; اصول کافی، ج 1، ص 519.
4- . اصول کافی، ج 1، ص 332; مدینه المعاجز، ج 8، ص 71.

مدّتی در عراق بودم تا این که فرستاده ای از جانب امام زمان (عج) آمد و مشخصّات مال و محلّ مخفی کردن آن را گفت و حتّی بعضی از مشخّصاتی را که خودم هم نمی دانستم، بیان کرد و من هم مال را به او دادم.(1)

ب) معجزاتی که امام مهدی (عج) به هنگام ظهور انجام خواهد داد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

هیچ معجزه ای از معجزات انبیا نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم (عج) برای اتمام حجّت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد.(2)

بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره ی غیبت و قبل از آن، ختم نمی شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرّفی حقانیّت خویش و اتمام حجّت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

ویژگی های امام مهدی (عج)

س: امام مهدی (عج) از لحاظ جسمانی چه ویژگی هایی دارد؟

ج: در بشارت هایی که از سوی انبیای گذشته و پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی معصوم(علیهم السلام)داده شده، اوصاف جسمانی متعدّدی برای امام مهدی (عج) ذکر شده که به بعضی از آن ها اشاره می شود.

1. در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند که می گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان (عرب)... مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار و...».(3)

2. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر بالای منبر فرمود: «مردی از دودمان من در آخرالزمان ظهور می کند که رنگش سفید مایل به سرخی، و شکمش عریض، ران هایش پهن، استخوان شانه هایش درشت است. در پشت وی، دو خال است: یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر(صلی الله علیه وآله)....».(4)

ص: 32

1- . شیخ طوسی، الغیبه، ص 282.
2- . لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ص 312.
3- . محمد صادقی، بشارات عهدین، ص 243 - 244.
4- . بحارالأنوار، ج 51، ص 35.

3. حذیفه از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) روایت کرده است که «مهدی (عج) مردی از فرزندان من است. چهره ی آن حضرت، مانند ماه درخشان است. رخسار او، گندم گون و جسم و قامت وی رشید است....». (1)

4. هیثم بن عبدالرحمان از علی(علیه السلام) روایت کرده است که «مهدی (عج) از اهل بیت نبی(صلی الله علیه وآله) است. او، برای مدّتی، به بیت المقدس هجرت می کند. محاسن او پر پشت، چشمانش سیاه، دندان هایش سفید و براق است، و در صورتش خال بزرگی نمایان است و در کتف او علامت پیامبر(صلی الله علیه وآله) است». (2)

5. امام باقر(علیه السلام) در ذکر شمائل امام مهدی (عج) بیان می دارد: «رنگ چهره اش به سرخی می گراید. چشمانش در چهره، فرو رفته، ابروانش برجسته و میان دو شانه اش پهن است...». (3)

از مجموع این احادیث و برخی دیگر از روایات، می توان برخی از خصوصیّات جسمانی آن حضرت را به هنگام ظهور، چنین بیان کرد:

1. همانند جوانی میان سال خواهد بود.

2. متوسط القامه و جسم و قامت وی رشید خواهد بود.

3. خوش صورت و خوش مو است.

4. محاسن وی پرپشت است.

5. رنگ چهره اش، سفید متمایل به سرخی است.

6. میانِ شانه هایش پهن است.

7. خالی شبیه خال پیامبر(صلی الله علیه وآله) دارد.

و... .

س: امام مهدی (عج) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی هایی دارد؟

ج: امام مهدی (عج) مانند سایر فرستادگان الهی و ائمه ی معصوم(علیهم السلام)همه ی ویژگی ها و خصوصیات عالی را دارا است، لکن از لحاظ رفتار اجتماعی، بعضی خصوصیات را دارد که خداوند متعال به آن حضرت عطا کرده است:

1. امام مهدی (عج) هیچ حکومتی را حتّی از روی تقیّه، به رسمیت نشناخته و نمی شناسد. او مأمور به تقیّه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد.

ص: 33

1- . شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص 188، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص 34).
2- . ملاحم ابن طاووس، ص 73، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص 34).
3- . ترجمه ی فارسی مهدویت، از کتاب اعیان الشیعه، ص 27، (به نقل از نرم افزار کتابخانه امام مهدی (عج)).

امام صادق(علیه السلام)می فرماید: «قائم(علیه السلام) قیام می کند، در حالی که بیعت هیچ کس را بر گردن ندارد». (1)

2. آن حضرت، در قضاوت، از علم الهی استفاده کرده و نیازی به بیّنه و شاهد ندارد و همانند حضرت داوود(علیه السلام) و سلیمان(علیه السلام) قضاوت خواهد کرد. امام باقر(علیه السلام) می فرماید: «سپس امام مهدی (عج) به منادی، امر خواهد کرد تا ندا دهد که این مهدی است و همانند قضاوت داوود(علیه السلام) و سلیمان(علیه السلام)قضاوت می کند و در این امر بیّنه ای نمی خواهد». (2)

3. هر چند برخی از پیامبران و امامان، تشکیل حکومت دادند، ولی حکومت آنان فراگیر نبود، بلکه محدود به مناطق خاص و قسمت هایی از سرزمین های عالم خاکی می شد، امّا امام مهدی حکومتی فراگیر تشکیل می دهد که تمام کره ی خاکی را در بر می گیرد. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)در این مورد می فرماید: «... حکومت امام مهدی(علیه السلام) غرب و شرق را فرا می گیرد». (3)

4. حکومت حضرت مهدی (عج) حکومت عدل و داد است و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. تقریباً، در اکثر احادیث مربوط به امام زمان(علیه السلام)آمده است که خداوند به وسیله ی آن حضرت، جهان را پر از عدل و قسط خواهد کرد. (4)

5. چون حکومت امام زمان، حکومت عدل است، همه از حکومت آن حضرت راضی خواهند بود. پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «در خلافت مهدی(علیه السلام)اهل زمین و اهل آسمان راضی خواهند بود». (5)

غیبت

غیبت صغرا و کبرا

س: غیبت صغرا و کبرا یعنی چه و فرق آن دو چیست؟

ص: 34

1- . بحارالأنوار، ج 51، ص 39.
2- . مستدرک الوسائل، ج 17، ص 365.
3- . بحارالأنوار، ج 51، ص 71.
4- . همان، ص 73.
5- . همان، ص 80.

ج: کلمه ی «غیبت» مصدر است و اگر از فعل معلوم باشد، به معنای «پنهان شدن»، «دور شدن»، «ضد حضور» است و اگر از فعل متعدی باشد، به معنای «آشکار کردن عیب دیگری» خواهد بود. معنای اخیر، در علم اخلاق، کاربرد دارد. آن چه در این بحث مورد نظر است، معنای نخست، یعنی ضد حضور و پنهان شدن است. در اصطلاح شیعه ی امامیه، «غیبت»، بیش تر در مورد دوره ای به کار می رود که با وفات امام حسن عسکری و نهان شدن امام مهدی (عج) آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. به همین خاطر، علمای شیعه، تاریخ اسلام را از این دیدگاه، به دو عصر حضور و عصر غیبت تقسیم می کنند و خود عصر غیبت نیز به دو دوره ی غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم می شود.

چنان که از روایات بر می آید و عملا نیز واقع شده، امام مهدی (عج) دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است. غیبت کوتاه را غیبت صغرا، و غیبت طولانی را که بعد از غیبت صغرا آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد، غیبت کبرا گویند.

غیبت صغرا; این غیبت از سال دویست و شصت هجری (سال شهادت امام حسن(علیه السلام)) آغاز شد و تا سال سیصد و بیست و نه (سال وفات آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود شصت و نه سال طول کشید. در این مدت، گرچه امام (عج) از نظرها پنهان بود، لکن این غیبت، عام و فراگیر نبود، و کسانی بودند که با امام زمان (عج) در تماس باشند. اینان به «نایبان خاص» امام(علیه السلام) مشهور شده اند. مردم، در کارهای خود به این نوّاب مراجعه می کردند و نامه ها و نیازمندی ها را به واسطه ی این افراد خاص به محضر حضرت می فرستادند و پاسخ را دریافت می داشتند و احیاناً بعضی نیز با واسطه ی نواب خاص، به محضر امام(علیه السلام) شرفیات می شدند.

می توان دلایل عمده ی شکل گیری غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا را در دو مورد ذیل خلاصه کرد:

1. غیبت صغرا که همراه با ارتباط نایبان خاص و برخی از شیعیان با امام مهدی (عج) بود، موجب تثبیت مسئله ی ولادت و حیات حضرت مهدی شد و از بروز برخی از انحرافات و شبهات جلوگیری کرد.

2. غیبت صغرا، دوران آماده سازی شیعیان برای شروع غیبت کبرا بود و شیعیان، در این مدّت، خود را با دوره ی عدم حضور امام(علیه السلام)

هماهنگ کردند. اگر غیبت صغرا نبود و غیبت کبرا به یک باره اتّفاق می افتاد، موجب ایجاد مشکلات متعدّد و بروز انحراف برخی از افکار می شد.

غیبت کبرا; این غیبت از سال سیصد و بیست و نه (ه- ق) یعنی به هنگام پایان نیابت چهارمین نایب خاص، شروع شد و تا زمان ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. این، همان غیبتی است که آزمایش سخت بشری در آن نهفته است.(1)

1- . ر.ک: شیخ کلینی، الکافی، ج 1، ص 335 - 342.

پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی هدی(علیه السلام) در روایات متعدّدی از این دو غیبت خبر داده اند. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

قائم را دو غیبت خواهد بود: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در غیبت نخست، شیعیان خاص، جایش را می دانند، ولی در دومی، جز خواص دوستان دینی او، کسی از جایش اطلاع ندارد.(1)

با این توضیح، نتیجه گرفته می شود که غیبت صغرا یا همان غیبت کوتاه، مقدّمه ای برای غیبت کبرا و بزرگ بوده است. به طور خلاصه، تفاوت این دو غیبت، عبارت است از:

1. غیبت صغرا، محدود و کوتاه بود، در حالی که غیبت کبرا طولانی و مدّت آن نامعلوم است.

2. در غیبت صغرا، اشخاصی به عنوان نائب خاص، معرّفی و آنان واسطه ی مردم و امام به حساب می آمدند، در حالی که در غیبت کبرا نواب عام، با ملاک های مشخّص، وجود دارند و امکان تماس با آن حضرت کم تر و محدودتر از غیبت صغرا است.

س: وضعیت سیاسی - اجتماعی عصر غیبت امام مهدی (عج) چگونه بود؟

ج: برای شناخت هر چه بهتر تاریخ سیاسی عصر غیبت صغرا و دست یافتن به تحلیلی صحیح و جامع در مورد این دوره و پی بردن به علل و زمینه های غیبت امام دوازدهم (عج) و در نهایت، عمق موضع گیری های امام(علیه السلام)بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی و فکری آن زمان ضروری است.

تاریخ نگاران، عصر حکومت عباسیان را که بیش از پنج قرن (از 132 - 794 ه- ق) به طول انجامید، به چهار دوره تقسیم کرده اند. آن چه که در این قسمت مورد نظر ما است، بررسی دوره ی دوم حکومت عباسی یعنی از ابتدای خلافت متوکّل تا شروع غیبت صغرا (360 ه- ق) است.

الف) وضعیّت سیاسی;

بیش تر وزرا و امرای عبّاسیان، افرادی بی کفایت و ستمگر بودند و در تحقیر و ضرب و شتم و شکنجه ی مردم و از بین بردن حقوق آنان و چپاول اموالشان از هیچ کاری فروگذار نبودند. در زمان «واثق»، وزیرش «محمد بن عبدالملک الزیات» تنوری ساخته و در آن میخ هایی کار گذاشته بود و مردم را در آن شکنجه می داد و جالب این که خود او در همان تنور شکنجه و کشته شد.(2)

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 155.
2- . مسعودی، مروج الذهب، ج 4، ص 88، ابن اثیر; الکامل فی التاریخ، ج 7، ص 37; محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 11، ص 28 و 67.

متوکّل، یکی از خلفای عباسی، رسماً، اظهار انزجار از ذریّه ی علی(علیه السلام)و علویان می کرد. آل ابی طالب، در زمان او، مصائبی را متحمّل شدند که در عهد هیچ یک از خلفای ستمگر پیشین ندیده بودند!

وی، به حاکم خود در مصر، فرمان داد با علویان، بر اساس قواعد زیر برخورد کند:

یک. به هیچ یک از علویان ملکی داده نشود.

دو. به هیچ یک از علویان جواز داشتن بیش از یک برده داده نشود.

سه. اگر دعوایی ما بین یک علوی و غیر علوی صورت گرفت، قاضی نخست به سخن غیرعلوی گوش فرا دهد و پس از آن بدون گفت گو با علوی، آن را بپذیرد.(1)

متوکّل، زیارت قبر امام حسین(علیه السلام) را ممنوع کرده بود. او قبر آن حضرت را به آب بست، لیکن آب به گرد قبر حلقه زد و آن جا را فرا نگرفت. از آن پس، آن جا «حائر» نامیده شد(2). او، هر کس را که منسوب به علی(علیه السلام) یا از دوستداران آن حضرت بود، نابود می کرد و اموالش را مصادره می کرد.(3)

دیگر خلفای عباسی نیز علاوه بر ظلم های فراوان به علویان و شیعیان، اقدام به ریختن خون ائمه(علیهم السلام) می کردند. با درک چنین شرایط و اوضاعی، ضرورت غیبت امام زمان (عج) ملموس تر می شود.

ب) وضعیّت اجتماعی;

در این دوره، به علّت بی کفایتی خلفا و غرق بودن آنان در عیاشی و زن بارگی و شب نشینی های آنچنانی و ولخرجی های بی حد و حصر، رفاه زدگی و دنیازدگی، جامعه، عملا، به دو قشر و دو قطب بزرگ غنی و فقیر، تقسیم شده بود و شکاف و فاصله ی طبقاتی میان خلفا و کارگزاران آنان با توده ی مردم، به اوج خود رسیده بود.

همان گونه که می دانیم، هدف پیامبران و ائمه(علیهم السلام) از حضور در جامعه، هدایت آن جامعه به سوی حق و کمال است و این امر، زمانی تحقّق می یابد که بستر مناسبی فراهم گردد، لکن همان گونه که ذکر شد، در دوره ی دوم حکومت عبّاسیان، دنیازدگی و رفاه طلبی، سراسر جامعه را فرا گرفته بود و ثروت مندان بی توجّه به دیگر اقشار، در رفاه غوطهور شده بودند و اقشار پایین دست نیز خود را در بی خیالی و بی تحرّکی فرو برده بودند و نه تنها فرصتی برای عرضه ی اوامر الهی پیش نمی آمد بلکه فشارهای فوق العاده ای از سوی خلفای عباسی بر امامان و یاران ایشان وارد می شد. این وضع،می رساند که بستر مناسب برای بهره گیری از هدایت امامان، به اندازه ی لازم و حدّاقل هم وجود

1- . علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص 415.
2- . باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن عسکری(علیه السلام)، ص 245.
3- . ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص 224.

نداشت. به همین دلیل، حکمت الهی، اقتضا می کرد که امام مهدی (عج) غیبت کند تا زمانی که آمادگی لازم و بستر مناسب برای هدایت در جامعه ی انسانی به وجود آید.

ج) وضعیت فکری;

آن چه به لحاظ وضعیّت فکری در این دوره در خور توجّه و تأمّل است، تغییر خط مشی فکری خلافت عباسی بود; زیرا، خلفای قبل از متوکّل، همگی، طرفدار مکتب اعتزال بودند و این مکتب، مکتب رسمی خلافت به حساب می آمد، امّا با روی کار آمدن متوکّل، مذهب رسمی خلافت، به مذهب اهل حدیث تغییر یافت و سرکوبی معتزله و شیعیان و حمایت جدّی از اهل حدیث - که غالب اهل سنّت را در بر می گرفت - آغاز شد. متوکّل، با این چرخش فکری، برای رسیدن به اهداف خود و نابودی هر چه بیش تر معتزله و شیعه، روش های خاصّی را اتخاذ کرد. نخست، تفتیش عقاید از مخالفان را آغاز کرد و دوم این که «ابن الزیاتِ» وزیر و همکارانش را از مشاغل حکومتی بر کنار کرد و به جای او «جُرائی» و «ابن خاقان» را که گرایش های افراطی ضد شیعی داشتند، منصوب کرد.(1)

س: وجود امام غائب چه فایده ای دارد؟

ج: متکلّمان امامیّه، در اثبات ضرورت وجود امام در هر زمان ،به ادله ی عقلی و نقلی استناد می کنند که یکی از آنها «قاعده ی لطف» است. بر اساس دلائل عقلی، وجود امام، زمینه را برای اطاعت انسان ها مهّیا کرده و آنان را از گناه دور می سازد. بنابراین، وجود امام، لطف است و چون لطف بر خداوند واجب است، باید در هر زمان، امامی برای هدایت انسان ها وجود داشته باشد.(2)

طبق این توضیح، وجود امام در هر عصر و زمانی، لازم و ضروری می شود، امّا نحوه ی حضور امام(علیه السلام) بستگی تام به اوضاع و احوال جامعه ی انسانی دارد; زیرا، اگر شرایط لازم برای حضور امام مهیّا باشد، امام در میان جامعه، حضوری آشکار خواهد داشت، ولی اگر چنین شرایطی آماده نبود، امام(علیه السلام) مستور خواهد شد.

حضرت علی(علیه السلام) درباره ی ضرورت وجود امام در میان انسان ها و چگونگی این حضور، می فرماید:

هرگز، روی زمین، از قیام کننده ای با حجت و دلیل، خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه بیم ناک و پنهان.]این چنین است[تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید.(3)

1- . ر.ک: تاریخ سیاسی، غیبت امام دوازدهم، ص 82. مسعود پورسید آقایی و دیگران، درسنامه ی تاریخ عصر غیبت.
2- . علامه ی حلی، کشف المراد، ص 181.
3- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 18، ص 347، حکمت 143.

بنابراین، نقش امام، حفظ دین و احکام الهی است و این نقش، از سوی امام در هر زمانی ایفا می شود، حال، امام حاضر باشد یا غائب.

هم چنین از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده است که درباره ی فوائد وجود ائمه(علیهم السلام) فرمود:

در پرتو وجود ما است که خداوند، آسمان را از فروپاشی، زمین را از لرزش و سلب آرامش ساکنانش، نگه می دارد; به واسطه ی ما است که خداوند باران نازل می کند و رحمت خود را می گستراند و برکات و نعمت های زمین را بیرون می آورد. و اگر از ما، کسی در زمین نباشد، زمین، اهل خود را فرو می برد.(1)

طبق این حدیث، امامان، علاوه بر نقش تشریعی، نقش تکوینی دارند و در صورت غیبت، هر چند نقش تشریعی آنان در پس پرده می ماند، امّا آنان به نقش تکوینی خود عمل می کنند و وجودشان باعث استمرار حیات و زندگی و اتمام حجّت الهی بر روی زمین می شود. امام صادق(علیه السلام) در بیان ضرورت وجود امام بر روی زمین، می فرماید:

اگر زمین، بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می برد.(2)

بنابراین، نقش تکوینی امام، منحصر در حضور نیست و در دوره ی غیبت نیز این تأثیر ادامه دارد و ساکنان زمین از وجود امام بهره مند می شوند.

با بررسی این احادیث، می توان نتیجه گرفت که وجود امام بر روی زمین، فوائد زیر را دارد و فرقی نمی کند که حضور امام به صورت آشکار باشد یا به صورت پنهانی و مستور:

1. وجود امام، موجب ارتباط میان خالق و مخلوق و زنده بودن حجّت ها و دلائل الهی در جامعه ی انسانی می شود.

2. وجود امام، امن و امان برای مردم است و خداوند، به خاطر آنان، زمین و آسمان را از فروپاشیدن باز می دارد.

3. وجود امام در زمین، موجب فرستاده شدن نعمت های الهی می شود.

4. وجود امام، موجب امیدواری مؤمنان برای تحقّق عدل الهی بر جوامع انسانی می شود.

5. وجود امام در حیات انسان، دو نقش تشریعی و تکوینی دارد. در زمان غیبت، نقش تشریعی او در پس پرده، مستور می ماند، امّا نقش تکوینی او، موجب استمرار و ادامه ی حیات می شود.

چگونگی ارتباط مردم با امام مهدی (عج)

1- . شیخ صدوق، امالی، ص 112، مجلس 35.
2- . شیخ صدوق، کمال الدین، ج 1، ص 201 و 210.

ج: بعد از تولّد حضرت مهدی (عج) و قبل از وفات امام حسن عسکری(علیه السلام)برخی از اصحاب و شیعیان خاص، هنگام تشرّف به خدمت امام حسن عسکری(علیه السلام) به ملاقات امام مهدی (عج) رسیده اند. در این میان، ملاقات سعد بن عبدالله اشعری با حضرت مهدی(علیه السلام)و سؤالات وی از آن حضرت در حضور امام حسن عسکری(علیه السلام) معروف است.(1)

دومین ملاقات، مربوط به دیدار چهل نفر از اصحاب امام حسن عسکری(علیه السلام) با امام مهدی (عج) است که تفصیل آن را حسن بن ایوب بن نوح چنین بیان می دارد:

ما برای پرسش درباره ی امام بعدی، به حضور امام حسن عسکری(علیه السلام)رسیدیم. در مجلس آن حضرت، چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عَمری، - که بعدها از نایبان خاص امام زمان(علیه السلام) شد - به پاخاست و عرض کرد: «می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره ی آن، از من داناتری.». امام(علیه السلام) فرمود: «بنشین.». عثمان با ناراحتی خواست از مجلس خارج شود. حضرت(علیه السلام)فرمود: «هیچ کس از مجلس بیرون نرود.». کسی بیرون نرفت و مدّتی گذشت. در این هنگام، امام(علیه السلام) عثمان را صدا کرد. او به پاخاست. حضرت فرمود: «می خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده اید؟». همه گفتند: «بفرمایید.». فرمود: «برای این به این جا آمده اید که از حجّت و امام پس از من بپرسید.».

گفتند: «بلی». در این هنگام، پسری نورانی، مانند پاره ی ماه که شبیه ترین مردم به امام حسن عسکری(علیه السلام) بود، وارد مجلس شد. حضرت، با اشاره، به او فرمود: «این، امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت، هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد....».(2)

«نسیم»، خادم امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل می کند که یک شب بعد از تولّد صاحب الأمر(علیه السلام) نزد ایشان رفتم. ناگهان، نزد ایشان عطسه کردم. حضرت فرمود: «یرحمک الله.». نسیم می گوید: «من، خوش حال شدم.». حضرت (عج) فرمود: «آیا از فوائد عطسه، به تو خبر بدهم؟». گفتم: «آری.». فرمود: «عطسه، سه روز، امان از مرگ است.». (3)

بعد از شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام) و آغاز غیبت صغرا نیز این دیدارها ادامه داشت و علاوه بر نایبان خاصّ آن حضرت که دائماً با ایشان ارتباط داشتند و به ملاقات آن حضرت می رسیدند، عدّه ی کثیری غیر از نایبان خاصّ نیز به دیدار آن حضرت رسیده اند. این ملاقات ها، تا آغاز غیبت کبرا ادامه داشته است.

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 78 - 89.
2- . همان، ج 51، ص 346.
3- . همان، ج 52، ص 30.

مرحوم علامه ی مجلسی در کتاب بحارالأنوار، جلد پنجاه و دوم، روایات مختلف و فراوانی را از کسانی که به حضور امام زمان (عج) رسیده و آن حضرت را ملاقات کرده اند، نقل کرده است. در این جا، به ذکر چند نمونه اکتفا می شود:

1. طریف می گوید: خدمت صاحب الزمان (عج) رسیدم... حضرت فرمود: «آیا مرا می شناسی؟». گفتم: «آری.». فرمود: «من کیستم؟». گفتم: «شما، مولای من و فرزند مولای من هستید.». فرمود: «این را از تو سوال نکردم.». گفتم: «فدایت شوم! خودتان توضیح دهید.». فرمود: «من، خاتم اوصیا هستم و به دست من خداوند، بلا را از اهل من و شیعه ی من دفع می کند.».(1)

2. حمیری می گوید: از محمّد بن عثمان عمری سوال کردم: «آیا صاحب الزمان را دیده ای؟». او گفت: «آری و آخرین دیدار من با ایشان، در بیت الله الحرام بود. آن حضرت فرمود: «اللهم! أنجزلی ما وَعَدْتَنی; خدایا! به جاآور آن چه را که به من وعده داده ای.».(2)

3. ابراهیم بن ادریس می گوید: «امام زمان(علیه السلام) را در حالی که بزرگ شده بود - یعنی بعد از وفات امام حسن عسکری - ملاقات کردم و دست و صورتش را بوسیدم.».(3)

س: آیا دیدار آن حضرت (عج) بعد از آغاز غیبت کبرا امکان دارد؟

ج: برای روشن شدن این مطلب، خوب است اشاره ای به روایاتی که کیفیت غیبت را بیان داشته اند، داشته باشیم.

الف) روایاتی که غیبت را تنها مستور بودن معرفی می کنند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «در صاحب این امر، سنّت هایی از پیامبران(علیه السلام)است. سنّتی از موسی بن عمران، سنّتی از عیسی، سنّتی از یوسف، سنّتی از محمد(صلی الله علیه وآله). سنّتی که از موسی(علیه السلام)دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است. سنّتی که از عیسی(علیه السلام)دارد، آن است که درباره اش بگویند، آن چه را که درباره ی عیسی(علیه السلام) می گفتند. سنّتی که از یوسف دارد، مستور بودن است. خداوند، میان او و مردم، حجابی قرار می دهد، به طوری که او را می بینند، ولی نمی شناسند. سنّتی که از محمد(صلی الله علیه وآله) دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیر کننده به سیرت او است».[4]

1- . همان.
2- . همان.
3- . همان، ص 14.
4- . شیخ صدوق، کمال الدین، ج 2، ص 329، باب 33، ح 46.

با توجّه به این روایت و مانند آن، زندگی حضرت مهدی(علیه السلام) در دوران غیبت، به شکل طبیعی صورت می گیرد و حتّی مردم عادی نیز به دیدار او توفیق می یابند، امّا از شناخت او ناتوان اند.

با این تفسیر، غیبت آن بزرگوار، فقط به عنوان «حجاب معرفت» و «مانع شناخت»، مطرح می شود که آن هم بر دیده و دل مردم کشیده شده است، نه بر وجود شریف او و بدین ترتیب می توان گفت، هر گاه آن حجاب و مانع، از چشم و دیده ی مردم برداشته شود، او را خواهند دید و خواهند شناخت.

ب) روایاتی که حضور مستمر و مستور برای آن حضرت بیان کرده اند.

در بخش هایی از دعای ندبه می خوانیم: «بنفسی أنْتَ من مغیب لَم یَخلُ منّا بنفسی أنت من نازح ما نَزَح عنّا; به جانم سوگند که تو آن نهان شده ای که بیرون از جمع ما نیستی. به جانم سوگند که تو آن دور شده ای که از ما دوری نداری».(1)

دو تعبیر «نهان شده ای که همیشه با ما است» و «دور شده ای که به ما نزدیک است»، نوید بخش حضور مستمر امام زمان(علیه السلام) در جمع شیعیان و محبّان او است. مراد از این تعابیر، این است که هر چند آن حضرت، همیشه با ما است، ولی چون شناخته نمی شود، نهان شده و مستور به شمار می آید و یا این که هر چند آن حضرت دور شده از عموم مردم به حساب می آید، لکن به خاصّان و دوستداران خویش، نزدیک است.

ج) روایاتی که می گویند، آن حضرت، از دیدگان پنهان است نه از دل ها.

راوی می گوید: از امام کاظم(علیه السلام) درباره ی آیه ی (وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً)(2) پرسیدم. فرمود: «نعمت ظاهر و آشکار، امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان، امام غائب.». پرسیدم: «آیا از امامان ما، کسی غایب می شود؟». فرمود: «نعم. یغیب عن أبصار الناس شخصه و لایغیب عن قلوب المؤمنین ذکره; آری. چهره اش از دیدگان مردم پنهان می شود، لکن یادش از دل های مومنان غائب نمی شود».(3)

مردم، اگر چه از دیدن چهره ی پر فروغ امام خویش در دوران غیبت محروم می مانند، لکن می توانند یاد او را همیشه در دل داشته باشند.

توجّه به اختلاف دو تعبیر «أبصار الناس» و «قلوب المؤمنین» در کلام حضرت، نشان دهنده ی امتیاز مومنین و اختلاف تلقی آنان از غیبت، نسبت به سایر مردم است. آن چه برای مردم عادی مهم

1- .شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
2- . لقمان: 20; و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان، بر شما ارزانی داشته است.
3- . لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص 299، فصل 2، باب 22، ح 3.

است، دیدن با چشم سر است. اگر نبینند، باور نمی کنند. دلشان از امامی که نمی بینند، متأثر نمی شود و چون «دل» متأثر نشد، عمل شان رنگ تبعیت از امام نمی گیرد.

برای مؤمنان، آن چه اهمّیّت دارد، دیدن با چشم دل است و چون با چشم دل، امام معصوم خویش را می بینند، ایمان می آورند و رفتار و گفتارشان رنگ ولایت می گیرد و اگر چه او را با چشم سر نتوانند ببینند.

د) روایاتی که می گوید، یاران حقیقی آن حضرت، به مکان غیبت آگاهی دارند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

برای حضرت قائم(علیه السلام) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست جز شیعیان مخصوص، کسی از جای آن حضرت با خبر نیست و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص و موالیان حقیقی در دین، کسی به مکان او آگاه نیست.(1)

ه-) برخی از روایات می گویند، آن حضرت در بازارها راه می روند و حتّی پا روی فرش های مردم می گذارند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

برادران یوسف(علیه السلام)، همه، نوادگان و فرزندان پیامبر بودند، ولی اگر چه با یوسف تجارت و خرید و فروش کردند و مورد خطابش قرار دادند، امّا در عین برادری، او را نشناختند تا آن زمان که خودش گفت، من، یوسف هستم و این، برادر من است. پس این امّت چه گونه انکار می کند که خدای عزّوجلّ، با حجّت خویش (امام دوازدهم) در یک زمانی، همان کند که با یوسف کرد؟... چه گونه این امّت انکار می کند که خداوند عزّوجلّ، با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان در بازارهاشان راه برود بر فرش های شان قدم بگذارد، امّا او را نشناسند تا آن زمانی که خداوند به ظهور او اجازه فرماید.(2)

بنابر آن چه گفته شد، نه تنها حرف زدن با ایشان، بلکه دیدن ایشان، ممکن است و بهترین دلیل بر این مطلب، امکان وقوعی آن است. در بیش تر کتاب های مربوط به امام زمان (عج) باب مفصّلی به این موضوع، اختصاص داده شده است.(3)

1- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 53، ص 142 - 149.
2- . کافی، ج 2، ص 34، کتاب الحجه، ح 4.
3- . ر.ک: منتخب الأثر، فصل پنجم، باب دوم.

نیابت خاص

س: به چه کسانی نایبان خاص می گویند؟

ج: بعد از آغاز غیبت صغرا، امام مهدی (عج) افرادی امین و مورد اعتماد را با نام و نشانی خاص که بین شیعیان شناخته شده بودند، به عنوان نایب خویش در بین مردم، انتخاب کردند. این افراد، واسطه ی آن حضرت و شیعیان بودند و یکی بعد از دیگری، عهده دار منصب نیابت شدند.

عمده ترین وظایف این افراد عبارت بود از:

1. انتقال سؤال ها و مشکلات مردم به محضر امام زمان(علیه السلام) و رساندن جواب آن حضرت به مردم.

2. بر طرف کردن مشکلات علمی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان.(1)

3. سازمانْ دهی وکلا و اخذ و توزیع اموال متعلّق به امام(علیه السلام) در میان مردم.(2)

4. مبارزه با مدّعیان دروغین نیابت و وکالت امام مهدی (عج).(3)

5. مسئولیت های دیگری که از سوی امام زمان (عج) بر عهده ی آنان گذاشته می شد.

نایبان خاصّ امام زمان (عج) در زمان غیبت صغرا چهار نفر بودند: عثمان بن سعید; محمد بن عثمان; حسین بن روح; علی بن محمد سمری. هر یک از اینان در شهرهای مختلف، برای خود، نمایندگانی داشتند.(4)

1. عثمان بن سعید عمری

وی، نخستین نایب امام زمان (عج) است. ایشان، از یازده سالگی، متولّی خدمت به ائمه ی طاهرین(علیهم السلام) شد. وی، در ظاهر، روغن می فروخت، در حالی که در اصل، حقوق شرعی را که به دستش می رسید، در ظرف روغن می گذاشت و به خدمت امام هادی(علیه السلام) و بعد از ایشان به خدمت امام حسن عسکری(علیه السلام) می برد. به همین دلیل، معروف به سمّان (روغن فروش) شده بود.(5)

عثمان بن سعید، بعد از آغاز غیبت صغرا، از سوی امام مهدی (عج) به عنوان نایب و وکیل آن حضرت در میان مردم انتخاب شد تا این که در سال دویست و شصت و سه ه- ق(6) یا دویست و شصت و پنج ه- ق(7) وفات یافت.

1- . لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص 484 و 495.
2- . عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص 44.
3- . مهدی پیشوایی، سیره ی پیشوایان، ص 689.
4- . سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، ص 63.
5- . باقر شریف قریشی، حیاه الامام المهدی (عج)، ص 121; محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 344.
6- . عباس نجفی، سفیران امام زمان(علیه السلام)، ص 27 و 34.
7- . عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص 65.

2. محمّد بن عثمان بن سعید

وی، فرزند وکیل اوّل (عثمان بن سعید عمری) بود. حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) او و پدرش را توثیق کرده و به شیعیان خبر داد که او از وکلای فرزندم مهدی است.

چون هنگام وفات پدر محمد بن عثمان فرا رسید، توقیعی از جانب حضرت حجت (عج) بیرون آمد، مشتمل بر تعزیت نامه و این که بعد از وفات پدرش، او نایب از جانب ولی خدا است.(1) وی، بیش از چهل سال، مقام نیابت را داشت و در سال سیصد و چهار ه-. ق یا سیصد و پنج ه- ق وفات کرد.(2)

3. حسین بن روح نوبختی

شیخ ابوالقاسم حسین بن روح (متوفای هجدهم شعبان سیصد و بیست و شش ه- ق) بعد از ابوسهل اسماعیل بن عسلی، مشهورترین افراد خاندان نوبختی است. عمده اشتهار او، به واسطه ی مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه ی امامیه دارد. سومین نایب خاص حضرت حجت (عج) است. این بزرگوار، از سال سیصد و پنج ه- ق تا شعبان سیصد و بیست و شش ه- ق نیابت خاص داشته است. وی، حتّی در ایّام امامت امام یازدهم(علیه السلام)از صحابه ی خاص به شمار رفته است.(3)

4. علی بن محمّد سمری

علی بن محمّد سمری قائم مقام حسین بن روح شد. سه سال، امر نیابت با او بود. او، در نیمه ی شعبان سیصد و بیست و نه ه- ق به رحمت حق واصل شد. وفات او، آغاز غیبت کبرا بود. شیخ صدوق و شیخ طوسی روایت کرده اند از حسن بن احمد که گفت: در سالی که جناب سمری وفات کرد، ما، در بغداد بودیم. چند روز قبل از وفاتش، به خدمت او رفتیم. فرمانی از حضرت صاحب الامر (عج) بیرون آورد که مضمونش این است:

بسم الله الرحمان الرحیم. ای علی بن محمّد سمری! خدا عظیم گرداند اجر برادران تو را در مصیبت تو. تا شش روز دیگر از دنیا مفارقت خواهی کرد. پس کارهای خود را جمع کن و وصی و قائم مقام از برای خود قرار مده که غیبت تامه، واقع شده است.(4)

س: آیا درست است که محمّد بن عثمان بیش ترین مدّت نیابت را داشته است; مدّت نیابت سایر نوّاب چند سال بوده است؟

1- . عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص 74.
2- . سیره ی پیشوایان، ص 678 - 680.
3- . نواب اربعه، ص 121 - 122.
4- . همان، ص 134.

ج: از آن جا که مدّت سفارت محمّد بن عثمان به زمان وفات پدر بزرگوارش عثمان بن سعید، مربوط است، لازم است به اقوالی که در تاریخ وفات عثمان بن سعید، وارد شده است، اشاره کنیم:

1. بعضی، تاریخ وفات عثمان بن سعید را دو سال و نیم پس از آغاز غیبت صغرا می دانند، یعنی نیمه ی دوم سال دویست و شصت و سه ه- ق. اگر او در این سال وفات کرده باشد، دوران نیابت فرزندش محمّد بن عثمان، چهل و یک سال و نیم یا چهل و دو سال و نیم می شود.(1)

2. برخی، تاریخ وفات عثمان بن سعید را سال دویست و شصت و پنج (ه- ق) می دانند که اگر این تاریخ درست باشد، مدّت نیابت فرزندش محمّد بن عثمان، جمعاً چهل سال می شود.(2)

3. برخی دیگر، احتمال داده اند که وفات نخستین سفیر، بین سال های دویست و شصت ه- ق تا دویست و شصت و هفت ه- ق رخ داده است. اگر وفات او را سال دویست و شصت و هفت ه- ق بدانیم، مدّت نیابت وی، سی و هشت سال می شود.

4. برخی، تاریخ وفات نخستین سفیر امام را سال دویست و هشتاد ه- ق می دانند. بنابراین، دوران سفارت فرزندش محمّد بن عثمان، جمعاً بیست و پنج سال می شود.(3)

تحلیل اقوال

چنان که ملاحظه شد، تاریخ دقیق وفات نخستین سفیر امام(علیه السلام)مشخّص نیست، لذا مدّت سفارت دومین سفیر نیز دقیقاً مشخّص نیست. مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبه و علامه ی مجلسی در بحارالأنوار، گفته اند، ابو جعفر محمّد بن عثمان، در آخر جمادی الاؤلی سال سیصد و پنج ه- ق وفات یافت و حدود پنجاه سال، عهده دار منصب سفارت امام بود،(4) امّا این سخن نمی تواند دقیق و منطبق بر حقایق تاریخی باشد; زیرا، چنان که بیان شد، اکثر دانشمندان معتقدند، وفات نخستین سفیر، میان سال های دویست و شصت تا دویست و شصت و پنج ه- ق بوده است، در این صورت، مدت نیابت دومین سفیر، چهل تا چهل و پنج سال می شود. البته، این قول که وفات عثمان بن سعید در سال دویست و شصت و پنج ه- ق رخ داده، به واقعیّت نزدیک است.

بنابراین، دوران نیابت نایب نخست، حدوداً، پنج سال و مدّت نیابت دومین نائب امام(علیه السلام)حدوداً، چهل سال و دوران نیابت سومین نایب، بیست و یک سال و دوران نیابت چهارمین سفیر، سه سال بوده است.

1- . سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان(علیه السلام)، ص 62 - 63.
2- . عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص 65، داوود الهامی، آخرین امید، ص 81.
3- . مسعود پور سیدآقایی و دیگران، درسنامه ی تاریخ عصر غیبت، ص 164.
4- . شیخ طوسی، الغیبه، ص 216; محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 352.

س: چرا امام مهدی (عج) در زمان غیبت کبرا نایب خاص ندارد؟

ج: در پاسخ این سوال، باید گفت اوّلا، همان گونه که در صفحات قبلی گفته شد، غیبت صغرا مقدمه ای برای آغاز غیبت کبرا بود و در این دوره، نایبان خاص، وظیفه داشتند تا شیعیان را آماده ی غیبت امام(علیه السلام) کنند. در همین مدّت غیبت صغرا، شیعیان توانستند خود را برای ورود به مرحله ی جدید آماده کنند; بنابراین، هدف اصلی از تعیین نواب خاص، تحقق یافته بود و دیگر نیازی به تعیین نایب خاص نبود; چون، با آغاز غیبت کبرا - که هدف از آن، حفظ جان امام، آزمایش مردم، آماده سازی مردم جهان برای قیام امام (عج) در آخرالزمان و... بود - تعیین نایب خاص، با اهداف و فلسفه ی غیبت تعارض پیدا می کرد.

ثانیاً، در صورت استمرار تعیین نایب خاص، امکان داشت فرصت مناسبی ایجاد شود تا هر کس ادعای نیابت امام زمان (عج) را بکند و صادق و کاذب مشتبه شود و البته این هم امکان نداشت که خود حضرت هر بار ظاهر شود و اوّلا، معجزه ای بیاورد که خود امام است و ثانیاً، برای هر عصری، کسی را معرّفی کند.(1)

ثالثاً، شاید دلیل عدم تعیین نائب خاص، این بوده که اگر نائب خاص تعیین می شدند، دشمنان، آنان را آزاد نمی گذاشتند، بلکه آنان را شکنجه و زجر می دادند.

نایبان عام

س: به چه کسانی نایبان عام گویند؟

ج: دین اسلام، آخرین دین الهی است که توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان ها به سوی کمال و خوش بختی دنیوی و اُخروی، آورده شده است و باید همیشه کسی باشد که به تبلیغ و ترویج این دین و هدایت جامعه به سوی کمال، بپردازد. بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله)امامان معصوم(علیهم السلام) عهده دار این وظیفه بودند و به ترویج دین اسلام می پرداختند، لکن با آغاز غیبت کبرا و مستور شدن امام مهدی (عج) باید کسی عهده دار نقش هدایت جامعه می شد. ائمه ی معصوم(علیهم السلام) و بویژه امام مهدی (عج) قبل از آغاز غیبت کبرا شرایط و ضوابط کلّی را برای رهبر جامعه در دوره ی غیبت بیان داشتند تا بعد از آغاز غیبت کبرا، هر کس آن شرایط و ضوابط را کسب کرد، زعیم و مرجع شیعیان باشد. در اصطلاح، به این شخص، نایب عام گفته می شود.

ص: 47

1- . ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص 153.

شرایطی که از سوی ائمه(علیهم السلام) برای نایبان عام ذکر شده، عبارت است از این که آنان باید از راویان احادیث اهل بیت(علیهم السلام)، فقیه، با تقوا، مطیع اوامر الهی، حافظ دین، مخالف با هواهای نفسانی و... باشند.

این شرایط، در روایات مختلفی بیان شده است:

1. امام صادق(علیه السلام) به عمر بن حنظله می فرماید: «مَنْ کان منکم مِمَّن روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عَرَف أحکامنا فَارْضوا به حکماً; فأنّی قد جعلته علیکم حاکماً;(1) هر کس از شما، حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند، و احکام ما را شناخته باشد، او را به عنوان حاکم قبول کنید; زیرا من، او را حاکم بر شما قرار دادم.».

2. امام صادق(علیه السلام) در حدیث دیگری می فرماید: «... فأمّا مَنْ کان من الفقهاء صائناً لنَفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لأمر مولاه، فللعوام أن یقلدوه;(2) ... امّا هر کدام از فقها که نگهدار نفس خود و حافظ دینش باشد و با هواهای نفسانی مخالفت کرده، مطیع اوامر الهی باشد، عوام باید از او تقلید کنند...».

3. امام مهدی (عج) نیز در پاسخ به سؤالی که از آن حضرت در مورد تکلیف شیعه در دوران غیبت، شده بود، می فرماید: «امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی رواه حدیثنا; فأنّهم حجّتی علیکم و أنا حجه الله(3)...; امّا در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنان، حجّت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم...».

س: نایبان عام امام زمان (عج) در عصر غیبت چه وظیفه ای دارند؟

ج: برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا باید به این مقدمه اشاره شود که هر چند نبوّت با پیامبری رسول گرامی(صلی الله علیه وآله) خاتمه یافته، ولی ختم نبوت، ختم راهنمایی الهی (وحی) است و نه ختم رهبری الهی (یعنی امامت); چرا که امامت و نبوت، دو منصب و دوشأن هستند که احیاناً قابل تفکیک اند.(4) و چون اسلام آخرین و کامل ترین دین است، باید همیشه فردی برای هدایت و رهبری جامعه وجود داشته باشد. بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله)این منصب، از سوی خداوند، به امامان معصوم(علیهم السلام) واگذار شده است و چون آخرین امام (عج) مستور شده و غایب شده اند، برای اداره ی جامعه در دوره ی غیبت، نایبان عامی تعیین شده اند که عهده دار وظیفه ی رهبری جامعه در

1- . بحارالأنوار، ج 2، ص 20.
2- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 27، ص 131.
3- . بحارالأنوار، ج 27، ص 140.
4- . مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص 8.

این دوره هستند; البته، معلوم است که برخی از کمالات و مقامات ائمه ی معصوم(علیهم السلام)قائم به نفس قدسی آنان است، مانند ولایت تکوینی و علم غیب و... این نوع مقامات، نه نیابت بردار است و نه نیاز به این است که در زمان غیبت، در این مناصب هم نیابتی باشد، امّا مناصب دیگر، از قبیل فتوا و بیان احکام الهی و منصب قضا و فصل خصومت و زعامت و رهبری جامعه و اداره ی امور مملکت اسلامی، قطعاً، از وظایف نایب عام امام زمان(علیه السلام)به شمار می آید. بنابراین، می توان گفت، اساسی ترین و مهم ترین ویژگی نایبان عام، جانشینی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی اطهار(علیهم السلام) است، بدین معنا که چون نایب عام، قائم مقام امام است، پس خود به خود، همه ی رسالت ها و وظایف اجتماعی آنان به وی منتقل می شود. امام صادق(علیه السلام)در این مورد می فرماید: «علماء، وارثان انبیایند. این وراثت، برای درهم و دینار نیست، بلکه علم را به ارث گذاشته اند. پس کسی که از آن علم بگیرد، بهره ی فراوانی نصیبش خواهد شد».(1)

به صورت خلاصه می توان گفت، اهم وظایف نایبان عام، عبارت است از:

1. استخراج و استنباط احکام از منابع

در این مورد قرآن کریم می فرماید:

(وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّهً فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَه مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ)؛(2) شایسته نیست مومنین همگی کوچ کنند. پس چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید بترسند و خودداری کنند؟.

بنابراین، نایبان عام، باید تفقّه در دین داشته باشند و مسائل اعتقادی، اخلاقی، فقهی، مشکلات جاری مردم،... را با رجوع به قرآن و سنّت و ادله ی عقلی، استباط کنند و امّت اسلامی را از قوانین بشری بی نیاز کنند.

2. حافظ دین بودن

همان گونه که در صفحات قبلی گذشت، یکی از شرایط نایب عام، حافظ دین بودن است.

بنابراین، وی، باید دین را از تحریف منحرفان حفظ کند و با پاسخ دادن به شبهات، از نفوذ عقاید التقاطی و سست شدن احکام الهی، جلوگیری کند.

3. ولایت و رهبری

چون دین اسلام، دین جهانی است و احکام آن اعم از اقتصادی، سیاسی، قضایی، و... تا روز قیامت ادامه دارد و لازم الاجراء است. این دوام احکام، نظامی را می طلبد که تحقّق اهداف و احکام اسلامی را در زمان غیبت کبرا تضمین کند و مسلم است که تحقّق احکام اسلام جز از رهگذر حکومت اسلامی،

1- . شیخ کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 42.
2- . توبه: 122.

امکان پذیر نخواهد بود و حکومت اسلامی، در صورتی اسلامی خواهد بود که حاکم و رهبر آن حکومت، از میان فقهای شایسته و واجد شرایط تعیین گردد. امام حسین(علیه السلام) می فرماید: «مجاری الامور و الاحکام علی أیدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه؛ (1) جریان امور و احکام، باید به دست علمای دانا به خدا و امنای بر حلال و حرام خدا باشد».

در غیبت کبرا خداوند حکیم، امّت اسلامی را به حال خود رها نکرده و آنان را بدون تکلیف نگذاشته است. این نایبان عام هستند که وظیفه ی اداره و سرپرستی امّت اسلامی را بر عهده دارند و باید به این کار ادامه دهند تا آن را به صاحب الامر(علیه السلام) تحویل دهند.

وظیفه ی شیعه در دوره ی غیبت

س: وظایف مسلمانان در زمان غیبت امام عصر (عج) چیست؟

ج: همان طور که قبلا ذکر شد، دین اسلام، کامل ترین و آخرین دین الهی است که از سوی خداوند متعال و توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) برای هدایت انسان ها به سوی کمالات دنیوی و اخروی، ابلاغ شده است، ولی ختم نبوت، به معنای ختم رهبری و امامت نیست; زیرا، وجود تکلیف، مستلزم وجود حجّت الهی بر روی زمین است. به همین دلیل، بعد از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)امامان معصوم، عهده دار هدایت انسان ها هستند. امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)می فرماید: «هرگز، روی زمین، از قیام کننده ای با حجّت و دلیل، خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه بیمناک و پنهان.]چنین است[تا دلائل و اسناد روشن الهی، از بین نرود و به فراموشی نگراید.».(2)

طبق فرمایش حضرت علی(علیه السلام) حجّت الهی، همیشه روی زمین هست و با وجود امام و حجّت الهی و دین اسلام، باید به تکالیفی که از سوی دین ابلاغ شده، عمل شود. بنابراین، از این لحاظ، مردم دوره ی غیبت، از حیث مکلّف بودن به تکالیف اسلامی، با مردم دوره ی حضور امام، هیچ فرقی ندارند و باید به همه ی تکالیف اسلامی که اصطلاحاً، فروع دین نامیده می شوند، عمل کنند، لکن در دوره ی غیبت و مستور بودن امام(علیه السلام) برخی از تکالیف، به دلیل مستور بودن امام، اهمّیّت بیش تری می یابد، به گونه ای که برخی از مؤلّفان، تعداد این تکالیف را هشتاد مورد دانسته اند.(3) چون تبیین همه ی آن ها در این موجز نمی گنجد، به تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می شود:

1- . ابن شعبه حرانّی، تحف العقول عن آل الرسول، ص 328.
2- . شرح نهج البلاغه، ج 18، ص 347، حکمت 143.
3- . میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج 2، ص 104.

1. شناخت و معرفت حجّت خدا

مهمّ ترین وظیفه ای که هر شیعه بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس حجه الله و امام عصر (عج) است. پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «مَن مات و لم یعرف إمامَ زمانه مات میته جاهلیه(1)؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است». چون در عصر ما، امام(علیه السلام) غایب است، پس شناخت آن، همّت بیش تری را می طلبد و بدون تردید، مقصود از شناختی که پیامبر(صلی الله علیه وآله)تحصیل آن را برای هر کس واجب دانسته، شناخت سطحی نیست، بلکه ما باید امام عصر خود را آن چنان که هست، بشناسیم، به گونه ای که این شناخت، موجب در امان ماندن ما از شبهه های ملحدان و مایه ی نجاتمان از اعمال گمراه کننده ی مدّعیان دروغین و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد.

2. تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

وظیفه ی مهم دیگری که هر شیعه بر عهده دارد، تهذیب نفس و آراستن خود به اخلاق نیکو است. چنانچه امام صادق(علیه السلام) در روایتی می فرماید: «... قال: من سر ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق؛(2) هر کس دوست دارد از یاران امام مهدی (عج) باشد پس منتظر (ظهور آن حضرت) باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل کند...».

توصیه به پرهیزکاری در عصر غیبت، نه تنها در کلام معصومان قبل از امام زمان(علیه السلام)آمده، بلکه در توقیعات هم ذکر شده است. در یکی از این توقعیات، امام (عج) می فرماید: «پس تقوای الهی پیشه کنید و به امر ما تسلیم شوید و امر را به ما واگذارید که بازگشت به سوی ما است...». (3)

مسئله ی تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت از چنان اهمّیّتی برخوردار است که در توقیع شریفی که از ناحیه ی مقدسه امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردید، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.(4)

3. انتظار فرج

همان گونه که از امام صادق(علیه السلام) نقل شد، هر کس که دوست دارد از یاران امام باشد، باید منتظر باشد. بنابراین، یکی از وظایف مردم در دوره غیبت، انتظار فرج امام مهدی (عج) است. پیامبر(صلی الله علیه وآله)می فرماید:

ص: 51

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 8، ص 368 و ج 32، ص 333.
2- . بحارالانوار، ج 52، ص 140.
3- . مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج 1، ص 308.
4- . همان، ج 53، ص 177.

أفضل أعمال أُمتی انتظار الفرج من الله عزّوجل;(1) برترین اَعمال امّت من، انتظار فرج (حضرت مهدی) از نزد خداوند عزوجل است.

آن چه از احادیث مذکور استفاده می شود، این است که ما، در عین عمل به تکالیف دینی خود، همیشه باید منتظر ظهور امام زمان(علیه السلام) باشیم و از رحمت واسعه ی الهی ناامید و مأیوس نگردیم. همین انتظار، خود، وظیفه ای است مستقل که دوره ی غیبت را به دوره ی تلاش برای رسیدن به دوره ی حکومت سراسر عدل امام مهدی (عج) تبدیل می کند و ضعف و سستی و ناامیدی را از جامعه ی اسلامی دور می سازد.

س: انتظار یعنی چه؟

ج: انتظار، در لغت، به معنای «چشمْ داشت پیدا کردن»[(2)] و در اصطلاح، به معنای «چشم داشتن به ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت عدل الهی توسط آن حضرت» است. انتظار، به معنای آینده نگری و به معنای ناراضی بودن از وضع موجود و راضی شدن به آینده ی بهتر است; انتظار فرج، یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان(علیه السلام) و تشکیل دولت اسلامی و حکومت آخرین سفیر الهی; انتظار فرج، یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که تمام بدبختی ها، ناکامی ها، بیدادگری ها، ظلم ها از میان رفته و فقر و تنگدستی،... یک باره و برای همیشه، رخت برمی بندد و به وسیله ی آن حضرت (عج) حکومت عدل در سراسر گیتی برقرار می گردد. برای چنین روزی، باید انتظار کشید و امیدوار بود.

امید و آرزوی عدل فراگیر، در روایات اسلامی، عبادت، بلکه افضل عبادات، و نشانه ی شیعه در دوران غیبت شمرده شده است. امام سجاد(علیه السلام)می فرماید: «همانا، اهل زمان غیبت امام مهدی (عج) و معتقدان به امامت آن حضرت و کسانی که منتظر ظهور ایشان هستند، از اهل هر زمانی افضل هستند; زیرا خداوند متعال، از عقل و فهم و معرفت، آن چنان به آنان داده که به سبب آن، غائب بودن امام، همانند حاضر بودن امام است و خداوند، آنان را در آن زمان، به منزله ی کسانی قرار داده که در کنار رسول خدا(صلی الله علیه وآله)با شمشیر جهاد می کردند. آنان، مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا، در آشکار و نهان، هستند.» و نیز فرمود: «انتظار فرج، خودش، بزرگ ترین فرج هاست.».[(3)]

ص: 52

1- . همان، ج 52، ص 128.
2- . المنجد، (عربی به فارسی)، ترجمه ی محمد بندر ریگی، ج 2، ص 1958.
3- . همان، ج 51، ص 156.

بنابراین، انتظار فرج، چشمْ داشت به گشایش امور از سوی خداوند است. این چشمْ داشت، هر چند فرج است، لکن طبق روایات اهل بیت(علیهم السلام)فرج اصلی در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام)خواهد بود.

س: چه انتظاری صحیح و چه انتظاری غلط است؟

ج: انتظار فرج، دو گونه است:

1. انتظاری که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.

2. انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت بخش، فلج کننده است. انتظار این چنینی، همان دست بر روی دست گذاشتن، کار نکردن، قبول ظلم و تعدی است.

این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور مهدی موعود(عج) است. این دو نوع برداشت، به نوبه ی خود، از دو نوع بینش درباره ی تحوّلات و انقلاب های تاریخی ناشی می شود.

انتظار ویران گر

برداشت عدّه ای از مردم از مهدویت و انقلاب مهدی موعود (عج) این است که این انقلاب، صرفاً، ماهیّت انفجاری دارد و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم و تبعیض و اختناق و تباهی، ناشی می شود. به بیان دیگر، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح (خیر و نیکی) از بین برود و حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد و جز باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت، از آستین بیرون می آید.

طبق این تعریف، هر اصلاحی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) محکوم است; زیرا، هر اصلاحی، یک نقطه ی روشن است و تا وقتی که در صحنه ی اجتماع نقطه ی روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود، بلکه برعکس، هر گونه گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و پلیدی، به حکم این که مقدمه ی صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند، روا است; زیرا، هدف، وسیله را توجیه می کند، هر چند وسیله ای نامشروع باشد. پس بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه ی فحشا و فساد است! این جا است که گناه هم لذّت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدّس! این جا است که این شعر معنا پیدا می کند که:

در دل دوست، به هر حیله رهی باید کرد *** طاعت از دست نیاید، گنهی باید کرد

انتظار سازنده

ص: 53

آیات قرآن، در جهت عکس برداشت بالاست; زیرا از آیات استفاده می شود که ظهور مهدی (عج) حلقه ای است از حلقه های مبارزه ی اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود; چنان که خداوند می فرماید:

(... فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغالِبُونَ);(1) حزب و جمعیّت خداوند، پیروز است.

و درباره ی شکست و نابودی حزب شیطان می فرماید:

(... أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطانِ هُمُ الْخاسِرُونَ);(2) بدانید حزب شیطان زیانکاران اند.

سهیم بودن یک فرد در پیروزی حزب خداوند، موقوف به این است که آن فرد، عملا، در گروه حق و حزب خداوند باشد. خداوند می فرماید: (... فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللّهُ جَمِیعاً...);(3) در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هر جا باشید، خداوند، همه ی شما را حاضر می کند...».

وقتی از امام کاظم(علیه السلام) درباره ی این آیه سؤال می شود، آن حضرت می فرماید: «ذلک والله أنْ لوقد قام قائمنا یجمع الله إلیه شیعتنا من جمیع البلدان;(4) قسم به خدا! وقتی قائم ما(علیه السلام)قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از همه ی شهرها، دور او جمع می کند.».

پس، عمل به نیکی و خوبی و سبقت گرفتن، شرط شیعه بودن است و چنین شیعه ای می تواند جزء یاران امام مهدی (عج) باشد، نه آن که گناهکار است و برای هیچ کار نیکی تلاش نمی کند.

بنابراین، مهدی موعود، مظهر نویدی است که به اهل ایمان و صاحبان عمل صالح داده شده است و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان بر حزب شیطان می باشد.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) خطاب به اصحاب خود فرمود:

... شما، اصحاب من هستید، لکن برادران من، مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند، آنان، به نبوّت و دین من ایمان می آورند، با آن که مرا ندیده اند. هر یک از آنان، اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می

دارد، چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب با دست، پوست می کند یا آتش پردوام چوب تاغ را در دست نگاه می دارد. آن مؤمنان، مشعل های فروزان اند در تاریکی ها. خداوند، آنان را از آشوب های تیره و تار (آخرالزمان) نجات خواهد داد.(5)

طبق این حدیث، هر چند داشتن ایمان و عمل به احکام اسلام در دوره ی آخرالزمان، مشکل و سخت است، ولی تنها همین افراد هستند که به دلیل حفظ دین و ایمان خود و عمل به صالحات، برادران

1- . مائده: 56.
2- . مجادله: 19.
3- . بقره: 148.
4- . بحارالأنوار، ج 52، ص 291.
5- . محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص 278.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) هستند و به هنگام ظهور امام(علیه السلام) به یاری او خواهند شتافت، نه آنان که با ترویج گناه و اشاعه ی فساد، ناخواسته، به گروه شیطان پیوسته اند.

س: راه های دوستی با امام زمان (عج) کدام است؟

ج: در ابتدا، لازم است این موضوع را مطرح کنیم که خداوند، در قرآن مجید، محبّت و دوستی همه ی اهل بیت(علیهم السلام) و همین طور تنها ذخیره و یادگار آل عصمت و طهارت، حضرت مهدی (عج) را بر همگان واجب کرده است و دوستی آنان را اجر و مزد رسالت پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) قرار داده است. خداوند به پیامبر(صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید: (قُلْ لا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی)؛(1) بگو: «من، از شما، جز مودّت و محبّت خویشاوندانم، اجر و مزدی برای رسالت نمی خواهم».

با توجّه به این که مودّت و دوستی آنان، منفعتی برای ایشان نیست، بلکه نفع آن برای دوستداران است و بهره های بی پایانی را در دنیا و آخرت به همراه دارد، در این مورد نیز می فرماید: (قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْر فَهُوَ لَکُمْ)؛(2)بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام، برای خود شما است».

در حقیقت، این دوستی ها، موجب ارتباط روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می آورد و سلوک انسان را در جهت اراده ی حق، شکل می دهد، خداوند می فرماید: (قُلْ ما أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْر إِلاّ مَنْ شاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلاً)؛(3) بگو: «من، در برابر (آن رسالت)، هیچ گونه پاداشی از شما نمی خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند». با محبّت امام زمان (عج) است که زمینه های اطاعت از او فراهم می آید و با اطاعت از او است که راه کمال انسان هموار می شود.

با توجّه به این مطالب، معلوم می شود که دوستی و محبّت، اساس و پایه ی دین، بلکه مساوی دین است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «هل الدین إلاّ الحبّ؛(4) آیا دین، چیزی جز دوستی است؟».

امام زمان (عج) فرموده است: «هر یک از شما، باید به آن چه که او را به مقام محبّت و دوستی ما نزدیک می کند، عمل کند».(5) از این رو، اگر عبادتی یا عملی مستحبی یا دعا و زیارتی خاص، بتواند

1- . شوری: 23.
2- . سباء: 47.
3- . فرقان: 57.
4- . ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 168.
5- . ابومنصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 599.

مقدمه ای برای ایجاد محبّت بیش تر به امام زمان (عج) باشد، انجام دادن آن، وظیفه خواهد بود و به فرمان صریح آن بزرگوار، برعهده ی شیعیان قرار گرفته است.

بنابراین، اگر ما به تکالیف شرعی خود عمل کنیم و به وظایفی که از سوی ائمه(علیهم السلام) برای شیعیان در دوره ی ظهور توصیه شده، عمل کنیم، از دوستداران واقعی آن حضرت خواهیم بود.

هر چند در صفحات قبلی، به برخی از وظایف منتظران امام مهدی (عج) اشاره شد، ولی در این قسمت، برای شناخت هر چه بهتر راه های دوستی امام زمان(علیه السلام) فهرستوار، به برخی از آن وظایف اشاره می شود:

1. کسب معرفت و شناخت نسبت به امام زمان(علیه السلام).

2. مأیوس نشدن در دوره ی غیبت.

3. دعا کردن برای امام زمان(علیه السلام) بویژه دعا برای تعجیل فرج آن حضرت.

4. تلاش برای فراهم ساختن زمینه ی ظهور.

5. تهذیب نفس و تقوا پیشگی و پرهیز از گناه.

6. دعا برای سلامتی امام زمان(علیه السلام).

برخی دانشمندان اسلامی، نزدیک به هشتاد وظیفه برای منتظران ذکر کرده اند.(1)

س: اگر خداوند امام مهدی (عج) را حفظ می کند، چه نیازی به دعای ما برای سلامتی آن حضرت هست؟

ج: در دین اسلام، دعا کردن برای خود و دیگران، بسیار سفارش شده است. خداوند می فرماید: (وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَةَ اللّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمحْسِنِینَ)؛(2) او را با بیم و امید بخوانید; زیرا، رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است; هم چنین خداوند، وعده ی قبولی دعاها را داده است: (ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ)؛(3) بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

روایات متعددی وجود دارد که در آن ها پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه معصوم(علیهم السلام) مسلمانان را به دعا کردن، ترغیب و تشویق کرده اند. امام رضا(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل می کنند که آن حضرت فرمود: «الدعاء سلاح المؤمن و عمادالدین و نور السماوات و الأرض؛(4) دعا، سلاح مؤمن و عمود دین و نور آسمان ها و زمین است.».

1- . برای اطلاع بیش تر ر.ک: میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم.
2- . اعراف: 56.
3- . غافر: 60.
4- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 90، ص 288.

هم چنین حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «الدعا مفتاح الرحمه و مصباح الظلمه;(1) دعا، کلید رحمت و چراغ تاریکی است.».

دعا کردن، به دو گونه می تواند باشد:

الف) انسان فقط برای خود دعا کند.

ب) انسان برای دیگران دعا کند. این نوع دعا کردن، در اسلام، بسیار سفارش شده است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «هر کس، ابتدا، به چهل نفر از برادران (دینی) خود دعا کند، سپس برای خودش دعا کند، آن دعا، در مورد آن چهل نفر و خودش، مستجاب می شود.».(2)

بنابراین، اولا، دعا کردن برای دیگران، فضیلت بیش تری دارد و سود آن به خود ما برمی گردد. پس اگر برای سلامت امام زمان(علیه السلام) دعا کنیم، در حقیقت، آن دعا، در حق ما نیز قبول می شود. در حدیثی از امام کاظم(علیه السلام)نقل شده که آن حضرت می فرماید: «إنّ مَنْ دعا لأخیه بظهر الغیب نودی من العرش و لک مئه ألف ضعف;(3) هر کس در نهان، برادر (دینی) خود را دعا کند، از عرش ندا می آید که برای تو، صد هزار برابر باد.».

در روایات آمده است که اگر به برادر مومن خود دعا کنی، ملائکه ی آسمان، همان دعا را در حق خودت آمین می گویند.(4) بنابراین، دعا برای سلامت آن عبد صالح و انسان کامل، موجب می شود تا دعا کننده، مشمول دعای خیر فرشتگان گردد.

نیز اگر فردی متوجّه شود که دیگری برای او دعا کرده و از درگاه الهی رفع مشکلاتش را خواسته، او نیز در پاسخ چنین خواهد کرد. پس با دعا برای آن حضرت، می توان اطمینان یافت که مشمول دعای خیر ولی الله الاعظم (عج) خواهیم شد.

ثانیاً، در روایت، ترک کردن دعا به دلیل اتکا به قضا و قدر، مذموم شمرده شده است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «ادع الله عزّوجلّ و لاتقل إنَّ الأمر قد فُرغ منه; خداوند را بخوان و نگو که این کار مفروع عنه است.».(5)

زراره، در ذیل این حدیث می گوید: «منظور از این حدیث، این است که ایمان تو به قضا و قدر، مانع از دعا کردن نشود.».(6)

ص: 57

1- . همان، ص 300.
2- . همان، ص 383.
3- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 110.
4- . همان، ص 111.
5- . همان، ص 35.
6- . همان.

بنابراین، به دلیل این که خداوند، امام مهدی(علیه السلام) را حفظ می کند، نباید از دعا کردن برای سلامتی آن حضرت، دست برداریم، چون، این امر، تکلیف ما را ساقط نمی کند و ما، همیشه، مأمور به دعا کردن هستیم.

ثالثاً، یکی از راه های ابراز دوستی و ارادت نسبت به محبوب، دعا برای سلامتی او است. این ابراز دوستی، انسان را به محبوب نزدیک تر می گرداند تا جایی که برای رسیدن به او، سر از پا نمی شناسد. دعا برای وجود مقدّس حضرت حجّت(علیه السلام) نوعی اظهار مودّت و موجب افزایش محبّت و اشتیاق فرد نسبت به آن محبوب دل ها است که به تدریج، وی را به کانون حرارت آن خورشید عالم افروز و انوار روشنی بخش او نزدیک تر می گرداند.

س: شرط عالم گیر شدن ظلم و فساد به عنوان نشانه ای برای ظهور امام زمان (عج) با وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر چگونه سازگار است؟

ج: در پاسخ به این سؤال، باید گفت، هیچ تعارضی میان امر به معروف و شیوع ظلم در آخرالزمان وجود ندارد; زیرا:

اوّلا، همان گونه که در کتاب های کلامی و اعتقادی توضیح داده شده، دین اسلام، آخرین دین و برنامه برای هدایت انسان ها است که از سوی خداوند و توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) ابلاغ شده است و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود: «أیّها الناس حلالی حلال إلی یوم القیامه و حرامی حرام إلی یوم القیامه ألا و قد بیّنهما الله عزّوجل فی الکتاب و بیّنتهما لکم فی سنتی و سیرتی... (1)؛ ای مردم! آن چه حلال کرده ام، حلال است تا روز قیامت و آن چه حرام کرده ام، حرام است تا روز قیامت. این دو را خداوند در کتاب (قرآن) بیان داشته و من نیز برای شما در سنّت و سیره ی خودم تبیین کرده ام.».

طبق فرمایش پیامبر(صلی الله علیه وآله) احکام اسلامی تا روز قیامت به قوّت خود باقی است و غیبت امام(علیه السلام) موجب سقوط تکالیف شرعی نمی شود و همان گونه که می دانیم، امر به معرف و نهی از منکر نیز یکی از احکام مهم دین اسلام است که در قرآن و احادیث سفارش بسیار به آن شده است. خداوند می فرماید:

(وَ لْتَکُنْ مِنْکُمْ أمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ وَ یَأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛ (2) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان، همان رستگاران اند.

ص: 58

1- . همان، ج 27، ص 119.
2- . آل عمران: 104.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

ای مردم ! امر به معروف و نهی از منکر کنید. همانا، امر به معروف و نهی از منکر، اجل را نزدیک نمی کند و رزق را دور نمی سازد.(1)

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات دینی است که ما مکلّف به انجام دادن آن هستیم و از نظر عقلی، هیچ ملازمه ای میان فراگیر شدن فساد و ظلم در آخرالزمان و سقوط تکلیف وجود ندارد. در روایاتی که خبر از فراگیر شدن ظلم و جور در آخرالزمان داده اند، هیچ اشاره ای به سقوط تکلیف نشده و تک تک ما، مکلّف به اجرای احکام الهی هستیم، هر چند دیگران از این کار کوتاهی کنند.

ثانیاً، این که در احادیث گفته شده، امام مهدی(علیه السلام) به هنگام فراگیر شدن ظلم و جور، ظهور می کنند، به این معنا نیست که در آن زمان، هیچ شخص و گروه سالم و متّقی پیدا نخواهد شد، بلکه برعکس، در بسیاری از احادیث ذکر شده که به هنگام ظهور، شیعیانی راستین و متّقی خواهند بود که به یاری امام مهدی (عج) خواهند شتافت. امام کاظم(علیه السلام) می فرماید: «لو قد قام قائمنا یجمع الله إلیه

شیعتنا من جمیع البلدان;(2) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از تمام شهرها به دور آن حضرت جمع خواهد کرد.».

شکّی نیست که این روایات، حاکی از این است که شیعه، به هنگام طلوع دولت کریمه ی حضرت مهدی(علیه السلام) حضور دارد و نباید به خود سستی راه بدهد، بلکه باید به کمک آن حضرت بشتابد. حال، اگر ما شیعیان، دارای قدرتی متشکّل و نیرومند و با ساز و برگ باشیم و سپاه و ارتشی مجهّز و مؤمن و نیروهای مردمی وسیع و کارآمدی داشته باشیم و در هنگام ظهور، همه ی این امکانات را در اختیار حکومت حضرت مهدی (عج) قرار دهیم، قطعاً، بهتر به یاری آن حضرت شتافته ایم.

بنابراین، تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و تربیّت فرزندان و سایر افراد جامعه ی اسلامی منافاتی با ظهور آن حضرت نخواهد داشت.

س: در روایتی، گفته شده، هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) برافراشته شود، طاغوت است. آیا این روایت، با حقّانیّت انقلاب اسلامی،

سازگار است؟

ج: در مورد این که «آیا قیام و انقلاب قبل از قیام حضرت مهدی (عج) صحیح و مشروع است یا نه؟»، دو نظریه ی متفاوت وجود دارد. تعداد اندکی، هر قیام و نهضتی قبل از ظهور امام مهدی (عج) را جایز نمی دانند و عدّه فراوانی، قیام علیه ستمگران در عصر غیبت را نه تنها جایز، بلکه واجب، و سکوت و خانه نشینی را خیانت به اسلام و مسلمانان می دانند. به همین دلیل، بررسی دیدگاه دو طرف

1- . وسائل الشیعه، ج 16، ص 125.
2- . بحارالأنوار، ج 52، ص 219.

و ارزیابی دلائل آنان، امری ضروری به نظر می رسد; زیرا، هر دو گروه، سخن از اسلام می گویند و مدّعی هستند که نظر آنان موافق با شرع مقدس اسلام است.

دلایل مخالفان قیام

الف) دلایل مخالفان قیام از اهل سنّت

در بینش اهل سنّت، هر کسی که زمام امور مسلمانان را در دست گیرد و حاکم جامعه ی اسلامی شود، اطاعات او تا زمانی که اقامه ی نماز کند و کفرِ صریح نیاورد، بر همه واجب است، ولو ستمگر و معروف به خیانت، شرب خمر، فسق و فجور باشد. اینان، برای مدّعای خود، به روایاتی تمسّک می کنند که برخی از آن ها عبارت است از:

1. در صحیح مسلم، خبری از حذیفه یمانی نقل شده که می گوید: خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وآله)بودیم. سؤالاتی نسبت به آینده و پس از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) کردیم. حضرت فرمود: «حاکمانی بعد از من می آیند که نه به سنّت من عمل می کنند و نه به هدایت من هدایت یافته اند. صورت انسانی دارند، ولی قلب شان، قلب شیطان است».

حذیفه می گوید: من از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نسبت به چنین حاکمانی کسب تکلیف کردم که وظیفه ی ما، در برابر آنان چیست؟ آیا با آنان به جنگ برخاسته و آنان را از دم شمشیرمان بگذرانیم؟

حضرت در جواب فرمود: «شما، جز اطاعت، چاره ای دیگر ندارید و موظّف به اطاعت هستید. گرچه به پشت تان تازیانه بزنند و اموال شما را غارت کنند، تنها وظیفه ی شما، اطاعت است».

2. از احمد حنبل نقل شده که گفت: «... اگر کسی به زور و قهر و غلبه، بر جامعه ی اسلامی مسلّط شد، و زمام امور را در دست گرفت و خلیفه و امیرالمؤمنین شد، بر فرد فرد جامعه، اطاعت او لازم است و بر احدی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، روا نیست شبی را به صبح آورد و آن شخص حاکم را امام خود نداند، حال می خواهد آن حاکم، شخص نیک و خوب باشد و یا فاجر و بد. به هر حال او امیرالمؤمنین است».(1)

3. در واقعه ی حرّه، عمال یزید، جنایات را به حد أعلی رسانده بودند. عبدالله بن مطیع خواست علیه یزید قیام کند، لکن عبدالله بن عمر به عنوان نصیحت به عبدالله بن مطیع گفت: «از پیامبر(صلی الله علیه وآله) شنیدم که اگر کسی بیعت امام خود را بشکند (و علیه او قیام کند)، در قیامت، حجّتی نخواهد داشت و اگر در آن حال بمیرد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.».(2)

در بررسی این گونه روایات، می توان گفت مسئله ی اطاعت از حاکم، در صورتی که عادل باشد، امری عقلی و شرعی است و بعضی از این روایت ها، مانند روایت عبدالله بن عمر را می توان

1- . القاضی ابی یعلی، الاحکام السلطانیه، ص 20.
2- . صحیح مسلم، ج 6، ص 22.

صحیح دانست، لکن در مورد حاکم عادل و نه حاکمی مانند یزید بن معاویه; زیرا، ما، نه تنها اطاعت این گونه رهبران را واجب نمی دانیم، بلکه مخالفت و تبری از او را نیز واجب می شماریم و در مورد روایات فوق می گوییم:

اوّلا، کسی که به تاریخ حدیث آشنا باشد و از چگونگی برخورد خلفای سه گانه و حکّام بنی امیه با احادیث و راویان حدیث آگاه باشد، می داند که این روایات، جعلی و ساخته و پرداخته ی جاعلان حدیث در دستگاه های خلفای بنی امیّه است. این روایات، برای حفظ حکومت جبّاران و توجیه ستم آنان ساخته شده است. تاریخ اسلام، از این کذب ها، فراوان دیده است.(1)

ثانیاً، این حکم که اطاعت از حاکم ستمگر واجب است و در نتیجه، مخالفت و قیام علیه او ناروا است، برخلاف صریح قرآن است. خداوند می فرماید:

(یا أَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللّهَ وَ لا تُطِعِ الْکافِرِینَ وَ الْمُنافِقِینَ إِنَّ اللّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً)(2); ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

ثالثاً، روایات بسیاری از پیامبر(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت(علیهم السلام) به دست ما رسیده که به مبارزه و مقاومت در برابر این گونه از حکومت ها، فرمان می دهد.

1. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود: «پس از من، فرمانروایانی بر سر کار می آیند، هر کس در جرگه ی آنان وارد شود و دروغ آنان را تصدیق کند و بر ستم آنان کمک کند، از من نیست و من از او نیستم و هرگز در حوض (کوثر) بر من وارد نشود».(3)

2. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: «هر کس برای خدمت سلطانی، تازیانه ای به کمر بندد، آن تازیانه، در روز رستاخیز، به صورت اژدهایی ظاهر می شود که در آتش دوزخ بر او مسلط می گردد».(4)

3. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود: روز رستاخیز، منادی ندا می کند: «دستیاران کجایند؟ حتّی کسی که مَرکب ادوات آنان را فراهم ساخته یا سرکیسه ای را برای آنان بسته یا قلمی را تراشیده، او را با ستمگران محشور کنید.».(5)

بنابراین، احادیثی که از سوی اهل سنّت در مورد اطاعت از حاکم ظالم و ستمگر نقل شده و قیام علیه چنین حاکمی را حرام دانسته، علاوه بر این که از حیث علم حدیث، مردود است، از حیث مخالفت با قرآن مجید و روایات صحیح پیامبر(صلی الله علیه وآله) نیر مردود است.

1- . علامه امینی، الغدیر، ج 5، ص 275 و 334.
2- .احزاب: 1; و نیز می توان به آیات: 151 شعراء; 8 قلم، 28 کهف و 24 انسان استناد کرد.
3- . سنن نسائی، ج 7، ص 160.
4- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 136.
5- . همان، ص 131.

دلیل این گروه، روایاتی است که از ظاهر آن چنین استفاده می شود که هر قیامی قبل از حضرت مهدی (عج) باطل و محکوم به شکست است; زیرا، رهبران قیام، طاغوت و منحرف از طریق اسلام است:

عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله(علیه السلام): کل رایه ترفَع قَبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یعُبد من دون الله عزّوجل;(1) هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی(علیه السلام)برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است و اطاعت او، خروج از اطاعت خداست; زیرا، اطاعت افراد، از غیر طریق الهی است.

در بررسی این گونه روایات می توان گفت:

اوّلا، از دید ائمه ی معصوم(علیهم السلام) قیام علیه حاکمان وقت، دو گونه است:

1. قیامی که برای احیای حق ائمه ی معصوم(علیهم السلام) صورت می گیرد.

2. قیامی که برای رسیدن به اهداف دنیوی و شخصی صورت می گیرد.

برای توضیح بیش تر، به نقل حدیثی از امام رضا(علیه السلام)پرداخته می شود:

مؤلّف عیون اخبار رضا(علیه السلام) از محمّد بن یزید نحوی و او هم از ابن ابی عیدون و وی نیز از پدرش نقل می کند که هنگامی که زید بن موسی بن جعفر(علیه السلام) را نزد مأمون آوردند - البته بعد از آن که این شخص، پیش تر، در بصره قیام کرده و خانه های بنی عباس را به آتش کشیده بود - مأمون، جرم او را به علی بن موسی(علیه السلام) بخشید و به امام(علیه السلام) گفت: «پیش از آن که برادر تو قیام کند و آن چه را که کرد، انجام دهد، زید بن علی هم قیام کرد و کشته شد. اگر مقام و منزلت تو نبود، برادر تو را هم می کشتم، چرا که آن چه او انجام داده، کوچک نیست.».

امام رضا(علیه السلام) فرمود: برادرم زید را با زید بن علی مقایسه نکن; چرا که زید بن علی، از علمای آل محمد(صلی الله علیه وآله) بود و به خاطر خداوند غضب کرد و با دشمنان خدا جنگید تا این که در راه معبود

کشته شد. پدرم موسی بن جعفر(علیه السلام) به من می گفت که از پدرش جعفر بن محمد(علیه السلام)شنیده که آن حضرت می فرمود: «خداوند، عمویم زید را رحمت کند. او، مردم را به رضای آل محمد دعوت می کرد و اگر پیروز می شد، به آن چه که مردم را به سوی آن خوانده بود، وفا می کرد.».(2)

بنابراین، امام رضا(علیه السلام) میان قیام زید النار و قیام زید شهید، فرق می گذارند و قیام زید شهید را به دلیل آن که برای احیای حق ائمه ی معصوم(علیهم السلام) بود، تأیید می کنند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

1- . همان، ج 11، ص 37.
2- . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، ج 1، ص 248.

لا تقولوا خرج زید فإنّ زیداً کان عالماً و کان صدوقاً و لم یدعکم إلی نفسه إنّما دعا الی الرضا من آل محمد...; نگویید زید خروج کرده! چون، زید عالم و صادق بود و شما را به سوی خود فرا نمی خواند، بلکه شما را به سوی رضای آل محمد، دعوت می کرد... .(1)

بنابراین، قیامی باطل است که برای اهداف شخصی و غیر دینی باشد، امّا قیامی که برای ولایت و امامت اهل بیت(علیهم السلام) و برای ادامه ی راه آنان باشد، باطل نیست، بلکه عین حق و حقّانیّت است.

ثانیاً، روایاتی که قیام قبل از قیام مهدی (عج) را باطل می دانند با روایات دیگری که خبر از قیام های بعد داده و آن ها را تأیید می کنند، تعارض پیدا می کنند. امام موسی کاظم(علیه السلام) در روایتی می فرماید:

رجل من أهل قم یدعوا الناس إلی الحق یجتمع معه قوم کزبر الحدید لاتزلّهم الریاح العواصف و لایملّون من الحرب و لایجنبون و علی الله یتوکّلون و العاقبه للمتقین;(2) مردی از اهل قم، مردم را به حق فرا می خواند. مردمی دور او جمع می شوند که مانند پاره های آهن هستند که بادهای سهمگین آنان را نمی لرزاند و از جنگ نمی هراسند و خسته نمی شوند و بر خداوند توکّل می کنند. عاقبت، از آن کسانی است که اهل تقوا باشند.

بنابراین، اگر قیامی برای احیای حق و در راه خدا باشد، نه تنها باطل نیست، بلکه مورد تأیید ائمه(علیهم السلام) نیز هست. و روایاتی که مخالفان ذکر کرده اند، تنها قیام هایی را شامل می شود که برای منافع شخصی و غیر دینی صورت می گیرد.

ثالثاً، اگر روایاتی را که مخالفان ذکر کرده اند، تمام قیام ها، اعم از حق و غیر حق را، شامل شود، در آن صورت، با آیات و روایاتی که به وجوب امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده اند، تعارض پیدا می کند; زیرا، امر به معروف، مراتبی دارد که بالاترین مرتبه ی آن، قیام علیه ستمگران است.

پس معلوم می شود که منظور روایات مورد استدلال مخالفان، تمام قیام ها نیست، بلکه تنها قیام های غیر الهی را شامل می شود، قیام هایی که با ظاهری دینی و همراه با فریب مردم صورت می گیرد تا سردمداران آن قیام را به حکومت برساند و منافع دنیوی را نصیب آنان کند.

علائم و وقایع ظهور

س: شرایط ظهور امام مهدی (عج) با علائم ظهور آن حضرت، چه فرقی دارد؟

ص: 63

1- . کلینی، کافی، ج 4 ، ص 224.
2- . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 2، ص 442.

ج: به حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، از دو جهت می توان نگریست: از یک دید، این حوادث، نشانه های نزدیک شدن ظهور امام مهدی (عج) هستند و از نگاه دیگر، برخی از این حوادث، زمینه ساز ظهور امام (عج) است. بنابراین، در تعریف این دو اصطلاح، شاید بتوان گفت:

علائم ظهور، حوادثی است که بعد از شروع غیبت و قبل از آغاز ظهور، اتّفاق می افتد و وقوع آن ها در احادیث پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان ذکر شده است. ولو این که آن حوادث، رابطه ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) نداشته باشد.

شرایط ظهور، حوادثی است که نزدیک ظهور امام زمان (عج) واقع می شود و زمینه ی ظهور را آماده می سازد و رابطه ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) دارد. در احادیث، آمده که این حوادث، حتماً واقع خواهد شد.

بنابراین، از دید علم منطق، رابطه ی میان علائم ظهور و شرایط ظهور، عموم و خصوص مطلق است; زیرا، هر شرط ظهوری، علامت ظهور هست، ولی هر علامت ظهوری، شرط ظهور نیست.

بعد از ذکر تعاریف فوق، برای روشن شدن موضوع بحث، برای هر کدام از این موارد، مثالی از احادیث ائمه ی طاهر(علیهم السلام) ذکر می شود.

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «دو نشانه پیش از ظهور وجود دارد: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم ماه. این امر، از زمانی که آدم(علیه السلام)به زمین هبوط کرد اتّفاق نیفتاده است».(1)

ابوبصیر و محّمد بن مسلم از امام صادق(علیه السلام) نقل می کنند که فرمود: «این امر (ظهور قائم(علیه السلام)) اتفاق نمی افتد مگر این که دو سوم مردم از بین بروند». به آن حضرت گفتند: «اگر دو سوم مردم از بین بروند، چیزی باقی نمی ماند». فرمود: «آیا راضی نیستید که شما از یک سومی که باقی می مانند باشید».(2)

البته گاهی هم علائم ظهور و هم شرایط ظهور در یک حدیث و یک جا ذکر شده است و تفکیک این دو از هم مشکل می نماید.

از دید دیگر، می توان ادعا کرد که علائم ظهور، عبارت است از رویدادهای اجتماعی و تحوّلات سیاسی و طبیعی که در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام) واقع می شود و مردم در آن نقش بارز

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 207.
2- . همان.

ندارند و همه ی این وقایع، نشان از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت ساز دارد، و شرایط ظهور، عبارت است از مواردی که مردم باید برای تحقّق و تعجیل ظهور امام زمان (عج) انجام دهند و در آن موارد تلاش کنند.

در توقیع شریفی که از ناحیه ی مقدس امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردیده، اَعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.(1)

بنابراین، اگر شیعیان، در تهذیب نفس کوشش کرده و از گناهان دوری کنند، یکی از علل طولانی شدن غیبت را از بین برده به تعجیل ظهور کمک کرده اند.

نتیجه این که هر دو تعریف فوق که برای علائم و شرایط ظهور گفته شد، از یک لحاظ، صحیح و از لحاظ دیگر، نواقصی دارد و شاید بهترین تعریف، جمع بین این دو تعریف باشد.

س: امام زمان (عج) چه موقعی ظهور خواهند کرد و آیا آن حضرت از زمان ظهورش آگاهی دارد؟

ج: اکثر روایات اسلامی، چه از طریق شیعه و چه از طریق اهل سنّت که در مورد قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، به این نکته اذعان دارند که هیچ کس جز خداوند متعال، از زمان ظهور آن حضرت، آگاهی ندارد. با این حال، علائم و نشانه هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مهم ترین آن ها، فراگیر شدن ظلم و ستم، دوری مردم از دین، خروج سفیانی و... است.(2)

فضیل، از امام باقر(علیه السلام) پرسید: «آیا برای این امر وقتی تعیین می شود؟». امام سه بار فرمود: «کذب الوقاتون; تعیین کنندگان وقت، دروغگویند».(3)

مفضل بن عمر می گوید:

به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: «آیا برای مهدی منتظر(علیه السلام)وقتی تعیین شده که مردم آن را بدانند؟».

امام(علیه السلام) فرمود: «نه! هرگز! خداوند، اجازه نمی دهد که برای او وقت معیّنی باشد که شیعیان از آن آگاهی داشته باشند.». گفتم: «ای سرور و مولای من! چرا نمی توان از وقت آن مطلع شد؟».

فرمود: «زیرا، آن همان ساعت است که خداي تبارک و تعالی مي فرماید: (یَسْأَلُونَکَ عَنِ السّاعَهِ أَیّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلاّ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الاَرْضِ);(4)

ص: 65

1- . همان، ج 53، ص 177.
2- . ر.ک: محمد حسین موسوی کاشان، جهان در آینده، ص 24 - 25.
3- . شیخ طوسی، الغیبه، ص 261.
4- . اعراف: 187.

درباره ی قیامت از تو سؤال می کنند که کی فرا می رسد. بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او (نمی تواند وقت آن را آشکار سازد). در آسمان ها و زمین، سنگین (و بسیار پراهمّیّت) است... و نیز خداوند می فرماید: (یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لایُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِینَ یُمارُونَ فِی السّاعَهِ لَفِی ضَلال بَعِید)؛(1) کسانی که به روز رستاخیز ایمان ندارند، درباره ی آن شتاب می کنند، ولی آنان که ایمان آورده اند، پیوسته، از آن هراسانند و می دانند آن حق است. آگاه باشید! آنان که در روز رستاخیز تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

مفضل بن عمر می گوید: پرسیدم: «معنای مجادله در مورد ساعه چیست؟». امام فرمود: «کی متولّد شده؟ چه کسی او را دیده؟ او کجا است؟ کی ظاهر می شود؟ این پرسش ها و مجادله ها، از شتاب در امر خدا، تردید در حکم خدا، مداخله در قدرت خدا، سرچشمه می گیرد. چنین اشخاصی در دنیا، زیان کار هستند و گروه کافران در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند... .(2)

اسحاق بن یعقوب، نامه ای به توسط محمّد بن عثمان عمری خدمت امام زمان(علیه السلام) فرستاد و سؤالاتی کرد. امام، در فرازی از پاسخ در مورد وقت ظهور فرمود: «و أمّا ظهور الفرج فإنّه إلی الله تعالی ذکره و کذب الوقاتون؛ ظهور فرج، به فرمان خدای متعال وابسته است و تعیین کنندگان وقت، دروغ گویانند».(3)

بنابراین، علم به وقت ظهور امام زمان (عج) از اسرار خداوند است که آن را برای بندگان خویش بیان نکرده و پیشوایان معصوم(علیهم السلام) تعیین وقت برای ظهور امام مهدی (عج) را به هیچ وجه جایز نشمرده اند و آن را از اسرار الهی دانسته اند، ولی علاماتی را ذکر فرموده اند که چون آن علائم واقع شد، نزدیک بودن ظهور را نوید می دهد.

س: مردم چگونه از ظهور امام مهدی (عج) در اقصی نقاط عالم با خبر می شوند؟

ج: از سوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم(علیهم السلام) علامت ها و نشانه هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مردم با دیدن آن علائم و نشانه ها، از ظهور امام مهدی (عج) با خبر می شوند. این علائم، از یک حیث، دو گونه اند:

ص: 66

1- . شوری: 18.
2- . محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، ص 19; بحارالأنوار، ج 53، ص2.
3- . سید حسین حسینی، یاد محبوب، ص 78.

1. علائم خاص; این علامت ها، خاص و مختص وجود پر برکت حضرت صاحب الامر(علیه السلام)است و حضرت بدان وسیله می داند که خداوند او را اذن و اجازه ی ظهور داده است.

در روایتی طولانی، ابی بن کعب از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) درباره ی علامت های ظهور امام مهدی(علیه السلام) سؤال می کند. آن حضرت می فرماید:

او «امام مهدی (عج)» پرچمی دارد که چون وقت ظهورش فرا رسد، خود به خود باز می شود و خدای تعالی آن را به سخن می آورد و عرض می کند: «یا ولی الله فاقتل اعداء الله; ای ولیّ خدا! دشمنان خدا را بکش!». و این دو علامت است: اوّلی باز شدن پرچم، دومی، صدایی است که از پرچم بر می آید.

و نیز او شمشیری دارد که در غلاف است و چون هنگام ظهور حضرتش فرا رسد از غلاف بیرون می آید و خداوند آن را به سخن می آورد و صدا می زند: «اخرج یا ولیّ الله! فلایحل لک أنْ تقعَد فی أعداء الله; ای ولیّ خدا! قیام کن که دیگر جای درنگ نیست و نشستن برای تو روا نیست که از دشمنان خدا دست برداری». پس حضرت خروج می کند و قیام می کند و دشمنان خدا را هر کجا که بیابد به قتل می رساند... .(1)

2. علائم عام; علائم عام، علامت هایی هستند که جنبه ی عمومی دارد و برای مردم ظاهر خواهد شد و هر کس از عوام و خواص، در طول زندگی خود، برخی از آن ها را خواهد دید. این علامت ها بسیارند. در این جا به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می شود:

1. خروج سفیانی.

2. گرفتن خورشید در نیمه ی ماه مبارک رمضان.

3. گرفتن قرص ماه در آخر ماه مبارک برخلاف عادت.

4. فرو رفتن زمین «بیداء» که سرزمینی است میان مکه و مدینه.

5. فرو رفتن زمین یا جمعیتی در مشرق.

6. توقّف خورشید از آغاز ظهر تا وسطِ وقت عصر.

7. طلوع خورشید از مغرب.

8. کشته شدن نفس زکیه که سیّدی است هاشمی در پشت کوفه - یعنی: نجف - با هفتاد نفر از صالحان.

9. خراب شدن دیوار مسجد کوفه.

10. نمایان شدن پرچم های سیاه از طرف خراسان.

11. خروج یمانی از طرف یمن.

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 310 - 311.

12. فرود آمدن ترک ها در جزیره (شمال عراق کنونی).

13. ورود رومیان در رمله (منطقه ای در اردن کنونی).

14. پیدا شدن سرخی شدید در آسمان که در اطراف آن پراکنده شود.

15. پیدایش آتش در طول مشرق که تا سه روز یا هفت روز در هوا بماند.

16. عرب ها استقلال پیدا کنند و کشورگشایی کنند و از زیر بار و نفوذ دیگران بیرون روند.

17. اهل مصر، فرمانروای خود را بکشند.

18. شام خراب شود و سه پرچم در آن جا پدیدار گردد.

19. رودخانه ی فرات طغیان کند یا شکافته شود، به حدّی که آب در کوچه های کوفه داخل شود.

20. پلی در بغداد در کنار محله (کرخ) ساخته شود.

21. ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی، همه ی اهل عراق و مردم بغداد را فرا گیرد که قرار و آرام یا راه فرار نداشته باشند.

22. صدایی از آسمان بلند شود که همه ی مردم روی زمین آن را به زبان خود بشنوند.(1)

علامت ها و نشانه های دیگری نیز هست که در کتاب های مبسوط، مانند بحارالأنوار، (جلد پنجاه و دوم) ذکر شده است و ما، در این قسمت، به برخی از این احادیث که شامل چندین علامت است، اشاره می کنیم.

1. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «پنج اتّفاق قبل از ظهور قائم(علیه السلام) اتفاق می افتد: قیام یمانی; خروج سفیانی; منادی که از آسمان ندا می کند; فرو رفتن زمین در بیداء; کشته شدن نَفْسِ زکیه.».(2)

2. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است: «... در آخرالزمان، نشانه هایی هست. از آن جمله است: دابّه الارض; دجّال; نزول حضرت عیسی; طلوع خورشید از مغرب».(3)

3. در حدیثی طولانی، صعصعه بن صوحان از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)در مورد خروج دجّال که از علائم ظهور امام مهدی (عج) است، می پرسد. آن حضرت می فرماید: «... علامت خروج دجال، این است که نماز را سبک شمارند و امانت را ضایع کنند و دروغ را حلال بدانند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمان ها را بلند سازند و دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را به کار گیرند و با زنان مشورت کنند و قطع رحم کنند و از هواهای نفسانی تبعیت کنند و خون ریزی را سبک شمارند و حلم، ضعف شمرده شود و ظلم، فخر باشد و حاکمان، فاجر و وزیران، ظالم باشند و عارفان ضعیف و

1- . سید اسدالله شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی(علیه السلام)، ص 22 - 27; شیخ مفید، ارشاد، ص 356 - 358.
2- . بحارالأنوار، ج 52، ص 203.
3- . همان، ص 181.

قاریان، فاسق باشند و شهادت دروغ آشکار شود و فسق و فجور و بهتان و گناه و طغیان علنی شود و قرآن ها، تزیین شود و مساجد آراسته گردد و مناره ها مرتفع شود.... زنان با شوهران خود به خاطر حرص دنیوی، در تجارت شریک شوند و...».(1)

بنابراین، علامت ها و نشانه های فراوانی برای ظهور امام زمان(علیه السلام)وجود دارد که مردم با دیدن آن ها به ظهور امام زمان (عج) پی خواهند برد، لکن باید توجّه داشت که برخی از این علائم، نشانه ی نزدیکی ظهور است و برخی دیگر، نشانه ی وقوع ظهور. به عنوان مثال علامت هایی که حضرت علی(علیه السلام) در این حدیث بیان داشتند، نشانه های نزدیک شدن ظهور است، امّا خروج سفیانی، متّصل به ظهور امام زمان (عج) است و او با آن حضرت جنگ خواهد کرد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «... زمانی که سفیانی مالک مناطق پنج گانه ی شام: (دمشق، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین) شد، در آن زمان، متوقع فرج باشید...». (2)

س: آیا جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات و... زمینه های ظهور امام زمان (عج) را فراهم نمی کند؟

ج: برای «جهانی شدن»، تعریف های مختلفی ارائه شده است. برای پاسخ دادن به این سؤال باید این تعریف ها را بیان کنیم:

1. جهانی شدن، فرایند رو به گسترشی است که همه ی عرصه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در نَوَردیده و تمامی کشورهای جهان، به گونه ای، با آن درگیر هستند. معتقدان به جهانی شدن، به دهکده ی جهانی ایده آلی می اندیشند که در آن، وظیفه ی مرزها، تعیین قلمرو کشورها است و همه چیز در میان جوامع، در حال انتقال است. سرمایه، نیروی کار، مواد اوّلیّه، تفکر و اندیشه، فرهنگ و رسوم، تولید و مصرف، هر آن چه که قابلیّت انتقال دارد، به برکت رشد فن آوری و ارتباطات، در اختیار جوامع قرار می گیرد.(3)

2. جهانی شدن، در مفهوم عام آن، درهم ادغام شدن بازارهای جهان در تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جا به جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار و فرهنگ در چهارچوب سرمایه داری و آزادی بازار و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت های جهانی بازار است که منجر به شکافته شدن

1- . همان، ص 193.
2- . همان، ص206.
3- . رکیت گریفین، مروری بر جهانی شدن وگذار اقتصادی، ترجمه ی محمدرضا فرزین، ص 13.

مرزهای ملّی و کاسته شدن از حاکمیّت دولت می شود. عنصر اصلی و اساسی در این پدیده، شرکت های بزرگ چند ملّیّتی و فرا ملّیّتی است.(1)

3. جهانی شدن، از پیامدهای سر برآوردن دولت های نیرومند ملّی و عالی ترین مرحله ی روابط سلطه گری و سلطه پذیری امپریالیستی است. جهانی شدن، اوج پیروزی سرمایه داران جهانی در عالم است و از بطن دولت ملّی که همچنان به تولید خود، در درون و بیرون مرزهایش، یک سان ادامه می دهد، زاده شده است.(2)

4. جهانی شدن، رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی است. این رقابت، برای کشورهای غنی، درآمد بیش تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش تر می آورد.(3)

5. عصر جهانی شدن، عصر تحوّل عمیق سرمایه داری برای همه ی انسان ها است که در سایه ی چیرگی و رهبری کشورهای مرکز و نیز در سایه ی حاکمیّت نظام جهانی، مبادله ای نامتوازن و ناهمگون صورت می پذیرد.(4)

بعد از این مقدمه، باید گفت، اگر نظر به زمینه های مثبت ظهور حضرت مهدی (عج) - که استاد مطهری، به انتظار سازنده تعبیر نموده است(5) - ، باشد، یعنی مؤمنین تلاش کنند که همه چیز جهانی شود تا حضرت سریع تر ظهور کند. باید گفت در تعریف های پنج گانه، غیر از تعریف اوّل، چنین بار مثبتی مشاهده نمی شود و قابل توصیه به مؤمنان نیست; چون، به ضرر جامعه ی بشری است; زیرا، جهانی شدن، یعنی سر فرود آوردن در مقابل قدرت های مالی و سست شدن حاکمیّت ها و قرار گرفتن همه چیز در اختیار شرکت های چند ملّیّتی و فرا ملّیّتی (تعریف دوم) و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت های جهانی بازار، و سلطه گری و سلطه پذیری امپریالیستی و پیروزی سرمایه داران (تعریف سوم) که برای کشور غنی، درآمد بیش تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش تری می آورد (تعریف چهارم); چون، مبادله، یک مبادله ی نامتوازن و ناهمگون است (تعریف پنجم). این است که عدّه ای جهانی شدن را مساوی با آمریکایی شدن دانسته اند.(6)

بنابراین، طبق چهار تعریف اخیر، جهانی شدن، باری مثبت در زمینه ی ظهور امام زمان (عج) ندارد، امّا طبق تعریف نخست، هر چند بار منفی نمایانی در آن مشاهده نمی شود، لکن بار مثبت آن هم

1- . مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش 155 - 156، ص 152.
2- . همان، 152.
3- . همان، ص 152 - 153.
4- . همان، ص 153.
5- . مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص 153.
6- . مجلّه اطّلاعات سیاسی - اقتصادی، ش 155 - 156، ص 153.

خیلی مشهود نیست و باید با احتیاط برخورد کنیم و خیلی نمی شود مؤمنان را تشویق کرد که در جهانی شدن اقتصاد بکوشند.

از این گذشته ما، نیازی به چنین توصیّه ای نداریم; چون، وظیفه ی اصلی ما، در این زمان، خودسازی و دیگرسازی روحی جامعه است، نه اقتصادی. هر چند آن هم باید انجام شود; زیرا، جهانی شدن به معنای درست و صحیح (نه تعریف های موجود) آن است که در زمان حضرت مهدی (عج) انجام می گیرد و می توان تحت عنوان «امام مهدی و اصلاحات اقتصادی و اجرای عدالت» به آن اشاره کرد. عناوینی در روایات آمده، چنین است:

1. فقر زدایی عمومی.(1)

2. سازندگی گسترده و از بین رفتن خرابی ها.(2)

3. پرداخت وام ها و تحت پوشش قرار گرفتن خانواده های بی سرپرست و آزادی بردگان.(3)

4. استخراج گنج ها و تقسیم مال ها میان همه ی مردم.(4)

5. بخشش گسترده، به اندازه ای که شخص بتواند حمل کند.(5)

6. گسترده شدن خوان حکمت و ثروت.(6)

7. مبارزه با ثروت اندوزی و مصرف گنج ها در راه مصالح مردم.(7)

8. عدالت جهانی(8) و اجرای آن درباره ی نیکان و بدان.(9)

9. بازپس گیری حقوق تا آن جا رسد که اگر در بُن دندان انسانی، حق دیگری باشد، باز پس گرفته می شود.(10)

امّا اگر مراد، جنبه ی منفی زمینه های ظهور حضرت در جهانی شدن اقتصاد باشد - که اکثریت تعریف ها، نشانه ی بار منفی جهانی شدن بود - می شود آن را تحت عنوان بعضی از علائم ظهور، مثل زیاد شدن رشوه خواری و تقلب و تسلّط بیگانگان و کافران و اهل باطل و چیره شدن آنان بر مسلمانان و دنیازدگی و خودباختگی مسلمانان و... گنجانید.

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 397، روایت 212.
2- . ابوالقاسم خونی، منهاج البراعه، ج 8، ص 353.
3- . قزوینی، الامام المهدی، ص 631.
4- . لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص 472.
5- . سنن ترمذی، ج 4، ص 439، ح 2232.
6- . نعمانی، الغیبه، ص 158.
7- . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 4، ص 144، ح 402.
8- . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 328.
9- . شیخ صدوق، علل الشرایع، ص 161.
10- . علی کورانی، موسوعه أحادیث الأمام المهدی (عج).

خلاصه، این که برای ظهور حضرت، علائمی مانند زیاد شدن ظلم و گناه و سلطه ی بیگانگان و... و حوادثی مانند ظهور سفیانی، سیّد حسنی، ... بیان شده است و عمده وظیفه ی ما، در زمان غیبت، خودسازی و دیگرسازی و انتظار سازنده است.

س: امام زمان (عج) به هنگام ظهور در چه سنّی خواهد بود؟

ج: همان گونه که قبلا گفته شد، آن حضرت در نیمه ی شعبان دویست و پنجاه و پنج ه- ق به دنیا آمدند(1) و بعد از شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام)ابتدا، غیبت صغرا و سپس غیبت کبرا آغاز شد و جز خداوند متعال، هیچ کس از مدّت غیبت امام مهدی (عج) و زمان ظهورش، آگاه نیست. پس برای دانستن سنّ واقعی آن حضرت در زمان ظهور، باید منتظر ظهور ایشان باشیم، لکن احادیثی وجود دارد که به هنگام بیان کیفیّت و نشانه های ظهور امام مهدی (عج) به این مطلب اشاره کرده اند که آن حضرت به هنگام ظهور، چهل ساله یا حتّی کم تر از آن به نظر خواهند رسید.

امام حسن مجتبی(علیه السلام) می فرماید:

... خداوند، عمر او (قائم(علیه السلام)) را به هنگام غیبت، طولانی می کند. سپس به قدرت خداوند، به شکل جوانی که کم تر از چهل سال دارد، ظهور می کند... .(2)

اباصلت هروی از امام رضا(علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: نشانه ی قائم ما، این است که در سنّ یک پیرمرد و به صورت یک جوان است، به گونه ای که هر کس آن حضرت راببیند، او را چهل ساله یا کم تر می پندارد و تا هنگام مرگ، اثر پیری در او ظاهر نمی شود.(3)

طبق این احادیث، امام مهدی (عج) به هنگام ظهور، از نظر ظاهری، جوان به نظر می رسند، به گونه ای که بینندگان گمان می کنند آن حضرت، چهل یا کم تر از چهل سال دارد.

س: امام زمان (عج) در کدام نقطه از جهان ظهور می کنند؟

ج: طبق روایات متواتر شیعه و سنی، قیام شکوه مند آن مصلح جهانی از سرزمین مکّه و از مسجد الحرام، کنار کعبه ی معظمه، آغاز خواهد شد و تعداد سیصد و سیزده تَن از اصحاب او که فرماندهان

1- . . بحارالأنوار، ج 51، ص 4.
2- . همان، ج 52، ص 279.
3- . همان، ص 285.

لشکری و کشوری آن حضرت هستند، در میان رکن و مقام، با آن حضرت بیعت می کنند. آن گاه، تعداد دَه هزار نفر تکمیل می شود و وجود مقدّس حضرت بقیه الله (عج) با سپاه دَه هزار نفری، از مکّه حرکت می کنند و به اصلاح جهان می پردازند.(1)

مفضّل از حضرت صادق(علیه السلام) می پرسد: «ای آقای من! حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می کند؟». حضرت فرمودند: «ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند و به تنهایی کنار کعبه می آید و به تنهایی شب را در آن جا می گذراند.».(2)

در روایت دیگری می فرماید:

چون مهدی به در آید، به مسجدالحرام رود. رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد. دو رکعت نماز گزارد. آن گاه فریاد برآورد: ای مردمان! منم یادگار امام و یادگار نوح و یادگار ابراهیم و یادگار اسماعیل. منم یادگار موسی و عیسی و محمد... منم صاحب قرآن و زنده کننده ی سنّت... .(3)

س: مسئله ی قرقسیا و رابطه ی آن با ظهور امام مهدی (عج) چیست؟

ج: «قرقسیا» که در برخی نسخه ها «قریه ی سبا»، ضبط شده است، نام شهری است که در سوریه واقع شده و اکنون در نزدیکی مرز عراق و سوریه است.(4) برخی نیز آن را معرّب «گرگ سیاه» دانسته اند.

در علائم ظهور مربوط به خروج سفیانی گفته شده است، او، به محلّی به این نام وارد می شود و رخدادی بزرگ برای او در آن جا اتّفاق می افتد.(5)

امام علی(علیه السلام) می فرماید: «سفیانی، در شام بر دشمنان پیروز می شود. بعد از آن، بین او و دشمنان دیگری در «قرقسیا»، جنگی روی می دهد که پرندگان آسمان و درندگان زمین، از باقیمانده های کشته ها، سیر می شوند».(6) هم چنین «قرقسیا» را محلّی در کنار نهر فرات دانسته اند.(7)

1- . محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، ص 94.
2- . بحارالأنوار، ج 53، ص 7.
3- . همان، ص 9.
4- . سیدمحمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص 454.
5- . همان، ص 251.
6- . حسین کریم شاهی بیدگلی، فرهنگ موعود، ص 188.
7- . بحارالأنوار، ج 13; مهدی موعود، ترجمه ی علی دوانی، ص 983.

بنابراین، به نظر می رسد نام «قرقسیا» تنها اسم محلّی است که برخی از علائم ظهور در آن اتّفاق می افتد و در کتاب ها، بیش از این اشاره نشده است.

س: آیا می توان به همه ی کتاب های علائم الظهور و ملاحم، استناد کرد؟

ج: مسئله ی موعود آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) یکی از مسائل مهم است و روایات بسیاری درباره ی علائم ظهور و مسائل مربوط به قبل و بعد از ظهور، از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)و اهل بیت(علیهم السلام) به دست ما رسیده است، امّا باید توجّه داشت:

اوّلا، این مسئله، به دلیل اهمیّتش همیشه مطمح نظر طالبان قدرت و افراد فرصت طلب بوده است و عدّه ای برای نیل به مقاصد و مقامات دنیوی، با دسیسه و نیرنگ، به تحریف برخی از روایات و حتّی جعل حدیث پرداخته اند و گاهی با در هم آمیختن احادیث صحیح با احادیث ضعیف یا جعلی، سعی در گمراه کردن دیگران داشته اند.

ثانیاً، هر چند مسئله ی مهدویّت در برخی کتاب های اهل سنت و سایر ادیان وارد شده است، ولی باید توجّه داشت که با وجود احادیث و کتاب های شیعی، تنها راه مطمئن در موضوع مهدویّت، احادیث صحیح و کتاب های شیعه است.

ثالثاً، باید توجّه داشت که ممکن است برخی از روایات و احادیث، به عنوان کنایه باشد; یعنی، اشاره به مفاهیم و معانی دیگر داشته باشد و نباید به ظاهر آن ها بسنده کرد; ممکن است بعضی از آن احادیث ضعیف باشند. بنابراین، باید در انتخاب کتاب، دقّت کافی شود تا از نقاط ضعف زیاد برخوردار نباشد. بهترین راه برای اطّلاع از ملاحم و علائم ظهور، مراجعه به کتاب های روایی و مستند شیعه است که به دست علمای بزرگ شیعه گردآوری شده است. نام برخی از کتاب های مفید، چنین است:

1. موسوعه امام مهدی (عج)، شهید محدر صدر.

2. موسوعه أحادیث الامام المهدی (عج)، علی کورانی، موسسه المعارف الإسلامیه.

3. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، لطف الله صافی، مکتبه الصدر.

4. انقلاب جهانی مهدی، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف.

5. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

س: از چه زمانی، عدّه ای به دروغ، ادعای مهدویّت کردند؟

ج: اعتقاد به مهدی موعود(علیه السلام) در بین مردم به خاطر تأکیداتی که پیشوایان دینی ما داشتند، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) رواج داشته است.[1] آن حضرت، بارها[2]، در مناسبت های گوناگون، از حضرت مهدی و از ظهور و قیام و غیبت طولانی و دیگر ویژگی های آن حضرت خبر داده اند و بسیاری از اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وآله) از این موضوع خبر داشتند[3] و شعرای مسلمان، مانند کمیت اسدی (متوفای 126 ه- ق) و اسماعیل حمیری (متوفای 173 ه- ق) و دعبل خزاعی (متوفای 246 ه- ق) در اشعار خود، از آن یاد کرده اند. همین مسئله، سبب شده که در طول این مدّت، افرادی پیدا شوند که یا خود، ادّعای مهدویّت کنند و یا عدّه ای از مردم به مهدویّت آنان معتقد شوند.

به عنوان مثال، عدّه ای، محمّد حنفیه (پسر امیرالمؤمنین(علیه السلام)) را مهدی می پنداشتند و می گفتند او غیبت کرده است، در حالی که در سال (81 ه- ق) وفات یافته است،[4] و یا مهدی عباسی خود را مهدی موعود می نامید.[5]بنابراین، آغاز ادّعای مهدویّت، به دوره ی بعد از شهادت امام حسین(علیه السلام) باز می گردد.

س: چرا با آغاز دوره ی استعمار، ادعای دروغین مهدویّت زیاد شد؟

ج: بعد از آغاز غیبت صغرا، عدّه ای، به خیال کسب مال و مقام، شروع به ادّعای نیابت و بابیت حضرت مهدی (عج) کردند و افرادی مانند شریعی، شلمغانی، نمیری، کرخی، حلاج، ابن ابی العزاقر و... خود را نایب و باب امام زمان(علیه السلام) نامیدند و بعد از اندک مدّتی، کم کم، ترقی کردند، خود را امام و حتّی پیامبر خواندند.(6)

ادّعای نیابت و حتّی ادّعای مهدویت که برای رسیدن به مال و مقام دنیوی و فریب دادن مردم ساده دل بود، بعد از آغاز غیبت کبرا نیز ادامه یافت و عدّه ای با فریب مردم، مدّتی به فتنه انگیزی پرداختند و بعد از بین رفتند تا این که نوبت به استعمار رسید. دولت های استعماری که در طول جنگ های صلیبی، طعم شکست را چشیده بودند، بعد از آغاز رنسانس و آغاز نفوذ به کشورهای

1- . طبرسی، اعلام الوری، ص 443; ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص 74 - 82.
2- . همان، ص 310. روایت از یازده امام نقل شده است.
3- . لطف الله صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص 91.
4- . عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج 1، ص 132.
5- . ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص 193.
6- . ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 367 - 381.

آفریقایی و آسیایی، به این نتیجه رسیدند که برای نفوذ در کشورهای اسلامی، چاره ای جز ایجاد اختلاف های دینی ندارند.

همفر (جاسوس انگلیسی) به هنگام توضیح موادّ موافقت نامه ی مقامات بلندپایه ی وزارت مستعمرات بریتانیا برای شکست و نابودی اسلام، به چهارده بند از آن اشاره می کند. در بند ششم چنین آمده است:

تبلیغ عقاید و مذاهب من درآوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه ریزی آگاهانه و منظّم به گونه ای که تبلیغ پس از ارزیابی زمینه های مساعد فکری در اقشار مردم صورت گیرد... و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه ها بر پا گردد تا بدان جا که هر فرقه ای خود رامسلمان واقعی و دیگران را مرتد و کافر و واجب القتل پندارد.(1)

استعمار غرب، روش های گوناگونی را برای تحقق این اهداف، درپیش گرفت. یکی از آن ها، روشی بود که در یک برهه از زمان، مبارزان مسلمان برای مبارزه با استعمار از آن استفاده کرده بودند. آن روش، ادّعای مهدویّت از سوی برخی از مسلمانان آفریقا بود. استعمار می خواست از این حربه، برای شکست خود اسلام استفاده کند.

استعمار انگلیس، طعم مبارزه با مهدی سودانی یا متمهدی سودانی را - که با ادّعای مهدویّت، عدّه ای را به دور خود گرد آورد و جنگ های بسیاری با دولت مصر و حتّی انگلیس کرد(2) - به یاد داشت و حتّی در نهایت، از این حرکت نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد و با تشویق عدّه ای برای ادّعای مهدویّت، ایجاد تفرقه میان مسلمانان را آغاز کرد.

در کتاب ادیان و مهدویّت،

از حدود چهل و شش نفر نام برده شده است که مدّعی مهدویّت شده اند.(3) هر چند تعداد مدّعیان مهدویّت، بیش از این مقدار است، ولی باید دانست که اوج این ادّعاها، در دوره ی استعمار بوده است. مؤلّف کتاب مذکور، در ادامه می نویسد:

اشخاص دیگری مدّعی مهدویّت شدند که سیاست خارجی، آن ها را تحریک نمود وگرنه فرومایگی آن ها مانند آفتاب آشکار شد. مانند سیّد علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء، یوسف خواجه کاشغری که گفت من امام زمان هستم و پیشوای تراکمه گردید و بیست و نه هزار

ترکمن را در کنار رود گرگان با قشون ایران مصاف داده و نظایر بسیار در اطراف جهان از آن ها دیده شده است.(4)

استعمار، در هندوستان نیز احمدخان قادیانی را به این ادّعا برانگیخت و فرقه قادیانیّه را ایجاد کرد. این فرقه، بعدها، به دو فرقه تقسیم شدند و هم اکنون نیز در پاکستان به حیات خود ادامه می دهد.(5)

1- . خاطرات همفر، (جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی)، ص 193.
2- . محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، ص 71.
3- . ادیان و مهدویت، ص 71 - 83.
4- . همان، ص 83.
5- . علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص 345 - 347.

س: چه راه هایی برای شناختن مهدی نمایان وجود دارد؟

ج: همان گونه که گذشت، اعتقاد به مهدویّت، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) رواج داشته و تقریباً بعد از واقعه ی کربلا و شهادت امام حسین(علیه السلام) ادّعای مهدویّت نیز آغاز شد و برخی از مردم بعد از وفات محمّد حنفیه، او را مهدی دانستند و بعدها نیز عدّه ای خود را مهدی نامیدند و ادّعای مهدویت کردند... برای این که ما مهدی نمایان را تشخیص دهیم، لازم است شناخت کامل از امام زمان(علیه السلام) داشته باشیم.
در روایات ما آمده است که زراره بن اعین از امام صادق(علیه السلام)سؤال کرد: «در زمان غیبت امام زمان(علیه السلام)، امام را چگونه از امامان بدلی تشخیص دهیم؟». امام(علیه السلام)فرمود: «این دعا را یاد بگیر و تکرار کن: (اللهم عَرِّفنی لنفسک فإنَّک إنْ لم تعرفنی نَفسَک لَم أعرف نبیک. اللهم! عرّفْنی رسولک فإنّک إنْ لمْ تعرفْنی رسولک لم أعْرِفْ حجتَک. اللهم! عرّفْنی حجتک فإنّک إنْ لمْ تُعَرِّفْنی حجتک ضَلَلْتُ عَن دینی).(1)

بنابراین، بر ما لازم است که امام زمان(علیه السلام) را از چند جهت شناسایی کنیم، هم شناسنامه ای و هم اعتقادی و قلبی. روایات ما، به همه ی این ها اشاره کرده اند و فرموده اند: «امام زمان(علیه السلام) از بنی هاشم و از اولاد فاطمه(علیهما السلام) و از سلاله ی سیدالشهداء امام حسین(علیه السلام) و نام پدرش حسن و خودش همنام پیامبر(صلی الله علیه وآله)و.... است، و بعد هم خصوصیات شخصی و جسمی امام دوازدهم(علیه السلام)را بیان فرموده اند و گفته اند: او، شبیه ترین مردم به پیامبر(صلی الله علیه وآله)است; پیشانی حضرت فراخ و سفید و تابان و اثر سجده در آن آشکار است; ابروهای حضرت، به هم پیوسته است; چشم حضرت، سیاه و سرمه گون است; در طرف راست صورت، خالی وجود دارد;(2) هنگام ظهور، با شمشیر قیام می کند; از ایشان، کرامت های بی شماری ظهور می کند. برای ظهور نیز علائمی حتمی و غیرحتمی بیان کرده اند، ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نَفْسِ زکیّه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابانی ما بین مکه و مدینه(3) و... از جمله ی آن علائم است.

از طرفی، انسان باید آن قدر قدرت تشخیص داشته باشد تا بتواند امام مهدی(علیه السلام) را با اوصافی که بعضی از آن ها ذکر شد، از مهدی نمایان تمییز دهد، چون، بدیهی است که در هر زمان، برخی عناصر فرصت طلب، از موضوع مهدویّت سوء استفاده می کنند، چنان که مدّعیان الوهیّت

یا نبوت یا سایر مقامات معنوی، در دنیا کم نبوده اند، ولی این ها، هرگز، دلیل بر این نمی شود که منکر اصل

1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 342. خدایا ! خودت را به من بشناسان که اگر تو، خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت. خدایا ! حجّت و امام زمان را به من بشناسان که اگر امامت را نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.
2- . شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص 289.
3- . ر.ک: همان، و مهدی موعود، (در این کتاب بیش از چهارصد علامت ذکر شده است).

وجود خدا و نبوّت انبیا و مهدویّت شویم. از این رو، دانایان و اهل تشخیص، از پیامبران درخواست معجزه می کردند. به همین دلیل مشاهده می کنیم که برای شناخت امام بعدی، امام هر عصری، برای اصحاب خود، علائمی از امام پسین را نشان می دادند تا در مسئله، شکی باقی نماند و آنان بتوانند امام بعد را به صورت واضح، شناسایی کنند.

نحوه ی حکومت

س: حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، چه کارهایی انجام می دهند؟

ج: دوران پس از ظهور حضرت مهدی (عج) بدون شک، والاترین و شکوفاترین و ارج مندترین، فصل تاریخ انسانیّت است. آن دوران، دورانی است که وعده های خداوند درباره ی خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان، عملی می گردد و جهان با قدرتِ الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه ی شکوه مندترین جلوه های عبادت پروردگار می شود.

در احادیث مختلف، گوشه هایی از عظمت آن دوران به تصویر کشیده شده است. ما، با استفاده از این احادیث به برخی از کارهایی که امام زمان (عج) برای ایجاد جامعه ای متکامل و ایده آل، انجام می دهند، اشاره می کنیم:

س: امام مهدی (عج) در هنگام تشکیل حکومت چه کارهایی را انجام خواهند داد؟

ج: با توجه به احادیثی که در مورد دوران حکومت حضرت مهدی (عج) وارد شده و آن دوران را توصیف کرده اند می توان اهم اموری که از سوی آن حضرت به اجرا در می آید را در موارد ذیل خلاصه کرد:

1. حاکمیّت اسلام در سراسر هستی

بعد از ظهور امام زمان(علیه السلام) عدّه ای علیه آن حضرت وارد جنگ می شوند و سعی خواهند کرد تا از تشکیل حکومت عدل الهی بر روی زمین - که وعده ی آن، از سوی انبیا و امامان(علیهم السلام) داده شده است - جلوگیری کنند. امام(علیه السلام) ابتدا، آنان را به راه حق دعوت خواهد کرد و اگر قبول نکردند، با آنان وارد کارزار می شود و هرگونه فساد و کژی را نابود خواهد کرد.

ص: 78

امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیه ی (وَ قاتِلُوهُمْ حَتّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلّهِ)؛(1) می فرماید:

تأویل این آیه، هنوز نیامده است... پس زمانی که تأویل آن فرا رسد، مشرکان کشته می شوند، مگر آن که موحّد شوند و شرکی باقی نماند.(2)

و در حدیث دیگری می فرماید:

با مشرکان جنگ می کنند تا این که موحّد شوند و شریکی برای خدا قرار ندهند. چنان (امنیتی حاصل) می شود که پیر زن کهنسال، از مشرق به مغرب می رود، بدون آن که کسی جلوی او را بگیرد.(3)

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

إذا قام القائم لایبقی أرض إلاّ نودی فیها شهاده أنْ لا إله إلاّ الله و أنّ محمّداً رسول الله؛(4) زمانی که قائم(علیه السلام) قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلاّ الله و محمّد رسول الله) در آن طنین اندازد.

2. احیای قرآن و معارف قرآنی

امیرالمؤمنین(علیه السلام) با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) می فرماید:

كأنّی أنظر الی شیعتنا بمسجد الكوفه و قد ضربوا الفساطیط یعلّمون الناس القرآن كما أُنزل؛ (5) گویا شیعیان ما اهل بیت(علیهم السلام) را می بینم كه در مسجد كوفه گرد آمده اند و خیمه هایی برافراشته اند و در آن ها قرآن را آن چنان كه نازل شده است، به مردم یاد می دهند.

بنابراین، محور حركت نهضت جهانی امام مهدی، قرآن است و آن حضرت با تعلیم قرآن، آن را سرمشق زندگی انسان ها قرار خواهند داد. حضرت علی(علیه السلام) در بیان احوال زمان ظهور امام مهدی (عج) می فرماید:

(امام مهدی) هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی گرداند، زمانی كه مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل كرده باشند، و رأی را به قرآن برمی گرداند، زمانی كه مردم قرآن را به رأی و اندیشه مبدل كرده باشند. (6)

3. گسترش عدالت و رفع ستم

مهم ترین شاخص قیام امام مهدی (عج) که تقریباً در اکثر روایات مربوط به آن حضرت ذکر شده است، ریشه کن ساختن ظلم و ستم و فراگیر کردن عدل و قسط در سراسر گیتی است، به گونه ای که

1- . انفال: 39.
2- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 378.
3- . همان، ص 343.
4- . همان، ص 340.
5- . همان، ص 366.
6- . شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، ج 3، ص 424، خ 138.

می توان ادعا کرد که جمله ی «یملا الارضَ قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً و جوراً» که در اکثر احادیث ذکر شده، هم تواتر لفظی دارد و هم تواتر معنوی.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

قیامت بر پا نمی شود، مگر این که مردی از اهل بیت من که اسمش شبیه اسم من است، حاکم شود و زمین را پر از عدل و قسط کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.(1)

4. گرایش دوباره به اسلام حقیقی

بعد از وفات پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و واقعه ی سقیفه بنی ساعده، خلفا سعی کردند با منع نقل و تدوین احادیث پیامبر(صلی الله علیه وآله) از روشن شدن جایگاه اهل بیت(علیهم السلام) - که به عنوان مفسران دین اسلام و ثقل اصغر نقش هدایت جامعه را داشتند - جلوگیری کنند و همین امر موجب شد تا انحرافات و گمراهی هایی که دامن گیر سایر ادیان شده بود، در میان مسلمانان نیز شیوع یابد و برخی عناصر یهودی و مسیحی، با کمک دستگاه خلافت، اسلام را مطابق سلیقه ی خود و مناسب با منافع حاکمان توجیه و تفسیر کنند و موجب جدایی هر چه بیش تر مردم از اهل بیت(علیهم السلام) شوند. افرادی مانند تمیم داری، وهب بن منبه، کعب الاحبار، ابوهریره، عروه بن زبیر، عبدالله بن عمر، ... با تفسیرهایی که بیش تر با هواهای نفسانی و خواسته های حاکمان مطابقت داشت از همان آغاز، موجب بروز برخی انحرافات و بعدها ایجاد فرقه های کلامی در زمان های بعد و... شدند و مردم را از چشمه ی علم اهل بیت(علیهم السلام) محروم ساختند. به همین دلیل، آن گاه که امام زمان(علیه السلام) قیام می کند، به پیراستن دین اسلام از انحرافات و پیرایه هایی خواهد پرداخت که از سوی منحرفان بر دین اسلام تحمیل شده است و مردم را به اسلامی که پیامبر(صلی الله علیه وآله) آن را ابلاغ کرده بود، دعوت خواهد کرد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

زمانی که حضرت قائم(علیه السلام) قیام می کند، مردم را مجدداً به اسلام فرا می خواند و به امری هدایت می کند که فراموش شده و جمهور از آن منحرف شده اند...(2)

5. فراوان شدن نعمت های دنیوی

یکی از مطالب مهم که در احادیث مربوط به امام زمان (عج) بر آن تأکید شده است، وفور نعمت های مادّی در زمان حکومت امام مهدی(علیه السلام) است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)می فرماید:

... یظهر الله له کنوز الارض و معادنها; خداوند، گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی (عج) ظاهر خواهد کرد.(3)

ص: 80

1- . بحارالأنوار، ج 51، ص 81.
2- . همان، ص 30.
3- . همان، ج 52، ص 323.

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل شده که فرمود:

...هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را خواهد رویانید... به گونه ای که زن، میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت... .(1)

6. عمران و آبادی

امام زمان(علیه السلام) علاوه بر هدایت دینی، اجتماعی، سیاسی، به امور دنیوی نیز رسیدگی می کند و به عمران و آبادی شهرها و روستاها می پردازد. امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

فلا یبقی فی الارض خراب الاّ عُمِّر;(2) بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر این که آباد خواهد شد.

مفضّل از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد(علیهم السلام) قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی بنا خواهد کرد که هزار در دارد و خانه های کوفه به نهر کربلا متصل خواهد شد.(3)

در حدیث دیگری نقل شده که امام مهدی(علیه السلام)راه ها را وسیع می کند، آب های ناودان ها و فاضلاب ها را که به راه های عمومی می ریزد، قطع می کند و چیزهایی را که موجب راه بندان می شوند، رفع می کند. خلاصه، امور شهری را سامان خواهد داد.(4)

7. تکامل علمی و عقلی مردم

امام مهدی (عج) با نهضت خود، درهای رحمت را باز می کند و موجب تکامل علوم و صنایع خواهد شد و علوم، چنان رشد و گسترش خواهد یافت که همه شگفت زده خواهند شد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

علم، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه انبیا آورده اند، دو حرف است و مردم، تا امروز، بیش از آن دو حرف نمی شناسند. هنگامی که قائم ما(علیه السلام)قیام کند، بیست و پنج حرف را می آورد و بین مردم توسعه خواهد داد و به دو حرف قبلی اضافه خواهد کرد تا بیست و هفت حرف کامل شود.(5)

این حدیث، نشانه ی سرعت و شتاب زدگی و گسترش و توسعه ی علوم در میان مردم است که به دست امام مهدی (عج) صورت خواهد گرفت، به گونه ای که در مدّت حکومت آن حضرت، مردم،

1- . همان، ص 322.
2- . همان، ص 191.
3- .همان، ص 337.
4- . همان، ص 339.
5- . همان، ص 336.

بیش از دَه برابر آن چه را از زمان خلقت تا زمان قیام آن حضرت از علم به دست آورده بودند، به دست خواهند آورد.

در روایت دیگری امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر بندگان خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل های آنان جمع می شود و اخلاقشان کامل می شود.(1)

از مجموع احادیث، استنباط می شود که در دوره ی حکومت امام مهدی (عج) تمام ایده آل ها و آرزوهای به حقّی که انسان ممکن است بر آن ها دست بیازد، تحقّق خواهد یافت و از نظر علمی، اخلاقی، اقتصادی، امنیتی، ... به کمال مطلوب خود، خواهد رسید.

س: آیا امام مهدی (عج) با اجبار، اسلام را در جهان پیاده می کنند؟

ج: از روایات، چنین استفاده می شود که امام مهدی (عج) ابتدا، مردم را به سوی حق دعوت می کند و قبل از آغاز هر جنگی، به معرّفی دین حق برای دشمنان می پردازد و فرصت انتخاب میان حق و باطل را به آنان می دهد و تنها بعد از اتمام حجّت بر دشمنان، از قدرت شمشیر استفاده می کند. پس چون آن حضرت، ابتدا، اتمام حجّت می کند و آنان با این که به حق واقف می شوند و از آن اطلاع پیدا می کنند، از آن روی گردان می شوند، نمی توان گفت، آن حضرت، اسلام را با اجبار پیاده می کند، بلکه باید گفت، هر کس که اسلام را قبول می کند، از روی رغبت و اختیار است و هر کس آن را قبول نمی کند، باز با آگاهی و اختیار است، لکن بعد از این سوء اختیار، از سوی لشکریان امام نابود می شود تا در جهان فتنه ای نماند.

امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

حضرت مهدی (عج) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا، شانزده هزار نفر مجهّز به سلاح در برابر حضرت می ایستند. آنان، قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی هایشان از عبادتِ زیاد، پینه بسته، چهره هایشان در اثر شب زنده داری، زرد شده، امّا نفاق، سراپایشان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند: «ای فرزند فاطمه ! از همان راهی که آمده ای، باز گرد. زیرا، به تو نیازی نداریم.». حضرت مهدی، در پشت شهر نجف، پس از ظهر روز دوشنبه تا شام گاه، بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند و در این نبرد، از یاران حضرت، حتّی یک نفر زخمی نمی شود.(2)

ص: 82

1- . همان.
2- . همان.

طبق این حدیث، افرادی که در مقابل حضرت مهدی(علیه السلام) می ایستند، می دانند که او مهدی و فرزند فاطمه (س) است، ولی از قبول دین حق سر بر می تابند و بدین ترتیب، آگاهانه، با آن حضرت مخالفت می کنند و حضرت به جنگ با آنان می پردازد و آنان را قلع و قمع می کند.

این جنگ، به این دلیل است که این اشخاص، با این که حق را می شناسند، ولی از آن پیروی نمی کنند و می خواهند مانع از اجرای حق و عدالت در جامعه ی انسانی باشند و از آن جا که وجود چنین کسانی، مانع از گسترش عدالت و موجب سلب اختیار و انتخاب دیگر افراد جامعه که می خواهند حق را انتخاب کنند، می شود، پس باید از میان بروند تا ریشه ی فساد و موانع شناخت حق از باطل از بین برود.

همان طوری که از احادیث استفاده می شود، عملکرد ایشان، یعنی رفتار قاطعانه و قدرت شمشیر حضرت، می تواند یکی از عواملی باشد که در پیاده کردن اسلام در جهان نقش خواهد داشت، ولی عوامل دیگری مانند آمادگی جهانی، سلاح مدرن، سلاح علم، انتخاب کارگزاران لایق، ... نیز نقش عمده ای خواهد داشت که به اختصار به ذکر هر کدام پرداخته می شود:

الف) برخورد جدی و قدرت مندانه با ستمگران

دیگر، این گونه نخواهد بود که پیامبران و امامان، مردمان را موعظه کنند و بسیاری از مردم گوش فرا ندهند و سرگرم جنایت و فساد باشند، به گونه ای که پیامبران را بکشند و سنت های آنان را محو کنند. امام باقر(علیه السلام)می فرماید:

انّ رسول الله(صلی الله علیه وآله) سار فی أُمّته باللیّن، کان یتألّف الناس، و القائم یسیر بالقتل... و لا یستتیبُ أحداً...؛ (1) رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با امّت خویش به نرمی و محبّت رفتار می کرد، ولی مهدی (عج) با کشتن با آنان برخورد می کند... و کسی را به توبه فرا نخواند...

ب) آمادگی جهانی[2]

به طوری که از روایات استفاده می شود، پیروزی امام زمان(علیه السلام) به آمادگی جهان نیز بستگی دارد. وقتی جهان، حالت پذیرش برای حکومت جهانی پیدا کرد و انسانِ جنگ زده، صلح طلب شد، پیروزی انقلاب حضرت مهدی(علیه السلام) تحقّق می پذیرد.

در بعضی از روایات آمده است که پیدایش این آمادگی جهانی، بر اثر یک جنگ وحشت ناک است که انسانِ جنگ زده، به دنبال آب حیات صلح و آرامش می رود. امام صادق(علیه السلام)فرموده است:

حکومت جهانی و رهبری واحد، تحقّق پیدا نمی کند، مگر روزی که در یک جنگ ویران کننده، دو سوم بشر نابود شوند.[3]

1- . محمود بجستانی، چهل حدیث سیره مهدوی، ص 37.
2- . شماره های ب و ج و د، از کتاب ایدئولوژی و عقاید اسلامی، تألیف محمد دشتی، ص 228 - 230، اخذ شده است.
3- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 207، ح 44.

ج) سلاح برتر و مدرن

در بعضی از روایات آمده است: حضرت مهدی(علیه السلام) از سلاح برتر بهره مند است که جهان تسلیم خواهد شد. سلاح ایمان و آلات مدرن جنگی، نقش عظیمی دارد.(1)

د) سلاح علم و دانش

در بسیاری از احادیث، به این واقعیّت اشاره می شود که امام زمان(علیه السلام) با قدرت علمی، مغزها را متوجّه خود می کند و جهان علم به او ایمان می آوردند. امام صادق(علیه السلام) فرموده است:

تا زمان انقلابِ حضرت مهدی(علیه السلام)، علم و دانش تا چهار کلمه ترقّی می کند، امّا در عصر مهدی(علیه السلام) به اندازه ی هفتاد و چهار کلمه ترقّی خواهد کرد. این، یکی از اسباب پیروزی است.(2)

ه-) کارگزاران و وزیران لایق

اداره ی سرزمین ها، در سایه ی رهبری الهی و کارگزاران لایق و دل سوز و حاکمیّت اسلام، امکان پذیر است. امام عصر(علیه السلام) برای اداره ی جهان، استانداران و وزیرانی می گمارد که جز به مصالح اسلام و رضایت خدا به چیزی نمی اندیشند. طبیعی است کشوری که کارگزارانش از چنین

خصوصیّت برجسته ای برخوردار باشند، بر تمام دشواری ها، پیروز می شود، به گونه ای که زندگان، آرزوی زندگی دوباره ی مردگان را می نمایند.(3)

کیفیّت ترکیب دولت حضرت مهدی(علیه السلام)

در روایات، ترکیب دولت مهدی(علیه السلام) از پیامبران و جانشینان آنان و تقواپیشگان و صالحان روزگار و امّت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر بیان شده است. نام برخی از آنان بدین گونه است:

حضرت عیسی(علیه السلام); هفت نفر از اصحاب کهف; یوشع وصی موسی(علیه السلام); مؤمن آل فرعون; سلمان فارسی; ابودجانه انصاری; مالک اشتر نخعی; قبیله ی همدان و... و عیسی(علیه السلام) به حضرت مهدی(علیه السلام) می گوید: «من، به عنوان وزیر فرستاده شده ام، نه امیر و فرمانروا».(4)

س: آیا امام مهدی (عج) برای گسترش عدالت و افراشتن پرچم اسلام، از امدادهای غیبی استفاده می کند؟

1- . همان، ص 321 - 327.
2- . همان، ج 42، ص 327.
3- . قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج 13، ص 294.
4- . نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، ص 190.

ج: در گفتار پیشوایان معصوم(علیهم السلام) جنگ های پس از ظهور مهدی (عج) و فتوحات، به قدرت فردی و انسانی و نیروهایی نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می شتابند، ولی پیروز شدن بر تمام جهان با توجّه به پیشرفت علم و صنایع جنگی قبل از ظهور، کاری است بس دشوار که علاوه بر قدرت فردی و زمینه های اجتماعی عصر قیام، به امدادهای غیبی و الهی نیز نیازمند است.

در این جا، مناسب است که نقش عوامل پیروزی انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (عج) را با استفاده از احادیث و روایات، به طور اختصار مورد بررسی قرار دهیم:

الف) قدرت فردی و انسانی; ریّان پسر صلت می گوید:

به امام رضا(علیه السلام)عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟». فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم، ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند، آن گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چه گونه می توانم صاحب آن امر باشم در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟ حضرت قائم، کسی است که وقتی ظهور می کند، در سنّ پیران است، ولی به نظر جوان می آید. او، اندامی قوی و تنومند دارد، به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد، صخره ها می شکند و از جا کنده می شود... .(1)

در روایات دیگر نیز داریم که با گفتن تکبیر مهدی (عج) و لشکریانش، دیوارهای شهر به لرزه در می آید و فرو می ریزد. در هنگام قیام حضرت قائم (عج) دل های شیعیان آن حضرت، چنان پاره هایی از پولاد می شوند که قدرت هر مرد از آنان، در روایات، به اندازه ی قدرت چهل مرد بیان شده است. بنابراین، قدرت فردی، در انقلاب مهدی (عج) بی اثر نخواهد بود.

ب) نقش نیروهای مردمی در انقلاب جهانی حضرت مهدی;(2) در احادیث آمده است که حضرت مهدی (عج) به هنگام ظهورش، از مردم کمک و یاری می طلبد و این، بدان سبب است که هم مردم را به راه سعادت و حق ببرد و هم قیام جهانی خویش را تا جایی که ممکن است، با دست و توان خود مردم به ثمر برساند.

در احادیث می خوانیم:

مهدی (عج) از مردم یاری می طلبد. یکی از یاران خود را می خواهد. به او می فرماید: به نزد مردم مکّه برو و بگو ای مکّیان! من فرستاده ی مهدی ام. مهدی می گوید: «ما، خاندان رحمتیم; ما، مرکز رسالت و خلافتیم... مردمان به ما ستم کردند... حق ما را از ما ستاندند. اکنون من از شما یاری می طلبم به یاری من بشتابید.(3)

1- . بحارالأنوار، ج 52، ص 322.
2- . محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص 290 - 295.
3- . بحارالأنوار، ج 52، ص 307.

یا أیّها الناس ! إنّا نستنصر الله و مَنْ أجابنا من الناس;(1) ای مردمان ! ما، از خدا یاری می طلبیم و از هر کسی از مردم که دعوت ما را بپذیرد و در صف یاران ما در آید....

إنّا نستنصر الله الیومَ و کلَّ سلیم;(2) ما، امروز، از خدا یاری می طلبیم و از هر مسلمانی که در جهان هست.

باز در حدیث می خوانیم:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه ی شهرها نزد او گرد می آورد.(3)

از امام باقر(علیه السلام) نیز روایت شده است که بانوان نیز در این قیام بزرگ مشارکت دارند.

آن حضرت فرمود: «سیصد و سیزده تن نزد او آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست. این جماعت، در مکه گرد آیند».(4)

این ها، نخستین گروه از یاران مهدی است. سپس دسته دسته مردمانی که جزء یاران او خواهند بود، از زن و مرد، به آنان خواهند پیوست.

بنابراین، در پیروزی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیروهای مردمی و قدرت فردی و انسانی، نقش عمده ای خواهند داشت.

ج) امدادهای غیبی در انقلاب جهانی مهدی (عج);(5) نقش امدادهای غیبی در پیروزی حکومت جهانی مهدی (عج) قابل توجّه است. حضرت، با انجام دادن معجزاتی، مشکلات را از سر راه برمی دارد و با رعب و ترسی که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند و با ملائکه ای که به یاری آن حضرت می فرستد، موجبات پیروزی آن حضرت فراهم می شود. در برخی از روایات نیز از نیروهایی سخن گفته شده که دارای خصوصیّات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت حضرت موسی(علیه السلام)... نیز به عنوان وسیله ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی (عج) نام برده شده است:

1. رعب و ترس; امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می شود.(6)

هم چنین می فرماید:

خداوند، حضرت قائم (عج) را به سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان; مومنان; رعب.(7)

1- . همان، ص 238.
2- . همان، ص 223.
3- . همان، ص 291، ح 37.
4- . همان، ص 223.
5- . نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، فصل پنجم.
6- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 335، و ج 14، ص 354.
7- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 52، ص 343.

از این روایات و احادیث دیگر نیز استفاده می شود که دشمن، از حرکت لشکریان حضرت مهدی (عج) چنان وحشت زده می شود که وقتی لشکریان حضرت می خواهد از جای حرکت کند، کسی جرأت شورش علیه آن ها را ندارد.

2. فرشتگان و جنّیان; حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «خداوند، حضرت مهدی (عج) را با فرشتگان و جن و شیعیان مخلص، یاری می کند». (1)

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر(صلی الله علیه وآله)یاری دادند، هنوز به آسمان بازنگشته اند تا این که حضرت صاحب الأمر را یاری رسانند. تعدادشان، پنج هزار فرشته است.». (2)

3. فرشتگان زمین; محمّد بن مسلم می گوید: از امام صادق(علیه السلام)درباره ی میراث علم و اندازه ی آن پرسیدم: حضرت پاسخ داد:

خداوند، در شرق و غرب عالم، دو شهر دارد که در آن گروهی سکونت دارند و هر چند وقت یک بار با آنان دیدار می کنم و آنان از ظهور قائم می پرسند. گروهی از آنان، از روزی که به انتظار قائم (عج) بوده اند، سلاح خود را به زمین نمی گذارند. آنان، از خداوند می خواهند که حضرت را به آنان بنمایاند. در هنگامی که امام مهدی قیام می کند، آنان، همراه او می باشند... اجتماع آنان، متشکل از پیرو جوان است. این گروه، از اندیشه و دستورهای امام آگاه هستند و آن را اجرا می کنند. حضرت، این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، روم، بربر، فارس، جابرسا، جابلقا - که دو شهر در شرق و غرب است - می فرستد. تمام پیروان ادیان را به اسلام، یکتاپرستی و ولایت ائمه(علیهم السلام) دعوت می کنند که در صورت اجابت، مردم رهایی می یابند و اگر تخلّف کردند، به قتل می رسانند که در تمام شرق و غرب عالم، همگان، ایمان می آوردند. (3)

4. تابوت موسی; هنگام ظهور ولی عصر (عج) حضرت عیسی(علیه السلام)فرود می آید و کتاب ها را از انطاکیه گردآوری می کند. خداوند بر روی او از چهره ی «ارم ذات العماد» پرده برمی دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می سازد و حضرت دارایی های کاخ را گرد می آورد و آن را میان مسلمانان تقسیم می کند و تابوتی را که خداوند به «ادبیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود،

خارج می سازد. در آن تابوت، آن چه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذاشته اند، فرود می آید... آن گاه به کمک آن تابوت، شهرها را می گشاید. همان گونه که پیش از او نیز چنین کردند.(4)

1- . دیلمی، ارشاد القلوب، ص 268.
2- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 448.
3- . بحارالأنوار، ج 27، ص 41 و ج 54، ص 334.
4- . سید هاشم بحرانی، غایه المرام، ص 697; الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 136.

س: امام مهدی (عج) در زمان ظهور با چه نوع سلاحی می جنگد؟

ج: در ابتدا، این نکته باید روشن شود که امام زمان(علیه السلام) مانند پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)برای هدایت و راهنمایی مردم، نخست، دعوت عمومی می کند و در آغاز ظهورش، مردم را از پیام خود آگاه و اتمام حجّت می کند. در این میان، عدّه ای دعوتش را می پذیرند و راه سعادت پیش می گیرند و عدّه ای به مخالفت برمی خیزند که امام مهدی(علیه السلام) در برابر اینان قیام مسلّحانه می کند. امام جواد(علیه السلام) فرموده است:

وقتی سیصد و سیزده نفر یاران خاص حضرت قائم (عج) به خدمتش در مکّه رسیدند، حضرت، دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد و وقتی که این تعداد به دَه هزار نفر رسید، به اذن خدا، قیام مسلّحانه می کند و خروج می کند.(1)

برنامه ی قیام حضرت مهدی (عج) همانند برنامه ی قیام پیامبران الهی خواهد بود; یعنی، بر اساس اسباب و وسائل عادی و طبیعی، برنامه های خود را اجرا می کند; معجزات، جنبه ی استثنایی دارند و در موارد نادر از آن استفاده می کند.

این که در بعضی از روایات، از واژه ی «شمشیر» استفاده شده، باید گفت، ظاهراً، مقصود از خروج با شمشیر، مأموریّت به جهاد و توسّل به اسلحه برای اعلای کلمه ی حق است و با هیچ یک از کفّار به مصالحه نمی نشیند; زیرا، «شمشیر»، همیشه، کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست; همان گونه که «قلم»، کنایه از علم و فرهنگ است و نیز از قدیم معروف بوده که کشور، با دو چیز اداره می شود: قلم و شمشیر.(2)

منظور از «قیام با شمشیر»، همان اتّکای به قدرت است تا مردم نپندارند که این مصلح بزرگ، فقط به شکل یک معلّم یا یک واعظ، عمل می کند، بلکه او، یک رهبر مقتدر الهی است که امان را از ستمگران و منافقان می گیرد.

بنابراین، اجرای حکومت حق و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسائل مادّی و معنوی لازم، به جز در موارد استثنایی، تحقق پذیرد.

به تعبیر دیگر، آن حضرت و یارانش، با هر اسلحه ای که لازم باشد، در مقابل کفّار و ستمگران می ایستند و از هر گونه اسلحه ای که در آن زمان متداول باشد و مورد نیاز، استفاده می کنند.

1- . رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(علیه السلام)، ص 13.
2- . همان، ص 218.

س: چرا عدّه ای، آن حضرت و دینش را انکار می کنند؟

ج: از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که قائم(علیه السلام) قیام می کند با امر جدید و کتاب جدید و قضای جدید و بر عرب سخت می گیرد و با شمشیر عمل می کند و...(1)

حال باید دید مراد از «امر جدید» و «کتاب جدید» چیست. مسلماً، مراد، این نیست که حضرت (عج) کتاب و قرآن جدیدی می آورد، همان گونه که پیامبر خاتم(صلی الله علیه وآله) کتاب تازه ای به بشریّت عرضه کرد; چون، این معنا، با خاتمیّت دین محمد(صلی الله علیه وآله) و این که قرآن آخرین و کامل ترین کتاب الهی است، سازگاری ندارد، بلکه مراد، این است که تبیین جدید و تفسیر تازه از دین و قرآن ارائه می دهد که طبعاً با تفسیرهای موجود که با عقل های بشری و غیر معصوم ارائه شده، فرق خواهد داشت و پیرایه هایی که بر دین و احکام بسته اند، زدوده خواهد شد. لذا ممکن است این تفسیر جدید، با خواسته ها و امیال بعضی، سازگاری نداشته باشد و باعث مخالفت آنان با حضرت حجت(علیه السلام) شود و عدّه ای با تمسّک به این مطلب، به انکار آن حضرت بپردازند.

به عبارت دیگر، همان عواملی که باعث می شد تا مردم جاهلی، نبوّت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) را انکار کنند، باعث انکار حضرت مهدی(علیه السلام) نیز خواهند شد. از امام باقر(علیه السلام)نقل شده است که فرمود:

او، آن چه را پیش از او بوده است، در هم می ریزد، آن گونه که رسول خدا(صلی الله علیه وآله)امور جاهلیّت را در هم ریخت. مهدی (عج) اسلام را به گونه ای تازه و جدید می آغازد.(2)

در جای دیگر، حضرت علی(علیه السلام) می فرماید:

(مهدی) شیوه ی عدالت را به شما نشان می دهد و احکام از بین رفته ی کتاب و سنّت را زنده می سازد.(3)

از این احادیث و احادیث دیگر، معلوم می شود که عواملی مانند مال و مقام پرستی، نفاق، انحرافات عقیدتی، جهل و نادانی، ... که موجب انکار پیامبر اسلام و دین آن حضرت در آغاز بعثت شده بود، باز به هنگام ظهور قائم (عج) موجب انکار آن حضرت و مخالفت با ایشان خواهد شد.

س: امام (عج) با چه زبانی با مردم زمان ظهور صحبت خواهد کرد؟

ج: در پاسخ این سؤال به دو نکته باید توجّه کرد:

ص: 89

1- . بحارالأنوار، ج 52، ص 354.
2- . نعمانی، الغیبه، ص 152.
3- . شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، خطبه ی 138.

اوّلا، امام(علیه السلام) بر اساس علم لدّنی، قادر به تکلم با هر زبانی است. مباحثه و محاجّه ی امام رضا(علیه السلام) با سران علمای ادیان و مذاهب مختلف، مؤیّد این مطلب است; زیرا، امام رضا(علیه السلام) با جاثلیق به زبان خودش و با هربذ اکبر به زبان او و با نسناس رومی به زبان خودش و... صحبت کردند(1)و همین مطلب باعث رسوایی مأمون عباسی گردید.

از طرف دیگر، می دانیم که ائمه(علیهم السلام) از نور واحدند و وجود کمالی در یکی از آنان، حکایت از وجود همان کمال در دیگر ائمه است. از این جهت، امام زمان(علیه السلام) که خاتم الأوصیاء و الأولیاء است، قهراً، توانایی سخن گفتن و تکلّم به هر زبانی را خواهد داشت. در روایت می فرماید: امام زمان(علیه السلام) بعد از معرفی خود برای مردم، به خواندن کتب آسمانی می پردازد.(2)

ثانیّاً، امام(علیه السلام) از وسائل و اسباب عادی برای پیشبرد اهداف الهی خویش استفاده خواهند کرد و لذا می توان گفت، اگر چه زبان رسمی امام(علیه السلام) عربی - که همان زبان قرآن است - خواهد بود، امّا این زبان، در آن واحد، به وسیله ی دستگاه های ترجمه یا مترجمان، به زبان های مختلف مردم دنیا، ترجمه خواهد شد و در نتیجه، همه ی اقوام و ملل، مخاطب سخنان امام خواهند بود.

س: بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) چه قدر طول می کشد تا جهان اصلاح شود؟

ج: پیش از ظهور امام مهدی (عج)، تباهی و فساد، در تمامی ابعاد، گسترش یافته است. به همین جهت، آن حضرت، به منظور اصلاح همه ی ابعاد زندگی، در گسترده ترین شکل و محتوا، دست به طرح و برنامه ریزی و تدبیر امور می زند و این مسئله، با وسعت جهان و تنوّع اقوام و ملل و کثرت مفاسد، مسلماً، نیاز به گذشت زمان دارد.(3)

مقدار زیادی از وقت امام(علیه السلام) را تحقّق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد، خواهد گرفت و مقدار دیگری هم دوران حکومت آن حضرت خواهد بود.(4)

طبق احادیث معتبر و مختلف، وقتی آن حضرت به دستور خداوند، ظهور می کند، بلافاصله، بعد از ظهور، دست به قیام نمی زند، بلکه منتظر می شود تا سیصد و سیزده نفر از یارانش، از بلاد دور و نزدیک و در طیّ روزهای متمادی، به دور آن حضرت در مکّه جمع شوند و بعد از بیعت آنان با امام، آن حضرت، قیام اصلاحی خود را شروع می کند و بعد از فروپاشی نظام حاکم در مکّه، مدّتی طول

1- . بحارالأنوار، ج 49، ص 175.
2- . بحارالأنوار، ج 53، ص 9.
3- . محمد کاظم قزوینی، امام مهدی، ص 734.
4- . مکارم شیرازی، حکومت مهدی (عج)، فصل آخر.

می کشد تا نیروی ده هزار نفری از یارانش جمع شوند.(1) و بعد از تکمیل این نیروها، مکّه را به قصد مدینه، ترک می کند و بعد از رسیدن به مدینه، اقدامات اصلاحی خود را در مدینه شروع می کند و بعد به سوی مرکز حکومت خود، عراق و کوفه، حرکت می کند(2) و بعد از اقدامات و گسترش چشم گیر کوفه، برای مقابله با بساط «سفیانی» با لشکری شکوه مند، وارد فلسطین می شود و سرزمین بیت المقدس را از دست ظالمان پس می گیرد و صلح و آزادی بر سراسر جهان سایه می افکند و بعد از آن مرحله، دوران دوم قیام اصلاحی خود را که همان تشکیل و اداره ی حکومت جهانی است، آغاز می کند و آرامش جهان را ارمغان می آورد.

بدون هیچ شکی، همه ی این اقدامات، نیازمند زمان است و با توجّه به این که برنامه های اصلاحی آن حضرت تا آخر عمر شریفش ادامه خواهد داشت و از آن جا که درباره ی عمر شریف آن حضرت، اختلاف وجود دارد، پس در این که چه قدر طول می کشد تا جهان کاملا اصلاح بشود نیز اختلاف هست.

س: در زمان امام عصر (عج) مجتهدان، اجتهاد می کنند یا نه؟

ج: ابتدا لازم است مقداری درباره ی اجتهاد، توضیح داده شود. اجتهاد، یعنی کوشش عالمانه با روش صحیح، برای درک مقرّرات اسلام با استفاده از قرآن، روایات، اجماع، عقل اجتهاد و تفقه - به عنوان نیروی محرکه ی اسلام - که یکی از دلائل جاوید ماندن اسلام است; زیرا از همین راه می توان حکم هر موضوعی را از قرآن و روایات استخراج کرد و از قوانین دیگران بی نیاز بود.(3)

دلائل عقلی; نیازهای بشر، دو گونه است: ثابت و متغیر. در سیستم قانون گذاری اسلام، برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر.(4) آن قسمت از مسائل اخلاقی و شئون اجتماعی و قوانین مدنی و جزایی که از اصول فطری و غرائز ثابت انسانی مایه می گیرد و طبعاً در همه ی جوامع و اجتماعات یک سان است، قوانین مربوط به آن، در اسلام، ثابت می باشد، امّا آن سلسله از مقرّراتی که مربوط به شرایط خاص زمانی و مکانی و... است و جوامع نسبت به آن با هم تفاوت دارند، برای آن ها، در قوانین اسلام، یک سلسله اصول کلّی تعیین شده که با

1- . بحارالأنوار، ج 52، ص 301.
2- . جمعی از محققین، معجم الاحادیث مهدی (عج)، ج 5، ص 22.
3- . جعفر سبحانی، قائمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، ترجمه ی رضا استادی، ص 163.
4- . مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج 2، ص 72.

توجّه به آن ها، باید جزئیات آن را طبق نیازمندی های اعصار و قرون و جوامع مختلف، به دست فقهای اسلامی تعیین کرد.(1)

در مسیر طبیعی بشر، با توجّه به اعصار و جوامع مختلف، نیازمندی های انسان به موارد جدید و تازه، بیش تر می شود و این تغییر و تحوّل، اختصاص به زمان خاصّی ندارد، بلکه به خاطر رشد علم و آگاهی مردم در زمان ظهور امام زمان (عج) این نیازمندی ها، بیش تر می شود و نیاز به اجتهاد را شدّت می بخشد; هر چند کیفیت و نحوه ی اجتهاد نیز به دلیل تغییر شرایط عوض خواهد شد و با اجتهاد مصطلح فرق خواهد داشت.

شاید در این جا گفته شود: «امام زمان (عج) تمام مسائل را خودشان پاسخ می دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نیست.». در پاسخ باید گفت، این چنین نیست که تمام مسائل را خود امام زمان (عج) پاسخ دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نباشد. زیرا، با گسترش جمعیّت و مسائل جدید، به واسطه ی پیشرفت علم و صنعت و خواست های متفاوت بشری لازم نیست امام زمان (عج) در همه ی منازعات و مرافعات شرکت کند، بلکه مثل سیره ی رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)برای هر کشور و شهر و قومی، نماینده خواهد فرستاد تا با علم و استنباط از قرآن و سنّت، راه گشای مشکلات دینی و دنیایی مردم باشند.

دلیل نقلی; کسانی که با تاریخ فقه اسلامی آشنایی دارند، می دانند که اجتهاد، حتّی در زمان خود پیامبر گرامی و سایر پیشوایان دینی نیز بوده است، چه رسد به زمان های بعد. البته باید توجّه داشت که اجتهاد در آن زمان با زمان ما فرق بسیار دارد. اجتهاد در آن زمان، بسیار ساده و کم زحمت بوده است; زیرا، در آن عصر، قرائنی که می توانست فهم احادیث را آسان کند، فراوان بود، امّا هر چه از آن زمان فاصله می گیریم، بر اثر اختلاف نظر و نیز مشکوک بودن حال برخی از راویان، اجتهاد، جنبه ی خفی به خود گرفته و نیاز امّت اسلامی به اجتهاد، زیادتر و دایره ی آن وسیع تر می گردد.(2)

برای این که بدانیم اجتهاد در میان یاران پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) وجود داشته، کافی است از میان روایات، به مفاد دو روایت توجّه کنیم:

1. هنگامی که معاذ بن جبل از طرف رسول گرامی(صلی الله علیه وآله) به یمن می رفت، آن حضرت به او فرمودند: «در مواردی که می خواهی داوری کنی، از چه مدارکی استفاده می کنی؟». گفت: «ازآیات.». پیامبر

فرمود: «اگر درباره ی موردی که می خواهی قضاوت کنی، آیه ای که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد، نیافتی، چه می کنی؟». گفت: «از احادیثی که از شما شنیده باشم.». پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: اگر حدیثی که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد نیافتی چه می کنی؟ گفت: «اجتهاد می کنم.». (یعنی از کلیات و قواعدی که از آیات قرآن و روایات شما در

1- . قائمیت از نظر قرآن و حدیث عقل، ص 162.
2- . همان.

دست دارم، حکم آن مورد مخصوص را استنباط می کنم) رسول خدا(صلی الله علیه وآله)خوش حال شدند و فرمودند: «سپاس خدا را که فرستاده ی پیامبر خود را به راهی موفّق داشت که آن راه، مورد رضایت پیامبر است». (1)

2. امام باقر(علیه السلام) به ابان بن تغلب - که یکی از یاران فقیه و دانشمند آن حضرت بوده - فرمود: «ابان! در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مثل تو، در بین دوستان و شیعیانم باشند». (2)

واضح است که منظور از فتوا، این نیست که فقط به نقل روایت اکتفا شود، بلکه مقصود این است که در هر مورد که آیه یا روایت در خصوص آن مورد وارد شده است، طبق آن آیه یا روایت، فتوا داده شود و در مواردی که آیه یا روایت در خصوص آن ها وارد نشده است، از آیات و روایات کلی و قواعد عامه ای که از امام(علیه السلام) صادر شده است، حکم آن مورد، استنباط و استفاده شود. ائمه(علیهم السلام) فرموده اند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع». (3)

کوتاه سخن این که با استفاده از دلائل عقلی و نقلی، چنین استنباط می شود که اجتهاد، نه تنها در زمان ظهور امام زمان (عج) تعطیل نمی شود، بلکه به واسطه ی رشد علوم و تعالی مردم و ابداع و اختراعات جدید، نیاز به تطبیق فروع بر اصول، بیش تر می شود و جایگاه اجتهاد، نمود خاصی به خود می گیرد و طبیعی است که اجتهاد در آن زمان با اجتهاد مصطلح امروزی تفاوت هایی خواهد داشت.

احوال یاران امام مهدی (عج)

س: آیا امام مهدی (عج) یاران خود را هم اکنون برگزیده یا به هنگام ظهور بر خواهد گزید؟

ج: گزینش و انتخاب اصحاب از سوی آن حضرت، امری اعتباری و قراردادی نیست تا سؤال شود که آیا هم اکنون برگزیده شده اند یا بعداً برگزیده خواهند شد، بلکه این مسئله، بر اساس آن چه از روایات اسلامی استفاده می شود، به دو گونه است. به تعبیر واضح تر، اصحاب امام زمان (عج) دو دسته اند:

ص: 93

1- . محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج 3، ص 121، قسم دوم.
2- . الأصول الأصلیه، ص 54.
3- . شیخ صدوق، سرائر، ص 469.

دسته ی نخست، افرادی هستند که قبل از ظهور ایشان، زندگی می کرده اند و از دنیا رفته اند و هنگام ظهور حضرتش، به اذن الهی، زنده می شوند و رجعت خواهند کرد. به عنوان نمونه، می توان از سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر نخعی نام برد.(1)

دسته ی دوم، افرادی هستند که در زمان ظهور زندگی می کنند و در کوران حوادث، آبدیده می شوند و امتحان خود را پس می دهند و مراحل کمال را طی می کنند و شایستگی لازم را برای یاری آن حضرت در خود ایجاد می کنند. در روایات اسلامی، نام بعضی از افراد و سرزمین هایی که این افراد از آن جا به یاری امام زمان (عج) برخواهند خواست، ذکر شده است. از کشور ایران، نام شهرهایی مانند قم، خراسان، طالقان، شهر ری، در روایات ذکر شده است. نیز نقل شده است که از شیراز، سه نفر به نام حفضل و یعقوب و علی، و از اصفهان، چهار نفر به نام موسی و علی و عبدالله و غلفان، به یاری حضرتش برمی خیزند.(2)

البته، ذکر نام افراد یا سرزمین هایی که محلّ تولّد و زندگی برخی یاران آن حضرت است، مربوط به علم ازلی خداوند متعال است که از لسان معصومان(علیهم السلام) بیان شده است. این موضوع، منافاتی با اختیار و انتخاب آن افراد در کسب کمالات که به سبب آن، شایستگی حضور در رکاب آن حضرت را پیدا می کنند، ندارد. در حقیقت، این نوع علم، مانند سایر موارد علم ازلی خداوند متعال در مورد همه ی حوادث و پیشامدها، از ازل تا ابد خواهد بود.

س: کتاب محیی الدین عربی در مورد امام مهدی (عج) چقدر قابل استناد است؟

ج: ذکر این مطلب مفید است که برای مطالعه درباره ی امام زمان (عج) و عصر ظهور، احادیث اهل بیت(علیهم السلام) و کتاب های فراوان و معتبری از علما و بزرگان شیعه، در مورد احوالات امام زمان «عج» و عصر ظهور موجود است و به نظر می رسد برای کسی که اهل مطالعه و تتبّع در مسائل دینی است، همین مقدار کفایت می کند. در مورد شخصیّت محیی الدین و دیدگاه وی، خصوصاً درباره ی شیعه و امامت، میان صاحب نظران و محقّقان، اختلاف نظر وجود دارد.(3) برخی، وی را شیعه دانسته اند و کلماتی را که برخلاف مذهب شیعه از ایشان نقل شده، حمل بر تقیه کرده اند و برخی دیگر، وی را سنّی متعصبی می دانند که با شیعه، به شدّت، مخالف بوده است. هر دو دسته، به قرائن و شواهدی استناد می کنند، لذا نمی توان در شناخت معتقداتِ صحیح و مطابق با مذهب شیعه،

1- . نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، ص 101 - 127.

2- . همان.

3- . برای آگاهی بیش تر ر.ک: روح مجرد، (یادنامه ی حاج سیدهاشم موسوی حداد)، ص 313-372.

تمام سخنان ایشان را مورد استناد قرار داد، امّا به هر حال، ایشان، در کتاب فتوحات مکیّه(1)، درباره ی امام زمان (عج) سخنانی دارد که طبق اعتقادات شیعه است. مثلا می گوید:

بدانید که باید مهدی موعود اسلام ظهور کند تا دنیا را پر از عدل و داد کند، از آن پس که پر از ظلم و ستم شده باشد. اگر یک روز از عمر دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را چندان طولانی کند تا آن خلیفه بیاید. او، از عترت پیامبر اسلام و از فرزندان فاطمه است. جدّش، حسین بن علی ابن ابی طالب(علیه السلام) و پدرش امام حسن عسکری(علیه السلام) پسر امام علی النقی(علیه السلام) و نامش نام پیامبر است. مسلمانان، هنگام ظهورش، در بین رکن و مقام، با وی بیعت خواهند کرد.

بنابراین، آن چه را در این کتاب با قرآن و روایات و اعتقادات مذهبی شیعه مطابقت دارد، می پذیریم و مطالبی که با قرآن و روایات و عقاید حقّه ی شیعه مخالفت داشته باشد، مردود می شماریم.

پرسش های متفرقه

س: در قرآن آمده که در آخرالزمان، حضرت عیسی(علیه السلام) ظهور خواهد کرد و همه باید از او پیروی کنند. آیا مسلمانان نیز باید از او پیروی کنند؟

ج: در قرآن به این که حضرت عیسی(علیه السلام) در آخرالزمان نزول می کند، صریحاً اشاره نشده است. در قرآن آمده است: (وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَهِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها وَ اتَّبِعُونِ هذا صِراطٌ مُسْتَقِيمٌ)؛(2) و او، سبب آگاهی به روز قیامت است (نزول عیسی، گواه نزدیکی روز رستاخیز است) هرگز، در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

این آیه، به آمدن حضرت عیسی(علیه السلام) در آخرالزمان، تعبیر و تفسیر شده است، لکن روایات زیادی داریم که دلالت دارند بر این که هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، حضرت عیسی(علیه السلام) در پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند و برای نصرت او تلاش خواهد کرد. جابر بن عبدالله می گوید: از پیامبر(صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: حضرت عیسی، نازل می شود و امیر مسلمانان (منظور از امیر، حضرت مهدی (عج) است) می گوید: «بیا با تو نماز بگذاریم». می گوید: نه؛ بعضی از شما، امام و امیر بعضی دیگرید و این، احترامی است که خدا به این امّت گذاشته است.(3)

1- . محیی الدین عربی، فتوحات مکیه، باب 366، ص 327.
2- . زخرف: 61.
3- . طبرسی، مجمع البیان، ج 9، ص 91.

باز از پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود: «از ذرّیه ی من، مهدی (عج) وقتی قیام کند، حضرت عیسی برای نصرت او می آید و در پشت سراو نماز می خواند». [(1)]

با توجّه به این که در آن زمان، حجّت خداوند در میان مخلوقات عالم، حضرت مهدی (عج) است، بر همه واجب است که از او پیروی کنند، نه از کس دیگر. شاهد بر این، بیانی است که مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان فرموده اند. «حضرت عیسی(علیه السلام) در وقت خروج حضرت مهدی (عج) نزول می کند و در این زمان، همه ی ملل، ملّت واحده که همان ملت اسلام حنیف و دین ابراهیم است، می گردند.» [(2)]

بنابراین، تفاوتی میان دعوت این دو بزرگوار نیست. علاوه بر آن که امامت و رهبری امّت، بر عهده ی حضرت مهدی (عج) است و حضرت عیسی(علیه السلام) با آن حضرت، همراه و همگام خواهد بود و برای برپایی حکومت دینی، به دعوت و ارشاد مردم می پردازند.

س: آیا در روایات آمده که موقع سلام به امام زمان (عج) سر را تا اندازه ی رکوع یا کم تر، خم کنند؟

ج: از بعضی از روایات، استفاده می شود که هر گاه اسم مبارک امام زمان (عج) مخصوصاً لفظ «قائم» ذکر شود، باید احترام و تعظیمی انجام بگیرد. این که پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ، می ایستند، عمل مستحبی است و ریشه ی مذهبی و روایتی دارد. این کار، حتّی در زمان امام صادق(علیه السلام) نیز معمول بوده است. وقتی از امام صادق(علیه السلام) علّت قیام را پرسیدند، در جواب فرمود:

صاحب الأمر (عج) غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبّتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را با لقب «قائم»، یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد کرد; چون، در این حال، مورد توجّه امام واقع می شود. سزاوار است از باب احترام، به پاخیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.(3)

بنابراین، اظهار ادب، شعار مذهبی است، اگر چه واجب نیست; هم چنین نقل شده است که در خراسان، در حضور امام رضا(علیه السلام) دعبل خزاعی (شاعر اهل بیت) وقتی که قصیده ی معروف خود (قصیده تائیه) را برای حضرت سرود و به این قسمت از شعر رسید:

خروج إمام لامحاله خارج *** یقوم علی اسم الله بالبرکات(4)

ص: 96

1- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج 14، ص 349.
2- . مجمع البیان، ج 3، ص 236.
3- . علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج 1، ص 271.
4- . شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج 2، ص 653.

امام رضا(علیه السلام) بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، سپس کف دست راست خود را بر سرگذاشت و فرمود:

اَللهم عَجِّلْ فَرَجَهُ و سَهِّل مَخْرَجَهُ و انصرنا به نصراً عزیزاً;(1) خداوندا! در ظهورش شتاب کن و راه ظهورش را آسان گردان و ما را به وسیله ی او، نصرتی عزیز فرما.

با توجّه به این روایت و این که سیره ی اهل بیت(علیهم السلام) نیز مانند گفتار آنان، قابل تبعیّت است، می شود استفاده کرد که این عمل، یک نوع عمل مستحبی است.

س: زندگی امام مهدی (عج) چه گونه به پایان می رسد؟

ج: سرانجام زندگی امام عصر (عج) به لحاظ عقلی، از دو حالت خارج نیست: یا به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می فرمایند یا به صورت غیر طبیعی، نظیر مسمومیّت و شهادت و; برای هر دو صورت نیز روایاتی نقل شده است.

از جمله روایاتی که به مرگ طبیعی حضرت مهدی(علیه السلام)دلالت دارد، تفسیری است که امام صادق(علیه السلام) در رابطه با آیه ی شریفه ی (ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ)(2) بیان فرموده اند. ایشان می فرماید: «مقصود، زنده شدن دوباره ی امام حسین(علیه السلام) و هفتاد و دو نفر از اصحابش در عصر امام عصر (عج) است، در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند و به مردم رجعت و زنده شدن دوباره ی امام حسین(علیه السلام) را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و این، در حالی است که حضرت مهدی(علیه السلام)در میان مردم است. هنگامی که همه ی مؤمنان امام حسین(علیه السلام) را شناختند و تأکید کردند که او امام حسین(علیه السلام) است، مرگ حضرت مهدی(علیه السلام) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو خواهد بست. آن گاه امام حسین(علیه السلام)وی را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد».(3)

برخی روایات درباره ی کیفیت شهادت آن حضرت چنین نقل کرده اند:

هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده، از طایفه ی بنی تمیم، ایشان را به شهادت می رساند. ویژگی آن زن، این است که مانند مردها، محاسن دارد. او، از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند و آن حضرت را به شهادت می رساند.(4)

1- . همان.
2- . اسراء: 6.
3- . ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج 2، ص 281. هم چنین ر.ک: بحارالانوار، ج 52، ص 398، ح 61.
4- . سید محمد صدر، تاریخ بعد از ظهور، ص 881.

س: چند کتاب در مورد کرامات، نحوه ی ظهور، چگونگی حکومت و ... امام مهدی (عج) معرّفی کنید؟

ج: در این زمینه، کتاب های متعدّد و مختلفی تألیف شده است. در این قسمت، به معرّفی برخی از کتاب های فارسی اشاره می شود. برای اطّلاع از دیگر تألیفات به بخش کتاب نامه مراجعه شود:

1. مهدی موعود(علیه السلام)، ترجمه ی جلد سیزدهم بحارالأنوار، علی دوانی.

2. حضرت امام حجه بن الحسن المهدی پیشوای دوازدهم(علیه السلام).

3. عزیز آل یاسین(علیه السلام)، محمد ملک علی آبادی.

4. مهدی، انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی.

5. قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری.

6. جلوه های پنهانی امام عصر، حسین علی پور.

7. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی.

8. مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی.

9. ترجمه ی الغدیر، ج 13، زین العابدین قربانی.

10. شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی گلپایگانی.

11. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه ی عباس جلالی.

12. ملاقات با امام عصر (عج)، سید جعفر رفیعی.

13. روزنه ای به خورشید، هاشم بحرانی، ترجمه ی سیدحسین افتخارزاده.

14. در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمان انصاری.

15. امام زمان و سید بحرالعلوم، سید جعفر رفیعی.

16. بررسی طول عمر و ملاقات با امام زمان (عج) از روایات تا واقعیت، محسن علوی.

17. مجله ی تخصّصی انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

ص: 98

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109